





۱۸۲۷  
شماره

نمره دفتر ۱۸۲۷ کتابخانه مجلس شورای اسلامی  
جلد ۱  
منجمه ( ۱ ) جلد کتب تقدیمی آملی  
توسط آقای آملی اداره بزرگت مهر تهران  
۳  
۲۹۳

کتابخانه مجلس شورای اسلامی	۴
۲۰۸	

۱  
۲  
۳  
۴  
۵  
۶  
۷  
۸  
۹  
۱۰  
۱۱  
۱۲  
۱۳  
۱۴  
۱۵  
۱۶  
۱۷  
۱۸  
۱۹  
۲۰  
۲۱  
۲۲  
۲۳  
۲۴  
۲۵  
۲۶  
۲۷  
۲۸  
۲۹  
۳۰  
۳۱  
۳۲  
۳۳  
۳۴  
۳۵  
۳۶  
۳۷  
۳۸  
۳۹  
۴۰  
۴۱  
۴۲  
۴۳  
۴۴  
۴۵  
۴۶  
۴۷  
۴۸  
۴۹  
۵۰  
۵۱  
۵۲  
۵۳  
۵۴  
۵۵  
۵۶  
۵۷  
۵۸  
۵۹  
۶۰  
۶۱  
۶۲  
۶۳  
۶۴  
۶۵  
۶۶  
۶۷  
۶۸  
۶۹  
۷۰  
۷۱  
۷۲  
۷۳  
۷۴  
۷۵  
۷۶  
۷۷  
۷۸  
۷۹  
۸۰  
۸۱  
۸۲  
۸۳  
۸۴  
۸۵  
۸۶  
۸۷  
۸۸  
۸۹  
۹۰  
۹۱  
۹۲  
۹۳  
۹۴  
۹۵  
۹۶  
۹۷  
۹۸  
۹۹  
۱۰۰



۱۸۲۷  
شماره

نمره دفتر ۱۸۲۷ کتابخانه مجلس شورای اسلامی

جلد ۱  
منجمه ( ۱ ) جلد کتب تقدیمی آملی  
توسط آملی اداره بکرت مهر شران

طبع مهر شران

۲۹۳

کتابخانه  
مجلس شورای  
اسلامی

۴

۲۰۸





# کتاب

بت پرستی و مسیحیت کنونی

ترجمه

عقاید الوثنية في الديانة النصرانية

با مقدمه مشروحي بقلم مترجم

مؤلف

محمد طاهر التنير البيروتي

مترجم

حاجی میرزا رضا شریعتمداری دامغانی

اردیبهشت ۱۳۰۴

ناشر

محمد رمضانی صاحب کتابخانه شرق

حق طبع محفوظ و مخصوص ناشر است

« مطبعه مجلس »



و رادعی از ناحیه روحانیون اسلامی درین نیست اطمینان کامل حاصل است که در آتیه نیز احراز موفقیتی ننموده با صرف هر قدر تقود هم که باشد بی اطلاع ترین مسلمانرا نخواهند توانست در سلك مسیحیت در آورده صلیب را علامت مذهبی خود قرار دهد و برای ما هیچ جای نگرانی و وحشت و دهشت از اناجیل و مروجین آن از جنبه دیانتی نیست

و اصحاب صلیب به تبلیغات مذهبی غیر ممکن است که بتوانند رخنه در مبانی اسلام ایجاد کنند و هر چند يك مسامی را افکار تیره باشد و مبلغین خیره باشند برا و چیره نخواهند شد ولی متأسفانه در این اواخر پروتستانیها کتب انتشار داده از قبیل ینابیع الاسلام و غیره از راه مغلطه کاری و سفسطه بازی با هر گونه تکلف کوشش و اهتمام کرده اند که اصول اسلامی و احکام و دساتیر آنرا بمبادی قدیمتری نسبت دهند و وانمود کنند که از عقاید صابئین و کتب متروکه یهود و نصاری اتخاذ و انتخاب شده است و ما این حملات را نوعی از توهین باسلامیت تلقی کرده ناگزیریم دفاعاً تذکر دهیم که در کلیات و اصول ادیان الهیه اختلاف و تناقضی نیست و فقط از جهت تفاوت ازمنه و مقتضیات عمومی و استعداد بشری در جزئیات و فروع دیانت برای صیانت مصالح بشریت اختلافاتی مشهود است بعلاوه در اغلب دیانات پس از وفات صاحب دین اوهام و خرافات ملت و عوام دخالت کرده باندازه که صورت دیگری پیدا کرده است

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين  
پس از ستایش یکتا یزدان و تقدیس همه پیغمبران خصوصاً خاتم رسولان و تکریم ائمه رفیع الشان، افکار خوانندگان محترم را جلب مینماید:

برخی از پیروان آئین مسیح علیه السلام که سمت تبلیغ را وسیله ارتزاق خود قرار داده و در قطعات مختلفه دنیا برای انتشار دیانت مسیح و طبع و توزیع اناجیل بی اساس از هر نوع مجاهدت دریغ نکرده اند و برای پیشرفت و اشاعه اصول مسیحیت بهر وسیله از قبیل تأسیس مریضخانها و مدارس و نشر کتب که بتبلیغات آنان کمک معنوی میکنند متوسل گشته در ممالك شرقیه عموماً در بلاد مسلم نشین خصوصاً همه قسم مساعی مقتضیه را بکار برده و میپیرند

نظر باینکه اسلامیت را اساسی استوار و بنیانی متین و پایدار است و احکام الهی و اصول اجتماعی آن مبنی بر فلسفه و ناظر بحقایق است هنوز باور نکرده و سراغ نداریم یکنفر از معتقدین بآئین اسلام براسستی از دیانت خود منحرف و منحرف گشته مسیحی و صلیبی شده باشد و با اینکه در ممالك اسلامی و بلاد معظمه آن هر گونه مؤسسات تبلیغاتی دارند و مبلغین مسیحی آزادانه در هر نقطه بدسائس خود مشغول هستند و در برابر خطابه ها و کنفرانسها و مذاکرات فردی آنها مانع



و نظر بقانون تکامل و ارتقاء هر تشریع جدیدی که انتساب آن بخدای متعال مسلم گشت اهل و متمم شریعت سابقه است و بهمین ملاحظه ما دیانت اسلام را ناسخ نصرانیت میدانیم پس فرضاً اگر تشابهی مابین احکام اسلامی و معتقدات صابئین و یهود موجود باشد دلیل بطلان دیانت اسلامی نیست - و بنا بر عقیده که دیانت صابئین منتسب به «آغازائیمون» و «هرمس» (شیث) و (ادریس) است و اساس مشروع و مقدس داشته و بمرور زمان اوهام و خرافات و ثنیت در آن داخل شده اگر موافقتی مابین آثار اسلامیت با رسوم صابئیت منسوبه بشیث و ادریس بنظر برسد مارا تحاشی و انکاری نیست

و نیز اگر مخالفتی فیما بین افادات کتاب مقدس ما (قرآن) و مدونات توریة یا ملفقات انجیل فعلی ملحوظ افتد خود دلیل بی اعتباری توریة کنونی و انجیل موجود است و ما در ضمن دو مقاله که قریباً بنظر قارئین محترم میرسد بی اساسی و عدم اعتبار هر دو را «توریة و انجیل کنونی» مدلل خواهیم داشت پس همین طور که میان کتاب آسمانی و کتاب جعلی اختلافی محقق است اختلافات میان قرآن و توریة و انجیل حتمی و مورد است و دریغی نیست که ضمناً اعتبار کتب مهجوره یهود و نصاری از باب مطابقت باقرآن مجید ثابت گردد بجهات مزبوره ایرادات صاحب ینابیع الاسلام را غیر وارد و مردود میدانیم و از طرز محاجه و مجادله نویسنده کتاب مزبور استفاده کرده بنقض مسلمات او پرداخته مبرهن میمائیم که

بسیاری از عقاید و مسلمیات مسیحیت عیناً یا باجزئی تفاوت همان معتقدات بت پرستان هند و بودائی و فارسیان قدیم است و منظور ما جسارت و تعرض بمقام قدس حضرت مسیح نیست بلکه مقصود بیان حقیقت و ایضاح این است که انجیل را تا قرن چهارم رونقی نبود و از هنگامیکه قسطنطین امپراطور روم تنصر اختیار کرد افکار و عادات عموم رومیها که متوجه اوثنان و اصنام بود در ضمن ترویج مسیحیت، بعقاید بت پرستی رومی ها آمیخته گردید و خرافات بت پرستی بر اصول مقدسه مسیحیت غلبه یافت و چون تاریخ انجیل درست معلوم نیست میتوان دانست که موجبات تحریف انجیل چه بوده است

و قبل از شروع بکتاب (الوثنية والنصرانية) که نظر بتقاضای حضرت دانشمند معظم و ناطق محترم آقای خالصی زاده انارالله برهانه ترجمه آنرا تعهد کرده ام نتیجه مطالعات خود را در اطراف توریة و انجیل فعلی و عدم اعتبار آن دو بنظر قارئین عظام میرسانم

### توریة امروزی کتاب موسی نیست

اساساً لفظ توریة کلمه ایست عبری بمعنی شریعت و در نزد یهود اطلاق میشود بر اسفار خمشه (۱) سفر پیدایش که از کیفیت تکوین بحث مینماید (۲) سفر خروج که در موضوع مسافرت بنی اسرائیل است بمصر (۳) سفر لاویان (۴) سفر اعداد (۵) سفر تثئیه



و مسیحیان توریة را اطلاق میکنند بر این ۵ سفر و کتب انبیاء و تاریخ قضاة بنی اسرائیل و سلاطین ایشان قبل از مسیح که تمام این ها را عهد عتیق نیز می نامند و بسیاری زان کتب و تواریخ مورخ و نویسنده آن معلوم نیست بتصدیق علماء اروپائی - اما در اصطلاح قرآن توریة کتابی است که بر موسی نازل شده و مسلماً این ۵ سفر کتاب نازل بر موسی نیست اگرچه بعضی از آیات و احکام آن از توریة است لکن تغییر و تحریف و حذف و علاوه در او بسیار است آنچه را که از تتبع اسفار خمسة تصدیق میشود این است که توریة اصلی پس از تسلط بخت النصر بر بنی اسرائیل و خراب کردن بیت المقدس معدوم گردید و این اسفار خمسة را بایستی کتب تاریخی احوال موسی دانست که پس از استخلاص بنی اسرائیل نوشته شد چنانکه بعضی از علماء اروپائی نویسنده اسفار توریة با سلوبهای مختلفه نوشته شده و اختلاف اسلوب آن شاهد است که گوینده و نویسنده یک نفر نیست و بهترین شاهد کثرت الفاظ و لغات اهل بابل است که در توریة دیده میشود

کتاب خلاصه الادلة السنية علی صدق دیانة المسیحیه مینویسد که نسخه اصلی توریة محال است که اکنون بدست بیاید و مضمون آنست که بخت النصر توریة اصلی را با تابوت معدوم کرد

( سفر تثنیه باب ۳۱ شماره ۲۴ )

« واقع شد که چون موسی نوشتن کلمات این توریة را در کتاب

تماماً بانجام رسانید موسی به لاویانی که تابوت عهد خداوند را میداشتند وصیت کرد و گفت این کتاب توریة را بگیرید و آنرا در پهلوی تابوت عهد (یهوه) خدای خود بگذارید تا در آنجا برای شما شاهد باشد زیرا که من ترمرد و گردن کشی شما را میدانم اینک امروز من هنوز باشما زنده ام بر خداوند قسسه انگیزته اید پس چند مرتبه زیاده بعد از وفات من جمیع مشایخ اسباط و سروران خود را نزد من جمع کنید تا این سخنان را در گوش ایشان بگویم و آسمان و زمین را بر ایشان شاهد بگیرم زیرا میدانم بعد از وفات من خویشان را بالکل فاسد گردانیده و از طریق که بشما امر فرمودم خواهید برگشت و در روزهای آخر بدی بر شما عارض خواهد شد زیرا آنچه در نظر خداوند بد است خواهید کرد و از اعمال دست خود خشم خداوند را بهیجان خواهید آورد پس کلمات این سرود را در گوش تمامی جماعت تماماً گفت . »

اولا آیات مذکوره دلالت دارد که موسی تلف شدن توریة را در نظر داشت که به بنی اسرائیل (با آنکه گفت ترمرد گردن کشی شما را میدانم) امر بحفظ و عمل بآن میکنند و در عین حال مایوس از بنی اسرائیل است

و ثانیاً اسلوب عبارت به نقل شیبه تراست تا آنکه انشاء موسی باشد زیرا در تمام این جملات لفظ موسی رفت و گفت و سپرد تعبیر میکند چنانکه آیه اول میگوید که موسی بیه لاویانی که تابوت عهد خداوند را بر میداشتند وصیت کرده و



گفت. - مسلماً این گونه فرازها که بسیار است از توریة اصلی نیست بلکه از انشائات مورخ است که نقل مینماید و ثالثاً واضح میشود که توریة اصلی جنب تابوت بوده و تابوت هم یقیناً بدست قشون بخت النصر مفقود شد «سفر تثئیه باب ۳۲ شماره ۴۴»

«موسی آمده و تمام سخنان این سرود را بسمع قوم رسانید او و یوشع ابن نون». این شماره صریحاً دلالت میکند که عبارت کاتب و مورخ است که یوشع ابن نون را هم ضمیمه نموده و همچنین ۴۵ از این باب (و چون موسی از گفتن همه این سخنان تمامی اسرائیل فارغ شد)

و همچنین آیاتی که در اسفار خمه موت موسی را مینویسند اجمالاً ثابت است که اسفار خمه را عزرائیل کاهن بعد از استخلاص بنی اسرائیل از اسارة بابلیین نوشت و هیچ معلوم نیست که عزرا از چه نقطه نظر اسفار را نوشت و بچه دلیل قطعی آنرا توریة موسی دانست

باب ۳۴ از دوم تواریخ ایام شماره ۱۴

(و چون نقره را که بخانه خداوند آورده بودند بیرون میبردند حلقیای کاهن کتاب توریة خداوند را که بواسطه موسی نازل شده بود پیدا کرد و حلقیا شافان کاتب را خطاب کرد و گفت. کتاب توریة را در خانه خداوند یافتم و حلقیا آن کتاب را بشافان داد)

ایضاً شماره ۲۱

(چونکه پدران ما کلام خداوند را نگاه نداشتند و هر آنچه در این کتاب مکتوب است عمل ننمودند) از این دو جمله معدوم شدن کتاب توریة بعد از خرابی بیت المقدس ثابت میشود و آنچه را که مژنون است و علماء اروپا نیز تصدیق می کنند این است که پادشاه فارس (ارتخ ششنا) عزرا را که از اولاد همین حلقیا است مأموریت داد که بنی اسرائیل را در بیت المقدس جمع کند و از برای آنها شریعت موسی را بنویسد عزرا بر حسب مأموریت پادشاه فارس بفکر خود تاریخ موسی را نوشت و آنچه را که از توریة اصلی در نظر داشت عیناً یا (بایک زیاده و نقصانی) در آن درج نمود و هیچ دلیلی قائم نشده که عزرا پیغمبر بوده و یا آنکه کتابی را که حلقیا پیدا کرده بود آن عین کتاب موسی بوده یا نبوده و یا آنکه بعزرا رسیده یا نرسیده است و در انتساب کتابی به پیغمبری البته تواتر نقل لفظی و تواتر در روایت لازم است که قطعاً انتساب آن کتاب پیدا شود بمجرد قول حلقیا و یا دعوی عزرا با مخالفت اسلوب عبارات اسفار خمه نمیتوان تصدیق کتاب آسمانی و شریعتی را نمود بعلاوه مطابق تاریخ یوسی فس یهودی و باب اول از کتاب اول مقابیین ۱۶۱ سال قبل از میلاد مسیح انتیوکس پادشاه فرنگ اورشلیم را فتح کرد و آنچه نسخه هائی که از کتب عهد عتیق بود سوزانید و در مدرسه سال ونیم تفتیش میکرد که



نسخه های عهد عتیق را پیدا کرده بسوزاند پس حتماً توریة عزرا را هم در آنموقع مفقود شد

### انجیل امروزی تحریف شده

### انجیل حقیقی و کتاب آسمانی نیست

مقتضی است ابتداءً تاریخ انجیلهای چهار گانه را مطابق تقریر اروپائی و مسلمین نوشته پس از آن داخل حل قضیه و قضاوت در این موضوع شویم

بعضی از مورخین مسیحی مینویسند ۳۵ انجیل بی اساس در بین مردم بود (مارونی) صاحب ذخیره الالباب مینویسد ۳۵ انجیل نبود بلکه چون اسامی متعدده داشته ۳۵ اسم از برای انجیل معروف بود و تمام انجیلهایی که در بین مردم معروف بود کمتر از ۲۰ عدد بود که یکی از آنها انجیل (برنابا) است و نقل میکنند از معترضین باناجیل اربعه اعتراضاتی منجمله اینکه هیچ طریق اطمینان بخشی برای شناختن خط مؤلف آنها در دست نیست

دیگر آنکه (کورنتس و کربوک راتوس) دراوائل مسیحیت انجیل لوقارا پذیرفتند والوقین انجیل یوحنا را قبول نکردند

دکتر پوست پروتستانی مینویسد در قاموس کتاب مقدس که نقص اناجیل اربعه ظاهر است زیرا که کاملاً باروح نجات دهنده مسیح مخالف است

از ملاحظه دائرة المعارف فرانسه کاملاً واضح میشود علمای مسیحی تاچه اندازه اختلاف عقیده دارند که مؤلف اناجیل اربعه کیست و در چه موقع و چه تاریخ نوشته شده و بچه لغتی بوده است و چگونه نسخه اصلی آن مفقود شده

یکی از طرفداران اناجیل اربعه صاحب کتاب مرشد الطالبین الی الکتاب المقدس الثمین می نویسد بعقیده جماعتی از مسیحی ها انجیل متی قبل از انجیل مرقس و لوقا و یوحنا نوشته شده و مرقس و لوقا انجیل خود را قبل از خراب شدن اورشلیم نوشته اند و لکن نمیتوان تحقیق کرد که در چه سنه اناجیل نوشته شده زیرا نص خدائی در دست نیست که دلالت داشته باشد بر تاریخ اناجیل و قدر متیقن این است که بعد از صعود نجات دهنده نوشته شده

یکی از فلاسفه هنود که کاملاً در تاریخ ادیان مطالعه کرده و کتبی نوشته در کتابی که بلغت انگلیسی مینویسد و انرا باین اسم نامیده (چرا مسلمان شدم) ذکر میکنند که پس از تفحص در تمام ادیان تنها دیناتی که دارای تاریخ صحیح محفوظ است اسلام را شناختم زیرا مسلمان میدانند که قرآن عین کتابی است که بر محمد صلی الله علیه و آله نازل شده و جای تعجب است که اروپائی ها دینی را اختیار کردند که صاحب آن دیانت را در ردیف خداوند میدانند در صورتیکه از تاریخ آن صاحب دیانت (مسیح) اطلاع مهمی در دست ندارند زیرا اناجیل اربعه اروپا با آنکه اصل آنها ثابت نیست و اعتمادی بمؤلف و تاریخ آنها



نمیباشد وقایع و گذارشات را از مسیح نقل نکرده مکرر مختصری و کیفیت بچگی و جوانی و تربیت و تعلیم مسیح کاملاً در دستشان نیست

در قرن دوم میلادی یکی از علمای بت پرست موسوم به (سلوس) کتابی در ابطال دیانت نصرانیة مینویسد چنانکه (اکهارن) آلمانی نقل میکند نصاری سه مرتبه یا چهار مرتبه بلکه بیشتر انجیل خود را تغییر داده اند و مضامین آن مکرر تغییر کرد

و در بعضی کتب اروپائی وارد است که در قرن اول میلاد فرقه اینیونیه از فرق نصاری فقط انجیل متی را تصدیق داشتند و باقی را انکار میکردند

فرقه مارسیونییه از قدیم فقط ایمان بانجیل لوقا داشتند و نسخه که از انجیل لوقا نزد ایشان بود بانسخه کنونی مخالف است (انجیل متی)

صاحب ذخیره الالباب میگوید قدیس متی در سنه ۴۱ مسیحی انجیل خود را بلغت معمولی که عبرانی یاسیر و کلدانی بود نوشت طولی نکشید که بیونانی ترجمه شد و آن ترجمه بیونانی بطوری بر نسخه آن غلبه یافت که بکلی نسخه اصلی در قرن ۱۱ از بین رفت و معدوم شد (معلوم نیست آن مترجم یونانی در چه حال بوده آیا خیانت باصل کرده یا به نسخه اصلی تطبیق کرده یا نه)

و همچنین صاحب ذخیره مینویسد مظنون این است که

متی در اورشلیم انجیل خود را نوشت و فقط روایاتی است از مسیح و در صدد شرح زندگانی مسیح نبوده

و نیز صاحب ذخیره مینویسد متأخرین پروتستانی ها تصدیق نمی کنند که دو باب اول انجیل متی از خود او باشد جیروم که از افاضل قدماء مسیحی است مینویسد انجیل متی عبرانی بوده و مترجم آن معلوم نیست که کیست

دکتر بوست در قاموس کتاب مقدس میگوید اقوال مختلف است در اینکه انجیل متی بلغت عبری یا سریانی که زبان اهل فلسطین بوده نوشته شده چنانکه بعضی هم معتقدند نسخه اصلی آن بیونانی نوشته شده و اکنون نیز نسخه اصلی آن یونانی است و بالاخره میگوید بر خلاف جماعتی از رؤسای متقدمین مسیحی مظنون من این است که اساساً متی بیونانی نوشته است و بایستی قبل از خراب شدن اورشلیم نوشته باشد و نقل میکند از بعضی از علماء مسیحی که میگویند انجیل متی بین سنه ۶۰ مسیحی و ۶۵ نوشته شده - اوسابیوس که در سنه ۳۶۰ وفات کرده نقل میکند از پاپیاس اسقف هیرا بلولیس که در نیمه قرن دوم بوده است اینکه متی مجموعه از جملات را بلغت عبری نوشت پس از آن هر کس بفهم و مذاق خود ترجمه کرده و انجیل متی از سایر اناجیل امتیاز دارد که بتوحید نزدیکتر است و از بت پرستی دورتر است و متی خود از شاگردان مسیح بوده است (انجیل مرقس)

صاحب ذخیره مینویسد که مرقس از ملت عبرانی و شاگرد



پطرس بود و انجیل خود را از خطبه های پطرس و انجیل متی اقتباس کرده

و نیز میگویند بعضی از متأخرین معتقدند که قبل از متی و مرقس انجیل دیگری بوده که هر دو از او اقتباس کرده اند و بعضی از پروتستانی ها تصدیق نمی کنند که ۱۲ آیه اخیره از فصل ۱۶ آن انجیل از مرقس باشد بادلۀ چندی که یکی از آنها نبودن آن ۱۲ شماره است در نسخه های خطی قدیم

دکتر بوست می نویسد مرقس لقب یوحنا است و در اصل یهودی بوده و در اورشلیم متولد شده و نیز میگوید مرقس با پولس و برنابا که دائی مرقس بود در مسافرت اولی خود بودند و در برجه از آنها مفارقت کرد پس از آن مشاجره مهمی بین پولس و برنابا واقع شد مرقس با پولس باز مصاحبت کرده برومیه مسافرت کردند پطرس رسالۀ اول خود را مینوشت مرقس با او بود و بعد با تیموثاوس در افسیس بود و بیش از این از حالات مرقس چیزی در دست نیست

و نیز دکتر بوست میگوید که مرقس انجیل خود را بیونانی نوشت و در آن بعضی کلمات لاتینی نیز بود و از آن کلمات لاتینی معلوم میشود که انجیل خود را در یونان نوشته است مشابهت بین انجیل متی و مرقس موجب شد که بعضی تصور کردند که انجیل مرقس مأخوذ از متی است

از ایرنیاوس نقل میشود که مرقس انجیل خود را بعد از پطرس و پولس نوشت ( چگونه میشود اطمینان کرد که مرقس آنچه را از پولس شنیده ضبط کرد و عیناً آنرا نوشت )  
( انجیل لوقا )

صاحب ذخیره میگوید لوقا اهل انطاکیه است بعضی گمان میکنند که اهل یونان و یهودی بوده است زیرا کتاب مقدس را نقل نمی کند مگر از ترجمۀ سبعینیه و بعضی میگویند بت پرست بوده و مسیحی شده لکن خود صاحب ذخیره معتقد است که لوقا شاگرد و معاون پولس بوده است پس از آن صاحب ذخیره میگوید متی و مرقس از بعضی حوادث و اموری راجع بزندگان مسیح غفلت کردند

و بعضی از نویسندگان شرح احوال مختلفی برای مسیح نوشته اند این اختلافات باعث شد که لوقا انجیل خود را بیونانی نوشت و از باقی مؤلفین عهد جدید صحیح تر و فصیح تر بود و هر چه را که از انجیل متی و مرقس موافق بود اقتباس کرد و بقیه را حذف و اسقاط نمود زیرا که لایق بحال مسیح علیه السلام نمیدانست پس از آن نقل میکنند اختلافاتی را از علماء که در کجا انجیل لوقا نوشته شد و برای چه نوشت

دکتر بوست در قاموس کتاب مقدس می نویسد بعضی گمان میکنند لوقا در انطاکیه متولد شده و لوقارا به اکیوس



اشتباه کرده اند و چون صیغه غایب بمتکلم در بعضی تعبیرات لوقا باپولس دیده میشود معلوم میشود که لوقا باپولس بوده و در سفر ثانی فیلیپی نیز با او مصاحب بوده و بعد از چند سال دیگر باز در فیلیپی باپولس بود تا آنکه اسیر شد و او را به رُم بردند « از اسلوب عبارت تاریخ را استنباط میکنند »

و بعضی گمان کردند که پولس گاهی در کلمات خود « انجیل من » میگوید دلالت میکند که خود او مؤلف انجیل بوده و لوقا نوبسندۀ آن

و نیز دکتر بوست مینویسد انجیل ارقا قبل از خرابی اور شلیم نوشته شده و مضمون این است که در فلسطین زمان اسارت پولس سنه ۵۸ الی ۶۰ نوشته شده در کتاب خلاصه از ۱۵ تا ۵۳ را معین می کند

### انجیل یوحنا

عموماً مسیحیان معتقدند که یوحنا شاگرد عیسی علیه السلام بوده است لکن مورخین اخیر که در دایرة المعارف فرانسه مینویسند معتقدات دیگری دارند و بعضی هم میگویند از شاگردان پولس بوده است

و در ذخیره سه قول در تاریخ کتابت آن نقل میکنند ۶۴ و ۹۴ و ۹۷ و اینکه یوحنا باصرار اسقفها انجیل را بیونانی نوشت تا آنکه الوهیت مسیح را ثابت کند و نقص آنسه انجیل را مرتفع کند که نام خود را در عالم جاویدان بگذارد

مفهوم این عبارت این است که اگر اصرار اسقفها نبود نمینوشت بزرگترین شاهد این است که بین عقاید بت پرستی و توحید را جمع کرده است چنانکه در يك محل میگوید که اگر عیسی در حق خود شهادت بدهد حق است و در موضع دیگر میگوید اگر به له خود شهادت دهد قبول نیست

دکتر بوست مینویسد مضمون این است که انجیل یوحنا در افسیس بین سنه ۷۰ و ۹۵ نوشته شده و ایضاً دکتر بوست در مقام رد بر بعضی از علماء آزادی خواه اروپا که منکر انجیل یوحنا هستند می نویسد « بعضی از کفار رسمیت انجیل یوحنا را انکار کرده اند زیرا از تعلیمات روحی آن مخصوصاً تصریحات آن بلاهوتیت مسیح کراهت دارند لکن شهادت پطرس بصحت آن کافی است که در رساله دوم پطرس اشاره بیک آیه از یوحنا میکنند و اغناتیوس و بولیکربوس از روح و فخری انجیل یوحنا اقتباس کرده اند و بنا بر موافقت يك آیه پطرس (باب اول شماره ۱۴) و با آن معلوماتی که از حالات یوحنا داریم حکم میکنیم که از قلم یوحنا است و الا اگر از یوحنا نباشد نویسنده این انجیل بنام یوحنا خیلی قابل ملامت است

از دکتر بوست اینگونه استدلال جای تعجب است با آنکه رساله پطرس مطابق کتاب مرشد الطالبین الی الکتاب المقدس الثمین در سنه ۶۴ و سنه ۶۸ در بابل نوشته شده و انجیل یوحنا بر حسب تحقیق خود بوست در سنه ۹۵ تا



۹۸ نوشته شده چنانکه سایر پروتستانی ها نیز همین تاریخ را تصدیق میکنند. بالتیجه انجیل یوحنا ۳۰ سال یا بیشتر بعد از رساله پطرس نوشته شده و اگر در مضمون يك شماره موافق باشند یوحنا از پطرس نقل کرده است و ثانیاً دو شماره که بوست قول پطرس را شهادت یوحنا دانسته ما نقل می کنیم که معلوم شود هیچ يك ناظر بدیگری نیست رساله دوم - پطرس باب اول شماره ۱۴ (چونکه میدانم که وقت بیرون کردن خیمه من نزدیک است چنانکه خداوند ما عیسی مسیح ما را آگاهانید انجیل یوحنا باب ۲۱-۱۸ آمین آمین بتو میگویم «عیسی به پطرس میگوید» وقتی که جوان بودی کمر خود را می بستی و بهر جا که میخواستی میرفتی ولیکن زمانی که پیر شوی دست های خود را دراز خواهی کرد و دیگران تو را بسته بجائی که نمیخواهی خواهند برد) معلوم است که این دو شماره اولی هیچ مصدق انجیل یوحنا شماره که نقل شد نخواهد بود بعلاوه انجیل یوحنا اثبات می کند عقیده بت پرستان را که مخالف است با تمام عقاید توریة و جمیع کتب انبیاء بنی اسرائیل با اینکه عیسی صریحاً میگوید من آمدم تا شریعت موسی را تکمیل کنم نیامدم تا باطل سازم

دیگر آنکه در عقیده و اسلوب مخالف است با تمام اخباریکه از عیسی و شاگردانش نقل شده است - و دیگر آنکه مخالف است با سه انجیل قبل از آن مخصوصاً در مواردیکه

در آن سه انجیل حوادث و عوارض بشریت را برای مسیح اثبات میکنند از قبیل خوف عیسی از یهوود و تضرعش بنحدا و ناله اش وقت صلب از شدت تألم و تجربه کردن شیطان عیسی را و بالاخره آنچه از اسلوب انجیل یوحنا معلوم میشود نویسنده انجیل یوحنا میخواهد عقاید بت پرستان را بر خلاف آن سه انجیل در ملت مسیح تزریق کند

کتاب اظهار الحق استدلال میکند بادلۀ چندی که انجیل یوحنا تألیف یوحنا شاگرد مسیح نیست (۱) اسلوب این انجیل ثابت میکند که کاتب آن مشهودات خود را ننوشته بلکه از غیر نقل می کند (۲) در این انجیل از احوال و اقوال مسیح چیزی نیست مگر مختصری زیرا در این انجیل یوحنا را بصیغه غایب مینویسد باینکه یوحنا همچو دیدو همچو گفت معلوم میشود کاتب انجیل غیر یوحنا است فقط اخباری از یوحنا شنیده و انجیل را بنام یوحنا نوشته و خود کاتب هم مجهول الحال است (۳) علامای مسیحی می نویسند که زمان درینیوس شاگرد بولیکارب که شاگرد یوحنا بود مردم انجیل یوحنا را منکر شدند و ابداً ارینیوس بر آنها اعتراض نکرد (۴) در بعضی کتب اروپا نوشته شده که استادان در کتابش مینویسد که تمام انجیل یوحنا تألیف یکی از محصلین مدرسه اسکندریه بوده است - (۵) برت شنیدر مینویسد که تمام انجیل یوحنا بلکه تمام رسائل یوحنا تصنیف یوحنا نیست بلکه در ابتدای قرن دوم یکنفر مجهول الحال نوشته



است - (۶) کردتیس میگوید این انجیل بیست باب بود و بعد از مردن یوحنا کلیسای افسس باب ۲۱ را بان ملحق کرد (۷) جمعی از علمای مسیحی ۱۱ شماره از فصل ۸ آنرا قبول نمی کنند

### اما تحقیق قضیه

لفظ انجیل یونانی است و معنای آن بشارت و بزبان مسیحیان استعمال میشود بر چهار انجیل و کتاب اعمال رسولان و رسائل پولس و پطرس و یوحنا - و مکاشفات یوحنا - اناجیل چهار گانه سند متصلی ندارند که نسبت آنها بمقی و مرقس و یوحنا ثابت شود و بر فرض اثبات انتساب بانها دلیل قطعی قائم نیست بصحت تألیف آنها زیرا انجیل حقیقی که از خدا بر عیسی نازل شد یکی است چهار انجیل را باختلافات زیاد و تضاد احکام مخصوصاً انجیل یوحنا که عقاید بت پرستی کاملاً در آن دخالت دارد نمیتوان انجیل نازل شده بر عیسی دانست و نیز در سنه که انجیل متی در آن سنه نوشته شد ۹ قول است و همچنین در سایر اناجیل هم اختلافات بین علمای مسیحی زیاد است اجمالاً قدر ثابت اینست که شاگردان مسیح قوه کتابت نداشتند بیشتر مشغول مسافرت و صحرا نوردی بودند و انجیل هم معروف نشده مگر در قرن چهارم میلادی زیرا اتباع مسیحی مقهور تسلط یهود و رمان بودند در قرن چهارم قسطنطین پادشاه رم نصرانیت را قبول کرده

اناجیل متعدده و تواریخ مسیح ظاهر شد که پس از ظهور کتب متعدده اتفاق بر این چهار انجیل نمودند شماره ۶ و ۷ از باب اول رساله بولس بغلاطیان شهادت میدهد که در صدد تحریف انجیل بودند و مردم انجیلی را که بر عیسی نازل شده بود ترك کرده بودند « تعجب میکنم که بدین زودی از آن کس که شما را بفیض مسیح خوانده است بر میگردد بسوی انجیل دیگر که (انجیل) دیگر نیست لکن بعضی هستند که شما را مضطرب میسازند و میخواهند انجیل مسیح را تبدیل نمایند » انجیل یوحنا باب ۱۲ شماره ۲۵ « و دیگر کارهای بسیار عیسی بجا آورد که اگر فرداً فرد نوشته شود گمان ندارم جهان هم گنجایش این نوشته ها را داشته باشد

این شماره کاملاً دلالت میکند که این انجیل یوحنا تاریخ مختصری است از عیسی و اعمال بسیار عیسی و کلماتش در زمانهای طولانی نوشته نشده و ازین رفته صاحب ذخیره الالباب مینویسد انجیل دارای تمام اعمال و اقوال مسیح نیست چنانکه قدیس یوحنا نیز شهادت داده است یکی از ادله تحریف و تبدیل اناجیل تضاد آنها است با یکدیگر در بسیاری از قصص و احکام

انجیل مرقس و متی در باب دوفتر دزدیکه با عیسی مصلوب شده بودند مینویسد که آن دو نفر عیسی را سرزنش میکردند و در انجیل لوقا مینویسد که یکی از دوفتر دزد عیسی را سرزنش میکرد و آن دیگری او را منع میکرد



انجیل مرقس باب ۱۵ شماره ۲۷

و باوی دو نفر دزد را یکی از دست راست و دیگری از دست چپ مصلوب کردند - تا شماره ۳۲ از همان باب مینویسد و آنانی که مصلوب شدند او را دشنام میدادند

انجیل متی باب ۲۷ شماره ۴۴ و همچنین آن دو دزد نیز که باوی مصلوب بودند او را دشنام میدادند

انجیل لوقا باب ۲۳ شماره ۳۹ و یکی از آن دو خطاکار مصلوب بروی کفر گفت که اگر تو مسیح هستی خود را و ما را برهان اما آن دیگری او را جواب داده او را نهیب کرده و گفت مگر تو از خدا نمیترسی چونکه زیر همین حکمی تا شماره ۴۲ (پس عیسی گفت ای خداوند مرا یاد آور وقتی که بملکوت خود آئی عیسی بوی گفت هر آینه بتو میگویم امروز با من در فردوس خواهی بود) - و نیز در باب قبر عیسی انجیل متی باب ۲۸ شماره اول تا چهارم مینویسد و بعد از سبت هنگام فجر روز اول هفته مریم مجدلیه و مریم دیگر بجهت دیدن قبر آمدند که ناگاه زلزله عظیمی حادث شد از آنرو که فرشته خداوند از آسمان نزول کرده آمد و سنک را از قبر غلطانیده بر آن بنشست و صورت او مثل برق و لباس برف سفید بود،

انجیل مرقس باب ۱۶ شماره اول

چون سبت گذشته بود مریم مجدلیه و مریم مادر یعقوب و سالومه حنوط خریده آمدند تا او را تدهین کنند و صبح روز شنبه را بسیار زود وقت طلوع آفتاب بر سر قبر

آمدند و با یکدیگر می گفتند کیست که سنک را برای ما از سر قبر بغلطاند چون نگریستند دیدند که سنک غلطانیده شده است زیرا بسیار بزرگ بود چون بقبر در آمدند دیدند جوانی را که جامه سفید در بر داشت بر جانب راست نشسته دیدند پس متحیر شدند او بدیشان گفت ترسان مباشید عیسی ناصری مصلوب را می طلبید او بر خاسته است در اینجا نیست آن موضعی که او را نهاده بودند ملاحظه کنید لیکن رفته شاگردان او و پطرس را اطلاع دهید که پیش از شما بجلیل می رود او را در آنجا خواهید دید چنان که شما فرموده بود

در انجیل متی نوشته بود که ملکی را بر سر قبر دیدند نشسته بود

مرقس میگوید جوانی را در میان قبر دیدند که بانها گفت بروید به شاگردان عیسی و پطرس ابلاغات فوق را برسانید متی میگوید برای دیدن قبر آمدند مرقس میگوید حنوط برداشته برای تدهین آمدند متی مریم مجدلیه و مریم دیگر و مرقس اضافه می نماید سالومه را و نیز در همان باب شماره نهم متی میگوید در هنگامی که برای اخبار شاگردان او می رفتند ناگاه عیسی بایشان برخورد کرده گفت سلام بر شما باد معلوم میشود که عیسی برای همه آن روندگان ظاهر

شده بود

ولی انجیل مرقس ظهور عیسی را بمریم مجدلیه ابتداء



اختصاص میدهد

باب ۱۶ شماره ۹ « و صبح گاهان روز اول هفته چون بر خاسته بود نخستین بمريم مجدلیه که از او هفت دیو بیرون کرده بود ظاهر شد »

اما انجیل لوقا هیچ نمیگوید که آن زنهایی که برای دیدن قبر آمده بودند آنسه نفری است که مرقس مینویسد یا آندونفري است که متی مینویسد بلکه میگوید زنهایی بودند که از جلیل با یوسف برای دفن عیسی آمده بودند و قبر و دفن عیسی را دیده بودند و نیز میگوید که زمان سپیده صبح آمده بودند و مرقس میگوید زمان طلوع آفتاب و نیز جوانی را که بر روی قبر نشسته باشد مثل متی و یا میان قبر باشد مثل مرقس نقل نمیکند بلکه میگوید درین آنکه آن زنهای متحیر بودند دو نفر جوانی ظاهر شدند و گفتند چرا زنده را درین مردگان می طلبید

انجیل لوقا باب ۲۳ شماره ۵۴ تا شماره ۷ از باب ۲۸ « و زنانیکه در عقب او ( یعنی یوسف ) از جلیل آمده بودند از پی او رفتند و قبر و چگونگی گذاشتن بدن او را دیدند پس برگشته حنوط و عطریات مهیا ساختند و روز سبت را بحسب حکم آرام گرفتند پس در روز اول هفته حنوطی را که درست کرده بودند با خود برداشته بسر قبر آمدند و سنک را از سر قبر غلطانیده دیدند چون داخل شدند جسد خداوند ( عیسی ) را نیافتند و واقع شد هنگامیکه ایشان از این امر

متحیر بودند دو مرد در لباس درخشنده نزد ایشان بایستادند و چون ترسان شده سرهای خود را بسوی زمین افکندند بودند بایشان گفت چرا زنده را در میان مردگان می طلبید »

و نیز در انجیل مرقس معلوم شد زنهای یاحدی خبرندادند لکن انجیل لوقا میگوید که خبر دادند و مردم هذیان پنداشتند باب ۲۴ انجیل لوقا شماره ۹ و از سر قبر برگشته آن یازده نفر و دیگران را از همه این امور مطلع ساختند شماره یازدهم لیکن سخنان زنان را هذیان پنداشته باور نکردند و اما انجیل یوحنا با هر سه نفر متی و لوقا و مرقس مخالف است

باب ۲۰ شماره اول « بامدادان در اول هفته وقتی که هنوز تاریک بود مريم مجدلیه بسر قبر آمد و دید که سنک از سر قبر بر داشته شده است پس دوان دوان نزد شمعون پطرس و آن شاگرد دیگر که عیسی او را دوست میداشت آمده بایشان گفت خداوند را از قبر برده اند و نمیدانم او را کجا گذارده اند آنکاه پطرس و آن شاگرد دیگر بیرون شده بجانب قبر رفتند و هر دو با هم میدویدند اما آن شاگرد دیگر از پطرس پیش افتاده اول بقبر رسید و خم شده کفن را گذاشته دید لیکن داخل نشد بعد شمعون پطرس نیز از عقب او آمد داخل قبر گشته کفن را گذاشته دید و دستمالی را که بر سر او بود نه با کفن نهاد بلکه در جای علیحده پیچیده پس آن شاگرد دیگر که اول بسر قبر آمده بود نیز



داخل شده و دید و ایمان آورد زیرا هنوز کتاب را نفهمیده بودند که باید او از مردکان بر خیزد پس آن دو شاگرد بمکان خود برگشتند اما مریم بیرون قبر گریان ایستاده بود و چون میگریست بسوی قبر خم شد دو فرشته را که لباس سفید در بر داشتند یکی بطرف سر و دیگری بجانب قدم در جائی که بدن عیسی گذارده بود نشسته دید ایشان بدو گفتند ایزن برای چه گریانی بدیشان گفت خداوند مرا برده اند و نمیدانم او را کجا گذارده اند و چون این را گفت بعقب ملتفت شد عیسی را ایستاده دید لیکن شناخت که عیسی است )

بالاخره از ملاحظه باب ۲۰ انجیل یوحنا و ۲۳ و ۲۴ لوقا و شانزدهم مرقس و ۲۸ متی تضاد و تناقض روایات اناجیل در موضوع قبر کاملاً ثابت میشود که اناجیل اربعه تاریخی است که نویسندگان هر يك از روی فکر و اطلاع خود نوشته است

نظر بادلّه مزبوره ثابت میشود مضمون آیه شریفه وارده در قرآن سورة مائده و من الذین قالوا انا نصاری اخذنا میثاقهم و نسوا حظاً مما ذكروا به و اغرینا بینهم العداوة و البغضاء الى يوم القيمة و سوف ینبئهم الله بما كانوا یصنعون

### تشلیث نصاری

در اینکه تشلیث نصاری از فرق بت پرستی اتخاذ شده شبهه نیست زیرا مسیح و انجیل حقیقی او مقدس از این خرافات

است در این موضوع سه مقدمه لازم است که توضیحاً بیان شود

اول اینکه عقیده تثلیث در بت پرستان بوده از قبیل هندو و قدماء سوئد و نروژ و دانمارك و سکنه اول اروپا و یونانیها و فرس و اهل رم و کلدانی ها و آشوریها و فنیقیها و بابلیها و مصری های قدیم و بودائی ها

این مقدمه را کاملاً مؤلف کتاب و در مقاله سه گانه بت پرستان ثابت می کند

دوم نصاری مسلماً معتقد به تثلیث بوده و مسیح را خدا می دانستند اکنون نیز کاتولیک و ارتودکس همین عقیده را دارند ارتباط این سه اقنوم را با یکدیگر بعضی تشبیه به کلمه و فکر و روح می کنند و بعضی میگویند مثل آفتاب است که دارای جرم و ضوء و حرارت است و بعضی میگویند مثل آتش است که دارای جسم و نور و حرارت است کاتولیک ها در موقعیکه بخواهند کسی را غسل تعمید بدهند میگویند بدان که مسیحیت عبارت از آن است که ذات خدا را مرکب از سه اقنوم بدانی اب و ابن و روح القدس و اینکه عیسی خدا و پسر خدا است

شیخ ناصیف یازجی مسیحی میگوید: نحن اللّصاری آل عیسی المنتمی حسب اللّانسر بالبتولة مریم فهو الاله ابن الاله و روحه فثلاثة فی واحد لم تقسم للآب لاهوت ابنه و کذا ابنه و کذاهما و الروح تحت تقسم كالشمس یظهر جرمها



بشعاعها و بحر ها و الكل شمس فاعلم - اگر چه از قدماء نصاری اختلاف عقیده دیده میشود لکن تمام در اصول اولی که عیسی را خدا میدانند مشترکند - بعضی قائل به اقانیم ثلاثه بودند - و بعضی مسیح را خدا میدانستند - و بعضی مسیح را پسر خدا

لكن عجالة كاتوليك و اورتودكس معتقدند باقانیم ثلاثه و این که هر يك عین دیگری است مثلا مسیح ابن است ولی ابن عین اب است و عین روح القدس فرقه پروتستانی که مقداری نصرانیت را اصلاح کرده و بیشتر خرافات اهل صلیب را برداشته با این حال از عقیده تثلیث و الوهیت مسیح خارج نشدند - و بالاخره موحد صرف را مسیحی نمیدانند و معتقدند که مسیح خداست و خدا عین مسیح است بیشتر علمای پروتستانی میگویند تثلیث از اسرار است و خواهی نخواهی بایستی بان معتقد بود در سؤال و جواب دیناتی که بان کلیسیا نوشته شده و بسیط صاحب امریکائی ترجمه نموده مینویسد سؤال ششم دارای الوهیت چه کسانی جواب دارای الوهیت سه کنند - اب و ابن و روح القدس و این سه يك خدا و يك ذات واحدند و در قدرت و جلال مساویند (دکتر بوست) پروتستانی در تاریخ کتاب مقدس - در معنی لفظ جلاله مینویسد طبیعت خدا عبارت از سه اقنومی است که در ذات متساوی هستند خدای پدر و خدای پسر و خدا روح القدس مخلوقات به پدر منتهی میشوند بواسطه

پسر و پسر خدا میشود و روح القدس تطهیر می کند و این سه اقنوم جمیع اعمال را بمساوی عمل می کنند - و نیز دکتر بوست در قاموس کتاب مقدس مینویسد - مقصود از کلمه در باب اول از شماره اول انجیل یوحنا مسیح است که میگوید در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود

سیم دیانت واقعی مسیح (ع) البته از افکار بت پرستی منزّه و کاملاً منطبق با توحید است چنانکه بعضی از علماء کننونی اروپا معتقدند بتوحید و عیسی را فقط پیغمبر میدانند نصاری بت پرستی قدیم خود را وارد دین مسیح نموده گاهی تثلیث و گاهی عینیت عیسی را با خدا قائل میشدند چنانکه مکرر مسیح میگوید من نیامدم تا شریعت موسی را باطل سازم بلکه آمدم تکمیل کنم و معلوم است که در عهد عتیق هیچ دلیلی بر تثلیث وجود ندارد انجیل برنابا که اساس آن به توحید کامل وضع شده مخصوص باب ۶۴ آن شاهد است بحقیقت دیانت مسیح و صحت ان انجیل

انجیل یوحنا باب ۱۷ شماره ۳  
(و حیاة جاودانی این است که ترا خدای واحد حقیقی و عیسای مسیح را که فرستادی بشناسند) این شماره کاملاً شهادت بر توحید میدهد

انجیل مرقس باب ۱۲ شماره ۲۹



عیسی او را جواب داد که اول همه احکام این است بشنو ای اسرائیل خداوند خدای ما خداوند واحد است ( شماره ۳۲ کاتب ویرا گفت ای استاد نیکو گفتی که

خدا واحد است و سوای او دیگری نیست

۳۴ چون عیسی بدید که عاقلانه جوابداد بوی گفت از ملکوت خدا دور نیستی)

نتیجه آنکه ایاتی که دلالت بر توحید کامل می کند در اناجیل زیاد است و اساس دیانت مسیح نیز روی همین اصل قرار گرفته و شمارهای که در اناجیل دیده میشود که دلالت بر تثلیث می کند از افکار نویسندگان اناجیل است مخصوصاً رساله های پولس کاملاً برضد دیانت مسیح تمام شده

### عقیده بصلب نزد نصاری

مسئله صلب و بدار اوینختن در تاریخ نظایر زیادی دارد که در رمان و یهود کاملاً معمول بود - در عقاید بت پرستی نیز بحدی دخالت دارد که تماماً یکی از بزرگان و مشاهیر دیانت خود را برای بخشیدن گناه مردم فدا شده بقتل یا صلب میدانند - و در مقاله مؤلف کتاب محمد طاهرالتنیز کاملاً عقاید بت پرستان در این زمینه بیان شده لکن آنچه را که مسیحیان درباره مسیح معتقدند و آنرا اساس دیانت مسیحیت دانسته و تثلیث را تالی آن فرض میکنند این است یهود در زمان مسیح تحت سلطنت روم بوده - بیلاطس

در آن موقع از طرف سلطان روم حکومت بیت المقدس را داشت پادشاه روم و حاکم بیت المقدس اراده قتل عیسی را نداشتند زیرا دعوت عیسی را مبنی برسیاستی ندانسته که مضر بحال رومیها باشد

لکن یهود چون تعلیمات عیسی را مضر عادات و اخلاق مادی خود میدانستند اراده قتل مسیحرا داشته و بالاخره سعایت آنها مؤثر شد

شیخ محمد عبده - از بعضی مبلغین پروتستانی نقل میکند شرحی را که ما مضمون آنرا برای خوانندگان مینویسیم - شیخ مزبور در تفسیر سوره نساء میگوید یکی از مبلغین پروتستانی را در مجامع عمومی و در مجالس خصوصی دیدم که قضیه صلب را اینطور تقریر میکرد

چون آدم بواسطه خوردن از شجره را که نهی شده بود مرتکب معصیت گردید خود و جمیع فرزندانش خطاکار و مستحق عقاب اخروی گردیدند - و نیز بنی آدم بواسطه معاصی خود مستحق عقاب شدند - و چون خداوند متصف بعَدالت و رحمت است - در این مشکل واقع شد که اگر اولاد آدم را عقاب کند بارتحت او منافی است - و اگر عقاب نکند منافی با عدالت است پس کانه از زمان معصیت آدم خداوند در فکر حل این مشکل بود که چگونه بین رحمت و عدالت را جمع کند و بالاخره راه حل قضیه را اینطور دانست که پسر خود را که عین خودش هست در رحم زنی از ذریه آدم به



صورت جنینی بگذارد تا آنکه متولد شود مسیح که دارای چند جهت و حیثیت است - انسان است از حیث آنکه پسر مریم است - خدای کامل است از حیث آنکه پسر خداوند است و پسر خدا عین خداست و معصوم است از جمیع معاصی بنی آدم پس از آن مدتی مثل افراد بشر زندگانی کند و محل صدمات دشمنان خود واقع شود تا اینکه بالاخره به بدترین کشتن ها مصلوب گردد تا اینکه فدای بشر شده و بنی آدم از معاصی خود آمرزیده شوند

چنانکه یوحنا در رساله اولی خود در شماره دوم مینویسد (و اوست کفار به جهت گناهان ما و نه گناهان ما فقط بلکه تمام جهان نیز) و باینجا کلام مبلغ پروتستانی ختم گردید - باندازه این کلمات دارای ترهات و مزخرفات بود که بر احدی پوشیده نیست اولاً خالق عالم را که حکیم و عالم بتمام اشیاء است جاهل و متحیر و متفکر دانسته تعالی الله عما یقول الظالمون علواً کبیراً

ثانیاً چگونه ممکن است که هیچ عاقلی بگوید که خداوند خالق مکونات در رحم زنی حلول کرده (سبحانه سبحانه) و بالاخره هر عاقلی که این کلمات را بخواند الحاد و حماقت گوینده آرا تصدیق میکند که بجز عقیده بت پرستی و تجسم هیچ معنی و مقصود را متضمن نیست - اجمالاً نصاری معتقدند که عیسی مصلوب شد پس از آن دفن کردند و بعد از چند روزی از قبر بیرون آمد و با آسمان صعود کرد

چه قدر این عقیده منافی است با عقیده بعضی از علماء امروزی اروپا که وجود عیسی را تردید میکنند و تمام قصص او را مثل قصص هومر شاعر یونانی فقط خیال و از عواطف ملی میدانند چنانکه صاحب اغانی از بنی عامر نقل میکند که ابداً لیلی و محنون عامری در بنی عامر سابقه نداشت و بعضی میگویند اشعاریکه منتسب بمجنون است متعلق به بعضی از بزرگان بنی امیه بوده که برای استتار تعشقات خود بمجنون مجهولی نسبت داده است - اما مسلمین عیسی علیه السلام را پیغمبر مقدس اولوالعزم والامر دانسته و از تمام افکار و ثنیت و بت پرستی حضرتش را منزه میشمارند و قضیه صلب را مطابق نص قرآن که در سوره نساء آیه ۱۵۶ فرمود وَ قَوْلِهِمْ اَنَا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَ اِنَّ الَّذِینَ اخْتَلَفُوا فِیهِ لَفِی شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ اِلَّا اِتِّبَاعَ الْظُنِّ وَ مَا قَتَلُوهُ یَقِیناً بَل رَفَعَهُ اللَّهُ اِلَیْهِ وَ كَانَ اللَّهُ عَزِیزاً حَکِیماً

اینطور میدانند که عیسی کشته نشد و مدفون نگردید که از قبر بر خیزد بلکه قشونی که مأمور گرفتن عیسی بودند اشتباه کردند و مردم بشبهه تصور کردند که عیسی مصلوب و مقتول شده بلکه خداوند عیسی را بجانب خود محفوظاً برده و آنچه را در تأیید اخبار مقدس قرآن از اناجیل مستفاد میشود این است

(۱) مسلماً قشون مأمور گرفتن مسیح او را نمیشناختند



و بتصدیق اناجیل اربعه یهودای اسخریوطی که از شاگردان مسیح بود مسیح را معرفی کرد

(۲) انجیل برنابا تصریح میکند که در عوض عیسی مأمورین اشتباهاً یهودای اسخریوطی را گرفته مصلوب نمودند اجمالاً یهودا مرد عامی بود از اهل خربوط تابع مسیح شد و از دوازده نفر شاگرد مسیح بشمار میرفت و اتفاقاً در بشاره شباهت مسیح داشت

(۳) ژرژ سایل انگلیسی در ترجمه قرآن سوره آل عمران مینویسد که قول بمصلوب شدن یهودای اسخریوطی در عوض مسیح منتسب است بقدمترین فرقه نصاری سیرنشین و کربوک رایتین صریحاً مصلوب شدن مسیح را منکر و یهودای اسخریوطی را که مشابهت با مسیح داشت مصلوب و مقتول می دانند

(۴) مسلماً از اناجیل اربعه مستفاد میشود که بعد از قضیه صلب دیگر یهودای اسخریوطی دیده نشد و مفقود گردید و بعضی میگویند که بر اثر سوء عمل خود خودش را برای قبولی توبه انتحار کرد

(۵) اختلاف و تناقض روایات اناجیل اربعه در باب صلب و قیام مسیح از قبر و اختلافاتی که از مریم مجدلیه و دو نفر دزدی را که با عیسی مصلوب کردند و غیرها در اناجیل اربعه مشهود است باو آخر مقاله (انجیل امروزی انجیل حقیقی نیست) رجوع شود (۶) اختلافاتی است که در دائرة المعارف فرانسه نوشته شده

که قضیه صلب مسیح دارای سند متصل قطعی نیست (۷) بعضی از علمای امروزی اروپا می نویسند که عیسی مصلوب شد ولی نمرد بلکه مغمی علیه شد و او را در حفره گذاشته سنگی بر آن نهادند تا آنکه مریم مجدلیه و دیگران آمده و سنک را برداشته عیسی از حفره خارج و مخفی گردید تأیید میکنند این حدس را که چون عیسی را بعد از صلب مجروح کردند از بدنش خون و آب خارج شد اگر مرده بود و بطور تمام مصلوب شده بود ممکن نبود که خون از بدنش جاری شود

(۸) صاحب ذخیره الالباب مینویسد که یهود و بت پرستان دشمن دیانت مسیح هستند در مقام دشمنی و گمراهی کفریاتیرا انتشار میدهند که شاگرد مسیح حسن او را خفیه برداشته در حالیکه عیسی زنده بود

(۹) فویتوس میگوید کتابی را دیدم که رحلت رسل نام داشت و در او اخبار پطرس و یوحنا و پولس درج بود و در آنجا نوشته بود که مسیح مصلوب نشده بلکه شخص دیگری را اشتباهاً بدار زدند نتیجه آنکه از اختلافات بین اناجیل و دائرة المعارف و صاحب ذخیره الالباب و بعضی علمای امروزی اروپا و اتفاق تمام اناجیل بآنکه مأمورین گرفتن عیسی را نمیشناختند و بعد از صلب دیگر یهودای اسخریوطی دیده نشد و موافقت انجیل برنابا با مضمون قرآن در اینکه یهودا اشتباهاً در عوض عیسی مصلوب شد ثابت میکنند



عقیده صلب را که مسیحیان اساس دیانت خود دانسته بطوریکه آنها معتقدند بی اساس صرف و تمام یهود و مسیحیان مطابق کریمه و ماقتلوه و ماصلبوه و لکن شبه لهم در اشتباه شدند و او هام بت پرستی خود را در دین مقدس مسیح دخالت میدهند و فقط مستند مسیحیان در صلب عیسی بطوریکه معتقد هستند اناجیل اربعه و رساله های عهد جدید است در صورتیکه نویسندگان اناجیل و رساله ها مترجم آنها از عبرانی بیونانی معلوم الهویه نیستند و اعتمادی بصحت اقوال آنها نیست بعلاوه نسبت اناجیل اربعه و رساله ها به نویسندگان آنها از روی قطع و تواتر ثابت نشده و نیز اناجیل برنابا و کتبی که منکر مصلوب شدن عیسی است معارض با اناجیل اربعه و رساله های عهد جدید و نیز مدرک اناجیل که عیسی از قبر بیرون آمد قول مریم مجدلیه و همراهان او است در صورتیکه یوحنا در انجیلش تصدیق میکند که مریم مجدلیه با آنکه عیسی را کاملاً شناخت پس از آنکه مسیح از قبر خارج شد او را اشتباه به بستانی نمود پس چگونه میشود قول مریم مجدلیه را در خروج عیسی از قبر تصدیق کرد  
[الاحقر رضای دامغانی]

فروردین ۱۳۰۴ ۱۳ رمضان ۱۳۴۳

برای تقدیمی اهل صلیب قرن بیستم

کتاب بت پرستی و مسیحیت

[العقاید الوثنية في الديانة النصرانية]

نوشته میشود

مؤلف محمد طاهر التنیر

بیروت

۱۸ ربیع الثانی ۱۳۳۰



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمَتَّعِدُ بِوُجُوبِ الْوُجُودِ الْمُنَزَّهُ عَنِ الصَّاحِبَةِ  
وَالْمَوْلُودُ تَشْهَدُ بِوَحْدَانِيَّتِهِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاوَاتُ بِمَا فِيهِنَّ مِنَ الْأَيَّاتِ  
الْبَيِّنَاتِ فَهُوَ وَاحِدٌ أَحَدٌ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ تَعَالَى عَنْ مُشَابَهَةِ  
الْأَكْفَاءِ وَتَقَدَّسَ عَنِ الْحُدُوثِ وَالتَّجَسُّدِ وَالْإِنْقِسَامِ إِلَى أَجْزَاءٍ  
مَدْبِرُ الْكَائِنَاتِ بِقُدْرَتِهِ وَمَقْلَبُ الْأَيَّامِ حَسْبَ أَرَادَتِهِ وَالصَّلَاةُ  
وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ لِإِزَالَةِ الضَّلَالِ وَرَفْعِ أَعْلَامِ الْهُدَى  
وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ الَّذِينَ بِهِمْ يَقْتَدَى

اما بعد کلیه ادیانیکه در عالم نوع بشر پذیرفته شده غیر محصور  
است لکن یک عدد از آن مشهور است که کاملاً با یکدیگر مشابعت  
و کمتر اختلافی دیده میشود مگر در اسماء الهیه و بعضی جزئیات  
دیگرو علت این اختلاف آنست که مردم قبل از قبول دیانت اغلب  
عقاید بت پرستی داشته و پس از قبول دیانت تا پیغمبر مبعوث  
درین مردم وجود داشت آن دیانت محفوظ بود و پس از  
وفات آن پیغمبر بعضی از عقاید بت پرستی را وارد آن دین نموده  
بلکه از سایر فرق بت پرستها نیز اتخاذ می نمودند چنانکه  
از مسافرت موسی به طور و بت پرست شدن بنی اسرائیل  
مطلب واضح میشود

و یقین است که ادیان شرعیه الهیه شرایعی است که  
خداوند وضع کرده که انسان بسلامت و حسن معیشت زندگانی  
کند بعبارة اخیری بیشتر غرض ادیان الهیه جلب مودت

و محبت بین افراد بشر و رفع اختلافات است پس بهمین  
نظر تمام ادیان الهیه در فلسفه و فایده مشترکند منتهی  
بواسطه آنکه خرافات بشری را مردم وارد در نوامیس الهیه  
نموده اندامت هریغبری دیانت را سوء استعمال کرده برخلاف  
مصالح و نظر قانون گذار نتیجه گرفته اند و نیز واضح است  
که فرق بت پرست باوهم خود خدایانی را پرستش کرده اند  
حتی آنکه از برای هر یک از قوای طبیعت خدائی قائل شده  
و پرستش کردند مثل خدای ابر خدای رعد خدای آب  
خدای هوا خدای خاک خدای کواکب و غیر ذلك چنانکه  
خداوند در قرآن در سورة انعام از آیه ۷۴ - ۷۷ فرمود  
وَكَذَلِكَ نَرَىٰ اِبْرَاهِيمَ مَلِكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَيْكُونَ  
مِنَ الْمُؤْتِنِينَ فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَىٰ كَوْكَبًا قَالَ هَٰذَا رَبِّي  
فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَأُنْ لَّمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَا كُؤُنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ  
فَلَمَّا رَأَىٰ الشَّمْسُ بَازِغَةً قَالَ هَٰذَا رَبِّي هَٰذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَ  
قَالَ يَا قَوْمِ ائِنِّي بِرَبِّي مُّمَّا تُشْرِكُونَ

بعضی از اہم بودند که حیوانات را عبادت مینمودند  
مثل بنی اسرائیل که گوساله پرست شدند و بعضی عبادت  
و تقدیس میکردند بعضی از افراد بشر را که اقانیم ثلاثه قائل  
شده و بنام اب و ابن روح القدس مینامیدند

مثل بودائی و برهمنائی و بابلیها و اشوریا چنانکه قریباً  
ثابت میشود لکن در عین حال حقایق ظاہر و محفوظ و حقیقت  
را مخفی نمیکند مگر جبن و خبائث نفسانی



اسلام و مسلمین اجازه نمیدهند که انسان بعقاید جاهلیت خود باقی و موهوماتی که بمناسبت زمان و مکان و طوایف تأسیس شده پرستش کند

اینجا تذکر داده میشود که مقصود مؤلف تعصب در دیانت و یاعناد با مخالفین نیست بلکه فقط سبب تألیف این کتاب دو چیز است

اول اینکه یکعده دعاء مسیحی کتبی مبنی بر مغالطه و سفسطه بضد دیانت اسلام نوشته اند مثل کتاب الهدایه در ۴ جلد و کتاب با کورة الشبهیه و کتاب تنویر الافهام فی مصادر الاسلام و کتاب میزان الحق و کتاب کفاره و کتاب مصباح الهدی الی سر الفدا و کتاب برهان الجلیل من صحة الاناجیل و کتاب دعوة المسلمین الی کتاب المقدس و غیره علاوه بر کتب و رساله های که بین مسلمین انتشار میدهند و بعلاوه بر کتب انگلیسی مثل کتاب صلیب قرن بیستم و کتاب بلاد العرب مهد الاسلام و کتاب اخواتنا المسلمات و کتاب حیوة میسور \*محمد\* و کتاب الاسلام فی بلاد الصین و غیره از قبیل مجلات و جرائد مخصوصاً مجلة العالم الاسلامی که در انگلستان تحریر شده و تمام بهتان و افتراء بعالم اسلام و دیانت مسلمین است لکن چون شرافت و دیانت اسلام مانع از معارضه بمثل است که ما نیز بهتان و افتراء نسبت بدهیم پس بهترین مدافعات معارضه بمقابلات است تا در قضاوت دنیا ثابت شود که کدام یک از نصاری و مسلمین متمسک باوهام بت پرستی شده چون

مقابله مذاهب و تاریخ آن حقایق را واضح می کند و انسان بالطبع مایل سعادت و ترقی است البته خوانندگان از اشخاصی خواهند بود که یستمعون القول فیتبعون احسنه

دوم - سبب تألیف این کتاب تقویت حقایق و اداء واجبات انسانیت است که اداء وظائف اخوت و انسانیت فریضه مسلمین است و بهترین قسم اداء واجبات دعوت بشر است به بهترین مصالح بشری که دیانت اسلام است و ابدأ در این کتاب رعایت احساسات و عواطف نشده و هر کس اشتباهی در مندرجات کتاب دارد بایستی بمصادر نقل مطالب مراجعه کند تا اینکه حقایق را خود روشن و آشکار دیده تصدیق بصحت مندرجات ما نماید عجب اینکه تمام کتبی که مرجع شهادت و مصدر نقل این کتاب است مؤلفات مشاهیر علمای نصاری و اروپاست برای تکمیل شواهد و توضیح حقایق بعضی نقوش را مرتسم نموده تا اینکه محفوظ از کلیه نواقص بوده مگر بعضی از اغلاط که در مطبعه حاصل شده مورد مسامحه و عفو قارئین است در صورتیکه خوانندگان بمندرجات آن توجه نمایند

والسلام (محمد طاهر التنیر)

کتبی را که اعتماد نمودیم بر آنها در تألیف

این کتاب کتب ذیل است

کتاب هند تألیف آلن

Allen-India Ancient and Modern.

تجزیه ایمان : امبرلی

- Amberly-Analysis of religious belief



دیانت های قدیم تألیف ژرژ کوکس

Ancient Faiths

حفری های آسیائی تألیف سرو لیمس ژونس

Asiatic Researches

کتاب تاریخ بودا تألیف بیل

Beal-The Romantic legend of Saki, buddha  
from chinese Sanskrit

اعتقادات مصری ها بونویک

Bonwick - Egyptian Belierf and Modern Tought

کتاب بودائیة تألیف داویدس

Dauids - Buddhism

کتاب چینی ها تألیف داویدس

Davis - The chinese

خرافات توریة و خرافات در دیانات دیگر تألیف دوان

Doane - Bible Myths and Their Parllels in other  
Religions

کتاب تاریخ انسان تألیف دونلاپ

Dunlap - Vestiges of spirit Historys of Man

کتاب اصل عبادات دینی تألیف دوپیس

Dupis - The origin of all Religious Worship

کتاب اصل عبادات بت پرستان تألیف فابر

Faber - origin of Heathen Idolatry

کتاب حیاة المسیح تألیف فارار

Farar - The life of Christ

عبادت درخت واقعی : فرگوسن

Fergusson - Tree and serpent worship

کتاب خرافات و مخترعین آن : فیسک

Fiske - Myth and Myth Makers

کتاب مهد مسیح تألیف فروتینگهام

Frotingham - The Cradle of Christ

زندگانی هندو و دیاناتشان تألیف کانگولی

Gangooly - Life and Religion of the Hindoos

کتاب حیاة المسیح تألیف جیکی

Geikic Life of Christ

تیب تینوم الفابتوم : جرگیوس

Gergoius - Tibetinum Alphabetum

کتاب تاریخ سقوط مملکت رم جیلین

Gilibon - The History of the Decline of the Rouman  
Empire

کتاب آثار مسیحیت تألیف سجویینو

Guigniaut - Monumental Christanity

کتاب خرافات بودائی تألیف هاردی

Hardy - The Legends and Theories of the Buddhism

کتاب قاموس عبرانی

Hebrew Lexicon

کتاب مقدس

Holy Bible

دروید کلتيك : هیجین

Higgins - The celtic Druids

کتاب شواهد از مرکز انسان در طبیعت تألیف هکسلی

Huxley - Evidence as to Man's Place in Nature

ایمان و عقل تألیف هلسلی ستونس

Helsly Stevens - Faith and Reason

علامات بت پرستی در نصرانیت جدید : انمن

Inman - Ancient Pagan and Modern Christian  
Symbolism



کتاب رمز افعی تالیف سکویر  
Squire - The Serpent Symbol

ترجمه انگلیسی ویشنو پورانا که ویلسن از سانسکریت ترجمه کرده  
Vishnu Purana (Translated from Sanskrit)  
by Wilson

کتاب حکمت هندی تالیف ویلیام  
William - Indian Wisdom

کتاب هندی تالیف ویلیام  
William - Hinduism

کتاب مسیح فرشته تالیف بنسون  
Bunsen - The Angel Messiah



لرد ما تالیف جامسن  
Jameson - The History of our lord

آثار قدیم مکزیک تالیف کینکسبرو  
Kingsborough - Antiquities of Mexico

کتاب خرافات که مبین صنایع و آثار قدیمه است تالیف نیت  
Knight The Symbolical Language  
of Ancient Art and Mythology

آثار مسیحیت تالیف لاندی  
Lundy - Monumental Christianity

کتاب بودا و بودائیت اولی تالیف لیلی  
Lillie - Buddha and Early Buddhism

آثار قدیم هند تالیف موریس  
Maurice - Indian Antiquities

کتاب تاریخ هند تالیف موریس  
Maurice - The History of Hindostan

کتاب تاریخ آداب لغت سنسکرتی تالیف مولر  
Muller - History of ancient Sanskrit Literature

کتاب خرافات تالیف موری  
Murray Manual of Mythology

کتاب دیانات شرقی  
Oriental Religions

کتاب فتح مکزیک تالیف پرسکوت  
Prescott - History of the conquest of Mexico

کتاب کشف آثار تاریخی مصر تالیف پریچارد  
Prichard - An Analysis of the Historical records  
of Ancient Egypt

کتاب ترقی افکار دینی  
Pruogress of Religious Ideas



لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ

فصل اول عقیده تثلیث یعنی قول به پدر و پسر و روح القدس  
تزد بت پرستها و نصاری -

افتتاح می کنم کتاب را بچیزی که (دوان) (۱) افتتاح  
کرده به یکی از آیات قران

وَلَا تَقُولُوا اِثْلَثُوْا اِنْتَهُوْا خَيْرٌ لَّكُمْ اِنَّمَا اللّٰهُ اِلٰهٌ وَّاحِدٌ

تثلیث بت پرستها

بطور یقین از حقایق واضح است که دیانات بت پرستی  
متشابه یکدیگر است و اسباب و علل این تشابه متعدد است  
چنانکه هر يك از اُمم بزرگ تاریخی که در يك قطعه منتشر و  
نفاذ میشدند علوم و دیانات آنها نیز منتشر میگشت و خود  
آن ملت از دیانات دیگر چیزهایی در دین خود وارد می ساختند  
و چون توده ملل قدیمه جاهل بودند مأخوذات و مبتدعات  
کهنه و باپهای خود را بدون تردید می پذیرفتند و گاهی بعضی  
از بزرگان دین اصولی یادیانی را از فرقه دیگر بت پرستان میگرفت  
و بعضی از عقاید ملت خود را بآن ضمیمه میکرد که سهل القبول آن  
ملت بشود چنانکه در رومان یکی از دیانات های بزرگ را بهمین  
شیوه منتشر ساختند و هنوز هم باقی است (پرچارد) (۲) میگوید  
هیچیک از ادیان مأخوذه از مشرق نیست که يك قسم تثلیث  
وسه گانه قائل نباشد

(۱) دوان در کتابی که در خرافات توریه و انجیل و امثال آنها از دیانات  
اخیره نوشته است

(۲) پرچارد در کتاب خرافات بت پرستهای قدیم مصر صفحه ۲۸۵

منتهی بانواع مختلف قائل به اب و ابن و روح القدس  
هستند (موریس) (۱) میگوید بیشتر ملل بت پرستی تعلیمات  
دینی داشتند که در آنها قائل بلاهوت نالوثی (یعنی قائل بخدای  
دارای اقامیم ثلاثه بودند

کتاب سکن اول اروپا (۲) مینویسد که بت پرستان خدا را یکی  
میدانستند لکن دارای اقامیم ثلاثه (دوان) (۳) مینویسد  
وقتی بسابقه هندوستان مینگریم بزرگترین و مشهورترین عبادات  
آنها عقیده سه گانه بود (یعنی خداوند دارای اقامیم ثلاثه  
است) علامت مخصوصی برای سه گانه داشتند و آن علامت را  
(تری مورتی) مینامیدند و آن جمله مرکب از دو کلمه سنسکرتیه است  
معنی (تری) سه است و معنی (مورتی) هیئت است یا (اقانیم)  
که آن اقامیم عبارت است از (برهمه) و (ویشنو) و (سیفا)  
که بمعنی رب و مخلص و سیفا است و مجموع این سه اقنوم را يك  
خدا میدانستند و برمز از این سه تعبیر میکردند به الف و واو  
و میم و تلفظ می کردند (اوم) و تنطق به کلمه اوم نمینمودند مگر  
در نماز و در معابدشان از این رمز بسیار احترام می کردند چون  
(برهمه) (خالق موجودات مجرد از شکل و غیر متأثر از اوصاف)  
خواست تجلی کند و ایجاد نماید موجودات را اتخاذ کرد صفت فعالیت  
را و متصور شد بصورت شخص مذکر اوست (برهمه خالق) پس زیاد  
نمود عمل را تا آنکه متصف بصفه دومی از وجود شد پس گردید

(۱) موریس در کتاب آثار قدیمه هند در جلد ۶ صفحه ۳۵

(۲) صفحه ۱۹۷ (۳) دوان در کتاب مذکورش



(ویشنو) یا (حافظ) پس منقلب شد بصفة سیم تبعی و گردید (سیفا) یا (مهلك) و این سه صفت را نیز (تری مورتی) یعنی اقانیم ثلاثه مینامیدند و تشبیه میکردند او را باتش و نیز او را (الن و سوری و اندرا) مینامیدند و غیر ذلك از اسماء سه کانه و در کتب مقدسه براهمه که در نزد آنها معتبر است وارد است: که این سه کانه مقدسه غیر منقسمه اند در جوهر و فعل و امتزاج و توضیح میدهند این سه کانه را بآنکه بر همه مثل و موجد مبادی تکوین و آفرینش است و همیشه آفرید کار لاهوتی است و اوست (اب) ویشنو مثل مبادی حمایت و حفظ است و اوست (ابن) که منفك و منقلب است از حال لاهوتی و سیفا بظهور آورنده و مفی و عود دهنده است و اوست (روح القدس) و مینامند این سه کانه را (کرشنا) و او پروردگار نجات دهنده است و (روح عظیم) حافظ عالم و متولد از کرشنا است و (ویشنو) خداوندی است که در عالم ناسوت برای استخلاص مردم جلوة نمود پس ویشنو که یکی از سه کانه ایست که با هم متحدند در کتاب کبیتا که یکی از کتب مقدسه دینی ایشان است مذکور است - که کرشنا گفت (من پروردگار موجودات کلا من رمز الف و واو و میم در کلمه (اوم) من بر همه من ویشنو من سیفا) که این سه خداوند یکتایند

پس اقموم سیم در حال بدی (مهلك) و در مقام نیکی (معید است) که تعبیر مینمایند از او بصورت کبوتر و قصد

می نمایند از این صورت معاد و برگشت را و این خلق جدید عبارت از روحی است که بصورت ولطافت آب است و تعبیر مینمایند از این هیئت سه کانه بنخالق و حافظ و مهلك و هریك از این سه عهده دار می شوند شغل دیگری را مثلاً این عامل عمل اب و روح القدس و روح القدس عامل عمل ابن و اب و اب عامل عمل ابن و روح القدس میشود

(الن) (۱) میگوید که براهمه در کتب دینی خودشان مینویسند که عقیده یکی از اتقیاء از علماء که موسوم به (اتنیس) است این بود که لازم است که بندگی و پرستش اختصاص داشته باشد بخدائی که یگانه است و متوسل میشود به بر همه و ویشنو و سیفا و خطاب بآنها مینمود (که ای پروردکاران سه کانه دانسته باشید که من اقرار دارم بخداوند یکتا پس خبر دهید مرا کدام از شما خداوند واقعی هستید تا تقرب جویم باو بنذورات و نمازم پس آشکار گردیدند خدایان سه کانه و جواب دادند که ای عابد بدان که فرق حقیقی و امتیاز واقعی بین ما نیست و سه کانگی ما فقط بظاهر و صورت و شکل است در حقیقت و واقع واحد بالذات و متحدیم

(۲) (موریس مینویسد که در دیوار شکسته معبد قدیمی که بمروور ایام خراب شده بود صورت بتی یافتیم که درای سه

[۱] آلن در کتاب هند در صفحه ۳۸۲ [۲] موریس دو کتاب

آثار قدیمه هند، مجلد ۴ صفحه ۳۷۲



سرقاُم بریک جسد بود و اینصورت رمز از سه گانه است  
(مسترفا بر) (۱) مینویسد چنانچه زدهنود خدای سه گانه  
ایست مرکب و مؤلف از برهمه و ویشنو و سیفا همچنین زد  
بودائی نیز خدای سه گانه است و میگویند بودا خداست و از  
برایش اقایم ثلاثه است (بودی) (جینست) و جیفا که  
سیم مرتبه اقایم است

(سرولیمس ژونس) (۲) در ادعیه و توسلات زاهد  
(امورا) مینویسد باین عبارت (برای توتقدیم میکم ذلت و  
یستی خود را ای پروردگار من توئی خداوند مهربان ای برطرف  
کننده دردها ورنجها ای پروردگار همه چیز ای حفظ کننده  
ممکنات ای مهربان بر بندگان ای دارای هر چیز ای زنده توئی  
برهمه و ویشنو و سیفا و منم بنده ات امتیاز داده شدی بنامهات  
الف و اشکال مختلفه خود و شکل بودا خداوند مهربان

(دوان) (۳) میگوید که بیشتر از سکنه چین و ژاپون  
بودائی هستند پرستش مینمایند خدائی را که دارای اقایم ثلاثه  
است و آنخدارا (فو) مینامند و هر زمان که مشتاق ذکر آن  
سه گانه مقدسه میشدند میگفتند سه گانه مقدسه (فو) و  
نقش مینمودند و را در معابدشان بصورت بت هائی که در هند  
موجود است

[۱] مسترفا بر در کتاب اصل عبادت بت پرستان [۲] سرولیمس ژونس  
در کتاب حفاری های آسیائی جلد ۳ صفحه ۲۸۵ [۳] دوان  
در کتاب مذکور صفحه ۳۷۲

و قائلند که (فو) یکی است ولی دارای سه شکل است  
و شکل فو دارای سه هیئت در یکی از معابد مخصوصه به (بوتالا)  
در منچوریا موجود است

و نظیر این قضیه را (داویس) (۱) نوشته است  
(مسترفا بر) (۲) مینویسد که چینی ها پرستش مینمایند  
بودا را و آنرا فو مینامند و قائلند که فو دارای اقایم ثلاثه  
است و قائلند بالف و واو و میم چنانکه هنود قائلند  
(دوان) (۳) میگوید اعوان و انصار (لاوکومتدا) که  
فیلسوف چینی مشهور است و ۶۰۴ سال پیش از میلاد مسیح  
بود و آنها موسوم باتباع (تاوو) بودند پرستش میکردند  
خداوند مثلث الاقایمی را و مبنای فلسفه لاهوتی این بود  
که تاوو که عقل ابدی است صادر و تولید شد از او یکی و از  
این واحد صادر و تولید شد دوم و از دوم صادر و متولد شد  
سیم و از این سه صادر گردید تمامی کائنات و این قول بتولید و  
اشتقاق (موریس) را متحیر نمود زیرا که قائل این قول و ثنی  
و بت پرست بود

و در بعضی از کتب چینی ها دیده میشود که اصل و  
مصدر کائنات و اشیاء واحد است

و این واحدیکه اصل تمام موجودات است بی اختیار  
و بطور اضطرار ایجاد کرد دومی را و از این هر دو صادر و

[۱] داویس در کتاب چین جلد دوم ۱۰۱ و ۱۰۳ [۲] فابر  
در کتاب اصل بت پرستی [۳] دوان در کتاب مذکور سابقش



تولید شد سیمی و از این سه صادر گردید تمام کائنات و اشیاء  
قدماي از مصری ها عبادت مینمودند خدائی را که دارای  
اقانیم و هیئات سه گانه بود و آن خدا را در مقابل کنیسه های  
خودشان نقش مینمودند و دانشمندان از مصر را عقیده آنستکه  
آرمزی را که نقش می کنند در معابدشان و عبارت از بال مرغ  
و آشیانه واقعی است اشاره به اختلاف اوصاف و اطوار آن  
سه گانه است

(مستر هلسلی ستونس) (۱) نوشته است که هنوز اعتقاد  
دارند بخدای دارای اقانیم ثلاثه و هر زمان اراده می کنند  
که از صفت خلّاقیتش تعبیر کنند میگویند (برمه) و هر  
وقت که میخواهند که از قهاریت و غلبه و مهلکیتش تلفظ  
کنند میگویند سیفایا (مهدیفا) و هر زمان که میخواهند  
موصوفش بحافظیت نمایند میگویند (خدا و شینو) و میگویند  
که این سه گانه مقدسه حاضر و ناظرند در تمامی امکنه به  
قدرة و روح

(توما انمن) (۲) مینویسد که به صورتی متمثل شد  
برهما زمان آفریدنش مخلوقات را که بحالت ذکوریت  
و انوئیت بود  
و میخوانند ظهورش را در ناسوت به (ارداناری) و رمزیکه در زیر

[۱] هلسلی ستونس در کتاب ایمان و عقل صفحه ۷۸ [۲] در  
کتاب بت پرستان قدیم صفحه ۹

شکمش و بین دورانش هست نشانه تناسل و معنی ایستادنش  
بزرگس قوه ایجاد است

(توما انمن) در صفحه ۱۰۱ مینویسد کلیه رمزها  
و اشاراتی که نصاری استعمال می نمایند دلالت دارد بر پرستش  
چیزهائی که ذکر آنها شرم آور است و نمیتوان حقایق آنها  
را انکار کرد در ذیل این کلام میگوید گمان میکنم اگر مردم  
از معانی این مرموزات و اشارات آگاه شوند عبادت آنها را  
ترك مینمایند و شاید بعضی مردم بهمین عقاید و عبادات که  
بعقیده نویسنده قبیح است باقی بمانند

توما انمن در کتاب مذکورش امور مهمه چندی را ذکر  
مینماید که ما از ذکر آنها صرف نظر کردیم و صوری را که در  
کتاب خود نقش کرده بود در این مختصر خود تصویر  
و نقش نکردیم برای آنکه بسا بود که از ملاحظه انصورتها  
زایل میگردد حواس بسیاری از مردم کم استعداد و مختل  
میشد مشاعر آنها

(دوان) (۱) مینویسد علماء کنیسه (مفیس) واقعه  
در مصر از برای محصلین علوم دینییه خود از نالوث مقدس  
تعبیر می کردند باین نحو که اول ایجاد کرد دوم را و دوم با  
اول آفریدند سیم را و بسیم خاتمه یافت نالوث مقدس  
(تولیو) پادشاه مصر از کاهن (تنیشوکی) میپرسد که  
پیش از نالوث مقدس و یا بعد از آنها آیا کسی بزرگتر خواهد

[۱] در کتاب مذکور سابقش صفحه ۴۷۳



بود جواب میگوید بلی بزرگتر اولا خداوند است پس از آن کلمه است و با هر دو روح القدس است و از برای هر سه طبیعت واحد است و ایشان بالذات یکی هستند و از این سه صادر شد قوه لایزالیه پس بروای فنا شونده ای صاحب زندگی کوتاه شبهه نیست که موسوم بودن اقنوم دوم از سه کانه مقدسه به کلمه ماخوذ از اصل بت پرستی مصرهاست که داخل در دیانات و شرائع دیگر مثل شرائع مسیحیه گردید (آپولو) که مدفون در دلهی است عبادت میکرد کلمه را و در علم لاهوت اسکندری که یچندین سال قبل از مسیح بلاتو تعلیم میداد آن علم را ثابت شده که کلمه خداوند دوم است و نامیده می شد نیز به پسر خداوند بکر (۱)

(هیجین) (۲) مینویسد که فرسها (متروس) را کلمه و وسیط مینامیدند - و (مخلص الفرس) هم می نامیدند و از ملاحظه کتاب مسیو (دونلاپ) (۳) و کتاب (بنسون) (۴) مراتب فوق الذکر تصدیق میشود (بونویک) (۵) میگوید در دیانت بت پرستی قدیم مصر عقیده عجیبی در بین آنها انتشار داشت یعنی قائل بودند بلاهوت الکلمه و آنکه هر چیز بلاهوت الکلمه ثابت است و کلمه تولیداز خدا شده و کلمه خداست - و بلاتو معتقد بود باین عقیده بت پرستی و همچنین ارسطو و

[۱] کتاب آثارهند صفحه ۱۲۷ [۲] هیجین کتاب آنکلسا کسون

جلد دوم صفحه ۱۶۲ [۳] کتاب پسر انسان صفحه ۲۰ [۴]

کتاب مسیح فرشته صفحه ۵۷ [۵] بونویک در کتاب اعتقاد مصرها

غیر ایشان دارای این عقیده بودند - و انتشار این عقیده یچندین سال قبل از مسیح بوده - و معلوم نیست که کلدانی ها و مصری ها دارای این عقیده بودند یا نه بونویک در صفحه ۴۰۴ میگوید بطوریکه برای کلمه در نزد بت پرستهای قدیم مصر مقام عالیه است کذالك از کتب مقدسه دیانتی ایشان هم بلندی مرتبه کلمه استفاده میشود و این جمله از کتب مقدسه ایشان است - (من عالم بالاسرار لاهوتیت کلمه و او پروردگار هر چیز است و اوست صانع چیزها - پس کلمه اقنوم اول است و کلمه غیر مخلوقه است کلمه فرمانده جمیع مخلوقات است

دوان (۱) نوشته است که آشوریا (مردوخ) را کلمه مینامند و نیز کلمه را پسر خدا و ندبگر میگفتند و بواسطه این دعا متوسل بمردوخ میشدند (توئی توانا و توفیق دهنده و حیوة بخش توئی مهربان در بین خداوندان توئی پسر خدای بکر آفریدگار آسمان و زمین و دارندة آنها نیست برای توفظیری توئی مهربان و زنده کننده مردگان)

کلمه را سازنده جهان و فرمانده کل موجودات میدانستند و چیزی را بزرگتر از او غیر از خدا نمیدانستند

(فروثنغام) (۲) میگوید که (فولو) کلمه نامیده میشد و یونانی ها بزرگ میشمردند فولو را توصیف و تمجید مینمودند اورا باین عبارت

[۱] در کتاب مذکور سابقش [۲] فروثنغام در کتاب مهد



(فولو ثابت است پیش ازهر چیز - پسر خدای بکر -  
 نان آسمانی همیشه ایست - چشمه دانائی - رهنمای بسوی خدا -  
 جانشین خدا - صورت خداست عالم بمغیبات - ایجاد کننده  
 عالمها - خدای دوم - شناساننده خدا - فرستادننده خدا -  
 قدرة خدا - پادشاه - دارای همه چیز - انسان - وسیط -  
 روشنائی اول - تابنده نام خدا - فدا شونده -

قدمای ازبت پرستهای یونانی ها قائل بودند که خدا  
 دارای اقالیم ثلاثه است و هر زمان علماء ایشان می خواستند  
 قربانی تقدیم نمایند بجهت اشاره بثالوث سه مرتبه محل ذبح  
 آنرا بآب پاکیزه می شستند و اطراف قربانگاه را سه مرتبه اجتماعاً آب  
 پاشی مینمودند - و مجمره بخورات را سه انگشت می گرفتند -  
 و اعتقادی ایشان بود که علماء آنها گفتند که هر چیز  
 پاکیزه لازم است که سه گانه باشد و بسیار اهمیت میدادند  
 این عدد سه گانه را در کلیه حالات دینی (۱) خودشان  
 (دوان) از (اورفیوس) که یکی از شعراء و نویسندگان  
 یونان است و چندین قرن پیش از مسیح بود نقل مینماید  
 که تمامی اشیاء آفریده خدای واحدی هستند که دارای  
 اسماء سه گانه و اقالیم ثلاثه است و این تعلیم سه گانه  
 ابتدایش از مصری ها بود و بسیاری از قرن سیم و چهارم  
 گفتند که فیثاغورث و هیراکلیتوس و بلاتو عقیده به تثلیث  
 داشتند و فلسفه آنها در سه پرستی مأخوذ از (اورفیوس) بود

[۱] کتاب ترقی تصورات دینی جلد اول صفحه ۳۰۷

بملاحظه کتاب دائرة المعارف از تالیفات تسمبرس در شرح  
 کلمه اورفیوس صدق قضایای فوق ظاهر میشود (فسک) (۱)  
 مینویسد بت پرستهای قدیم رومان اعتقاد بثالوث داشتند باختلاف  
 درجات درجه اول خدایس کلمه بعد از آن روح القدس - دوان میگوید  
 فرس پرستش میکردند خدای دارای اقالیم ثلاثه را از تمام  
 جهات مثل هنود و آن سه هیئت عبارت است از (اورمزد)  
 و (مترات) و (اهرمان) اورمزد آفریدگار است و مترات  
 پسر خدای نجات دهنده و واسطه است و اهرمان هلاک  
 کننده است

در کتاب های (زردشت) - قانون گذار دیانات فرس  
 این جمله درج است (سه گانه لاهوتی روشنائی دهنده جهانند  
 و رئیس و بزرگ این سه گانه مونا است) (۲) آشوری ها  
 و فینقی ها پرستش میکردند خدایان دارای سه هیئت را  
 (بارخوست) (۳) مینویسد فنلندیها که ملتی وحشی  
 و در قرون سابقه در شمال روسیه ساکن بودند قائل بخدائی  
 بودند که اسمش (تریکلوف) و در هلنسکفرس برای اوصورتی  
 موجود است دارای سه سر بریک پیکر

دوان (۴) مینویسد اهالی اسکانندیناوی خداوند دارای  
 اقالیم ثلاثه را پرستش میکردند و آنسه اقنوم را باین اسامی

[۱] فسک در کتاب خرافات و اختراع کنندگان صفحه ۲۰۵

(۲) کتاب دیانات قدیم جلد دوم صفحه ۸۱۹ (۳) بارخوست در کتاب

قابوس عبرانی (۴) دوان صفحه ۲۷۷



موسوم مینمودند (اودین) و (تورا) و (فری) و میگفتند که این سه خدای یگانه اند - و در شهر (اوپسالا) که از مملکت سوئد است بقی موجود است که تمثال این سه گانه است

اهالی سوئد و نروژ و دانمارک مفاخره و مباهات مینمودند یکدیگر از برای ساختن بتخانه این سه گانه و دیوارهای بتخانه را طلاکاری نموده و بتقش و صورت این سه گانه زینت میدادند و صورت اودین را نقش کرده در دستش شمشیری و صورت تورا را با تاجی بر دست و چوگانی در دست در شمال اودین ایستاده نقش میکردند و صورت فری را با داشتن آلت رجولیت و انوئیت در شمال تورا ایستاده نقش مینمودند اودین را پدر مینامیدند و تورا را این بکر و پسر پدر و فری را برکت دهنده و اولاد دهنده و رحمت دهنده و ثروت دهنده می نامیدند

«دروژ» بندگی مینمایند خدائی را که دارای اقایم ثلاثه است و آن اقایم ثلاثه موسومند به (تولاك) و (فان) و (مولاك) و سکنه قدیم سیبیریا عبادت میکردند خدای دارای اقایم ثلاثه را اول این ثالوث مقدس را می نامیدند (خالق موجودات) و اقنوم دوم را (خداوند جنود) و هیئت سیم را (روح محبت آسمانی) و قائل بودند که این اقایم ثلاثه خدای واحدند

بت پرستهای تاتار خدائی را پرستش می کردند که دارای اقایم ثلاثه بود و بریکی از پولهای ایشان که در اطاق موزه

پتروگراد موجود بود صورت آن خداوند سه هیئت پاکیزه نشسته بر گیاه حندقوقه که کنایه از قوه افاضه است دیده شد (نیت) (۱) مینویسد:

سکنه جزائر در اقیانوس بندگی مینمایند خدائی را که دارای اقایم ثلاثه است - و آنسه اقنوم را (خداوند پدر) و (خداوند پسر) و (خداوند روح القدس) میگویند و روح القدس را بشکل مرغ نقش می کنند (لرد کینگسبرو) (۲) مینویسد که مگز یکی ها بندگی می نمودند خدای دارای سه هیئت را و آن خدا را (تزکتلیوکا) مینامیدند و با او دو خدای دیگر است که یکی بطرف راست و یکی بطرف چپ ایستاده اند - و اسم خدای اول که بطرف راست ایستاده (اهوتزلیبو شتکی) و دیگری (تالالوکا است)

چون (برتولومیو) معین کرد (مطران) را در سال ۱۴۴۵ - فرستاد مطران (فرنسیس هرمندیز) کشیش را بجانب مکزیك - تا آنکه بشارت دهد در میان هندراس و دعوت کنند آنها را بدین مسیح - قس فرنسیس لغة هندراس را میدانست - پس از آنکه یکسال از رفتن قس فرنسیس گذشت برای مطران نوشت که اهالی - هندراس گرویده اند بخدائی که در آسمانست و آن خدا دارای اقایم ثلاثه است - (خداوند

(۱) نیت در کتاب خرافات که مبین صنایع و آثار قدیم است

صفحه ۱۶۹ (۲) کینگسبرو در کتاب آثار قدیم مکزیك جلد پنجم



پدر ( خداوند پسر ) ( خداوند روح القدس ) و این سه خداوند یگانه اند - و نام پدر ( بزونا ) و نام پسر ( باکاب ) زائیده شده از عذراء و نام روح القدس ( ایکیها ) است و بتی را پرستش مینمایند - که نام آن ( تنکا تنکا ) است و میگویند او دارای هیئت سه گانه است و این اقانیم ثلاثه خدای یگانه اند

( سکویر ) ( ۱ ) مینویسد که اهالی هندوراس کندی ها عبادت می کنند خدائی را که دارای اقانیم ثلاثه است و نقش مینمایند انخدا را بصورت بتی که از برایش سه سراسرست بریک پیکر و قائلند که او دارای سه شخص است به يك قلب و يك اراده و بالا جمال - مشابعت نامه بین اقسام بت پرستها موجود است و بعضی از ایشان عبادت میکنند خدایان بسیاری را که هیچیک از آنها را ذکر ننمودیم برای آنکه مقصود ما ذکر فرقه ایست که معتقد بتثلیث بودند - اگر مراعات اختصار نبود شواهد بسیاری ذکر میشد

### تثلیث نزد نصاری

چون تذکر دادیم عقیده تثلیث بت پرست ها را فعلاً اشاره میکنیم عقیده تثلیث نصاری را از اقوالی که در کتابهای مقدسه خودشان نقل میشود

رساله یوحنا اول - باب ۵ شماره ۷ « پس بدرستی که

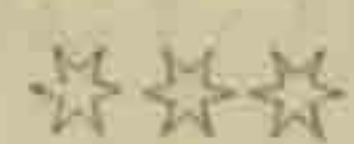
( ۱ ) سکویر در کتاب رمز الحیه صفحه ۱۸۱

آنانیکه گواهی میدهند در آسمان ایشان سه تاینند پدر و کله و روح القدس و این سه یکی هستند » -

« انجیل یوحنا باب اول شماره اول در ابتدا کله بود و کله نزد خدا بود همه چیز بواسطه او آفریده شده و بغیر از او چیزی از موجودات وجود نیافت »

« رساله بولس به کولوسیان باب اول شماره ۱۶ و ۱۷ »

زیرا که در مسیح همه چیز آفریده شد آنچه در آسمان و آنچه در زمین است از چیزهای دیدنی و نادیدنی و تخت ها و سلطنتها و ریاسات و قووات همه بوسیله او و برای او آفریده شد و او قبل از همه است و در وی همه چیز قیام دارد - علاوه بر این آیات آیات بسیاری است که از ذکر آنها محض اختصار صرف نظر شد هر که خواهان است رجوع بانجیلها نماید چون برای پسر خدا نزد بت پرستها نامهای پاکیزه بود و آن نامهارا ذکر کردیم لازم شد که نامها و القاب حسنه که برای مسیح در نزد نصاری است ذکر نمائیم



( عیسی مسیح ) ( خدا ) ( ۱ ) ( پروردگار ) ( ۲ )  
( ازلی ) ( ۳ ) ( پسر خدا ) ( ۴ ) ( نخست زاده ) ( ۵ ) ( سرور ) ( ۶ )

( ۱ ) یوحنا باب اول شماره اول ( ۲ ) ذکرش در کل انجیلها است

( ۳ ) رساله بسوی عبرانیها باب ۹ شماره ۱۴ ( ۴ ) متی باب « ۳ »

شماره « ۱۷ » ( ۵ ) رساله بسوی عبرانیها باب « ۱ » شماره « ۹ »

( ۶ ) اعمال رسولان باب ( ۵ ) شماره ( ۳۱ )



(شیراز، سبط یهودا) (۷) (فدا شونده) (۸) (واسطه) (۹)  
(نجات دهنده) (۱۰) (شبان نیکو) (۱۱) (پسر انسان) (۱۲)  
(عمانوئیل) (۱۳) یعنی خدا با ما است (پسر خدای مبارک) (۱۴)  
(رئیس الحیوة) (۱۵) (برّه) (۱۶) (گاو) (۱۷) (مار) (۱۸)  
(برّه سفید) (۱۹)

## فصل دوم

(تقدیمی یکی از خدایان قربانی را برای رستگاری از گناه)

دار زدن بعقیده بت پرستها \*

دوان (۱) میگوید بت پرستان هند و غیر هند را عقیده  
آنست که رستگاری و نجات بواسطه پیش کش نمودن قربانی است  
به یکی از خدایان برای رهائی از گناه و سابقه این تقدیمی نزد  
هنود بیشتر از زمان (ویدیک) \* (۲) بود.

(۷) مکاشفه یوحنا باب (۵) شماره (۵) (۸) لوقا باب (۱) شماره  
(۶۸) (۹) تیموتاؤث باب (۲) شماره (۵) (۱۰) یوحنا باب (۴)  
شماره (۴۲) (۱۱) یوحنا باب (۱۰) شماره (۱۱) (۱۲) مرقس  
باب (۱۴) شماره (۶۲) (۱۳) متی باب [۱] شماره [۲۳] [۱۴]  
مرقس باب [۱۴] شماره (۶۱) [۱۵] اعمال رسولان باب [۳]  
شماره [۱۵] [۱۶] یوحنا باب [۱] شماره [۲۹] [۱۷] مقاله  
ترتولین در شکل های مسیح [۱۸] یوحنا باب [۲] شماره [۱۴]  
[۱۹] مکاشفه یوحنا باب [۱۲] شماره [۸]

(۱) در کتاب مذکور صفحه ۱۸۱ و صفحه ۱۸۲ (۲) ویدیک که یعنی  
علم دیانت است اسم کتابهای شعریه و سرودهای هنود است مرکب  
از چهار کتاب هزار سال پیش از مسیح نوشته شد.

کتاب رکفدا نقش میکند تمثال خدایانی را که تقدیم  
میکنند بروشار بعنوان قربانی و \* بروشا \* را مساوی با آفریدگار  
می شمارند و در کتاب تریا برهمانا مینویسد که بزرگ مخلوقات  
\* بر جاباتی \* خود را بعنوان قربانی پیش کش خدایان نمود  
در کتاب استباتا برهمانا مینویسد که جهان بواسطه  
این قربانی بروشامیدا دائر و معمور است و بت پرستها آدمیزاد  
را بعنوان قربانی پیش کش می نمودند و بیشتر بندگان و اسیران  
را بجهت رستگاری از گناه بعنوان قربانی تقدیم میکردند و  
منحصر نبود قربانی ایشان به بنده و اسیر بلکه اولاد های خودشان را  
هم قربانی میکردند

رومانی ها و یونانی ها خودشان را بعنوان قربانی برای  
تحصیل خوشنودی خدایان پیش کش خدایان می نمودند و  
مصری ها از جنس آدمیزاد قربانی می نمودند و این  
عادت زشت در آنها رسوخ کرده بود باندازه که پسر های جوان  
از قبیله آتاناتیه را بعنوان قربانی تقدیم میکردند و میگرفتند  
آن پسر را و میبردند در بتخانه فستات در عالوس و تاجی  
بر سرش نهاده مانند چهارپایان او را قربانی مینمودند برای خدایان  
\* هوک \* \* ۱ \* می نویسد که بت پرستهای هنود  
عقیده دارند که یکی از خدایان متجسم گردید و خود را قربانی  
کرد که فدای گناهان مردم باشد

\* مورنیور ولیمس \* \* ۲ \* می گوید که فرقه هنود

[۱] در کتاب رحله هوک جلد اول صفحه ۳۲۶ [۲] مورنیور

ولیمس [در کتاب هنود صفحه ۲۶]



معتقدند به گناه اصلی چنانکه از دعاها و زاریهای ایشان بعد از عبادات معلوم میشود دعا این است

« من گناه کار و مرتکب خطایم و طبیعتم سرکش و آبستن شده است بمن مادرم با گناه - پس و ا رهان مرا ای صاحب دو چشم ز گسی ای رهاننده گناه کاران ای بر طرف کننده گناهان »  
 \* دوان \* میگوید که طایفه هنود اعتقاد دارند باینکه کرشنا که زائیده شده از بکر است خود خدا ویشنو است که آغاز و انجامی برای او نیست حرکت مینماید از روی محبت تا آنکه زمین را از سنگینی بارش نجات دهد پس زمین آمد و نجات داد انسان را بواسطه تقدیم کردن خود را برای قربانی

\* ژرژ کوکس \* \* ۱ \* مینویسد که هنود توصیف مینمودند کرشنا را به پهلوان امین مملو از لاهوت برای آنکه خود را بعنوان قربانی تقدیم نمود و قائلند که کسی جز او توانائی باین کار ندارد \* مسیو کو مینیو \* \* ۲ \* می گوید که هنود مردن کرشنا را با شکل مختلفه نقل می کنند بالاترین اقسامش این است که او مرد در حالتیکه آویخته و بسته شده بود بر درختی بواسطه ضربت حربه

[دوان] (۳) مینویسد که مقصود از درخت داراست و

[۱] در کتاب دیانت قدیمه [۲] نقل از کتاب لاندی [آثار مسیحی]

شده است

[۲] دوان صفحه ۱۸۴

مسترمور نقش نموده است تمثال کرشنا را که بدار زده شده بطوریکه در کتابهای هنود تصویر گردیده دست و پاهایش سوراخ شده به پیراهنش آویخته گردیده مانند صورت دل انسان از تعلیمات ویشنو پورانا معلوم میشود که بعد از آنکه سیاد بآلت قتاله زد کرشنا را پشیمان شد وزاری کرد به کرشنا که رحم کن بر من منم کسیکه هلاک کرد مرا گناهم و توئی کسیکه توانائی داری بهلاکتی پس کرشنا جوابش داد که نترس برو با آسمان که محل خدایان است همینکه کرشنا این سخن را گفت مرکبه ظاهر شد و او را بسوی آسمان برد و از جمله القابی که کرشنا بآن موسوم است آمرزنده

گناهان و رهاننده از مار مرك است

و تصویر کرد راهب (ژورژ یوس) (آندرا) را که یکی از خدایان است و پرستش مینمایند او را اهالی نیپال در حالی که بدار زده شده بود بطوریکه تصویر میدهند اهالی نیپال آن خدا را در روز عیدشان در ماه آب که یکی از ماههای رومی است هیجین (۱) نقل میکنند از کتابی که نوشت آنرا (اندرادالکر دزویوس) (واو اول اروپائی است که داخل در شهرهای نیپال و ثبت شده) که میپرستند خدا اندرا را و میگویند که ریخته شد خونس بواسطه دار زدن و سوراخ شدن از میخها تا آنکه رستگار شوند آدمی زاد از گناهانشان و صورت دار موجود است در کتابهای ایشان

[۱] هیجین در کتات مذکورش



\* دوان \* میگوید در طرف جنوب هندو تنجور و در ایواندی پرستش می کنند خدائی را که بدار زده شد و اسم آن \* بالی \* است و معتقدند که او ویشنو است و ظاهر در عالم سفلی شده و نقش می کنند صورتش را در حالتی که دستها و پهلویش سوراخ شده

در سرودیکه برای بودا ساخته اند مذکور است که بچشم دیدم غمناکی و خواری و زندان و مرگ و کشته شدن را بواسطه صبر و دوستی کاملی که برای جلب سعادت مردمان داشتم و از خطا کاران گذشت کردم

و میخواندند بودا را طیب بزرگ و نجات دهنده جهان و بی آلت رجولیت و مسیح زائیده شده یکانه و غیر اینها و آنکه بودا پیش کش کرد خود را بقربانی تا آنکه کفاره گناهان انسان گردد و او را وارث ممالك آسمانی میدانند و میگویند بودا برای متولد شدنش ترك كرد تمام بزرگواری و شرافت خود را در عالم تا آنکه رهائی یابند مردم از شقاوت و عذاب بطوری که نذر کرده بود.

\* بیل \* ۱ \* مینویسد که بوجانا گفت زود است که می گیرم تن سفلی را و فرود می آیم پس زائیده میشوم میان مردم تا آنکه ایشان را سلامت و راحت تن ببخشم و بر طرف نمایم اندوهها و محنت های عالم را و مقصود من از این کار فراهم کردن ثروت و خوشحالی نیست.

[۱] بیل در کتاب تاریخ بودا در صفحه ۳۳

\* لی هوک \* ۱ \* میگوید که بودا در نظر بودائی ها هم انسان است و هم خدا و آنکه او متجسم گردید و در این جهان آمد تا آنکه رهنمائی کند مردم را و فدای ایشان شود و واضح کند برای ایشان راه آسایش را و تمام این را بودائی ها عقیده دارند همچنانکه معتقدند که بودا رهائی دهنده مردم است.

\* مکس مولر \* ۲ \* مینویسد که بودائی معتقدند بآنکه بودا گفت [ تمام گناهانی را که در عالم واقع شد بگردن من گذارید محض آنکه جهان رستگار گردد.

[ ولیمس ] ( ۳ ) مینویسد که هنوز میگویند که از جمله رحمتهای بودا یکی ترك كردنش و امدنش است بدنيا برای خاطر گناهان پسر انسان و سختیهای ایشان محض آنکه پاکیزه کند ایشانرا از گناهانشان و جلوگیری نماید از آنها مکافاتی را که سزاوار میشوند.

( دوان ) ( ۴ ) مینویسد که فدا بتوسط درد مند شدن و موت یکی از نزدیکان درگاه خداوندی در نزد چینی ها از عهد قدیم است.

و در یکی از کتابهای مقدس ایشان که موسوم است به ( یپکینک ) در باره ( تیان ) می گوید که اوست منزویکانه

[۱] هوک که سابقاً ذکر شد [۲] مولر در کتاب تاریخ آداب

سانسکریت صفحه ۸۰ [۳] ولیمس در کتاب موسوم به دیانة هنوز

صفحه ۲۱۴ [۴] دوان در کتاب مذکور در سابقش



صاحب کمالات آسمانی و زمینی و او باز گشت میدهد عالم را به نیکوئی و او عمل میکند و رنج بسیار میکشد و ناچار است از عبور دریای بزرگی که موجهایش راجع بشخص اوست و اوست یکنانه که توانا است تقدیم کند قربانی لایقی را پیروکار پس مردم برای کسب قوه و اقتدار خود را تقدیم میکنند بعنوان قربانی و فلاسفه برای کسب آبرو و شهرت و فرمان فرمایان برای ثبات اموال و عیالشان اما قدوس تیان برای مردم میمیرد محض رستگاری خوبان و نیز در باره تیان عقیده دارند که او از ازل با خدا متحد بوده است

(بونویک) (۱) میگوید که مصریها (اوسیریس) را یکی از نجات دهندگان مردم میدانند و میگویند که او بواسطه کوشش در افعال شایسته دچار رنجها میشود و برای مقاومت کردنش بر گناهان مقهور و کشته میشود

(موری) (۲) مینویسد که اهالی مصر از اوسیریس بسیار احترام مینمودند و او را بزرگتر مثل میدانند برای تقدیم جان بجهت قربانی محض زندگانی مردم.

\* دوان \* (۳) نقل از \* سرولکنسون \* مینماید که در دمندی و مرگ او سیریس رمز بزرگی است در دیات مصری ها و بعضی از آثار این عقیده در دیات امت ها ظاهر

«۱» بونویک در کتاب عقیده مصریها صفحه ۱۶۵ «۲» موری

در کتاب خرافات صفحه ۳۸۴ «۳» دوان در صفحه ۱۹۰ در کتاب هیروودس

است و او سیریس را نیکوکار خدائی و جالب فکر پاك می شمارند و کیفیت ظهورش در زمین و مردنش و برخاستنش از میان مردگان و آنکه او جزا دهنده مردگان است در روز واپسین مشابهت دارد بخدایان هنود.

\* هورس \* نامیده میشود به نجات دهنده و فداشونده و خداوند زندگی و یکنانه همیشه و زائیده شده یکنانه.

\* اتیس \* نامیده میشود فرزند یکتا نجات دهنده که سکنه آسیای صغری پرستش میکردند او را بصورت مردیکه بسته شده باشد بر درختی و زیر هر دو پایش بره باشد مانند ایولو که میپرستیدند او را میسلیستی ها و میگویند که ایولو مرد باهمین جسم و او حکیمی است که اعمال عجیبه از او بروز کرد و او را لشکر کلدانی ها کشتند و بستند تا آنکه زیاد شود دردهایش و بدار زده شد برای رستگاری میسلیستی ها.

\* جامسن \* (۱) مینویسد که میسلیستی ها نقش میکردند خدا را بصورت آدمی که بدار زده شده باشد و هر دو دست و هر دو پایش بر پسمان بر چوبی بسته شده باشد و زیر دو پایش بره باشد.

\* اهالی سوریه \* قائلند که \* تموز \* خدائی است که متولد گردید از زن بکر برای مردم متحمل زحمت گردید و او را نجات دهنده و فدا شونده بدار شده مینامند و در روز مخصوصی از سال مجلسی تشکیل میدادند برای یاد آوری

«۱» جامسن در کتابش تاریخ لرد ما



مرگش بقی میساختند باسم آنکه این بت نموز است و آن بت را بر بستری میگذاشتند و بر او گریه میکردند و کهنه ایشان باواژ بلند میخواندند که ثابت باشید در عقیده بخدای خودتان برای آنکه زحماتی را که این خداوند تحمل نمود باعث نجات و رستگاری ماها گردید.

❖ دوان ❖ ۱ مینویسد که بت پرستها ❖ برومیسیون ❖

را نجات دهنده مینامیدند چنانکه او را خدای زنده دوست انسان و تقدیم کننده جان خود را به قربانی برای استخلاص مردمان میدانستند.

قصه بدار شدن ❖ قراسیوس ❖ که قضیه هائله ایست در پانصد سال پیش از مسیح علیه السلام ❖ آسیوس ❖ در آن نوشت آن قصه را و آن خبر قدیمترین شعری است در موضوع دار که تا امروز باقی مانده اما نیرنگها و خدعه ها که در این خبر است قطعاً ماخوذ از روایات قدیمه است و این قضیه در تأثیر نفوس بی نظیر است و کسی سبقت نگرفته آسیوس را در بیان و توصیف آنچه را که این خدا متحمل گردید از زحمات و ممکن نیست تأثیرات آنرا محسوس کرد و تأثیرات این روایه در طبایع اشخاصی که معتقدند بخدائی بطل این روایت که دوست ایشان و خالق و سود بخش و نجات دهنده ایشان است البته بدرجات زیادتر خواهد بود.

دشمنی های مردم جلب کرد برای آنها گناهان و زحمتهائی را

که این خدا متحمل شد و اندوه هائی را که چشید تمام برای خلاصی مردم بود بواسطه گناهان انسان مجروح و برای سرکشی آنها نرم گردید و قبولدار مکافات گردید برای نجاتشان و بسبب مضروب شدنش و نازیانه خوردنش مردم شفا داده شدند تقبل کرد سختی و درد و سرزنش را و اظهار تالم نکرد صبر بزرگش وقتی ظاهر شد که کهنه که خداوندان شرور بودند می بستند دست و پایش را در کوه قفقاز و برایش مثل و مانندی نبود مگر کالی را که بکار برده بود و او یخته و دستهایش کشیده شده بود بصورت شخص مصلوب محض خدمت بمردم و برای دوستی ایشان و این خدمت بالاخره او را بسردار برد زمانی که تحمل می کرد این عذاب ها و زحمات را بصدیقش ❖ او سینوس ❖ معلوم گردید که دیگر قادر نیست که او را حاضر برای آشتی با مشتری نماید و ترك نماید نجات مردم را و گذاشت او را و فرار کرد و کسی با او نماند که به بیند چگونه جان میدهد مگر عده که برایش نوحه سرائی میکردند و از دوستان صمیمی او بودند و قدره نداشتند که دوستی مردم را از دل او بیرون کنند.

❖ دوان ❖ ۱ ❖ مینویسد که بت پرستان ❖ بوخس ❖

پسر مشتری مولود از عذراء را نجات دهنده و پسر یکانه و قربانی شده و عهده دار شونده گناهان مینامیدند.

بت پرستها میگویند که چون در زمین اعمال قبیحه



بسیار شد \* بندورا \* متوسل گردید بمشتری سید خدا بان و خواستار شد که بیاید و مردم را از گناهان نجات دهد پس اجابت کرد مشتری و پسرش \* بوخص \* را نجات دهنده گناه کاران عالم قرار داد و بوخص عهده دار شد که زمین را از گناه پاک نماید و آنکه مردم در آتیه او را پرستش کنند و محض تمجید اسمش تسبیحات نمایند و برای انجام این کار خدا مشتری وارد شد بر دختری زیبا مسماة به سمیل و حامله گردید سمیل و موسوم گردید بمادر خدا و گفت بوخص فدا شونده که منم راهنما و منم کمک نماینده و فدائی شما منم الف و امیکا.

و مینامیدند « هیر کلوس » پسر « زنیس » را نجات دهنده کاهی پولهای دیده میشد که روی آنها « هیر کلوس » نجات دهنده نقش بود و دعوی میکردند که او پسر یکانه و کله و عود کرده و با خدا یکی است و او خالق هر چیز است و او پدر روزگار است

و ( اسکولابیوس ) را هم نجات دهنده می نامیدند و بت خانه محکم را محض یادآوری اسمش بت خانه نجات دهنده می گفتند.

( اپولو ) را نجات دهنده مینامیدند.

( هدریان ) امپراطور رومان ۱۳۸ ب. م قائل بود بخدائی ( سیراییس ) در یکی از بت خانه های مخروبه اسکندریه خاجی دیده شد که صورت این نجات دهنده مصری در او نقش بود

فارسی های قدیم ( مترا ) را واسطه بین خدا و خلق و نجات دهنده میدانستند که بواسطه قبول کردنش آلام را مردم خلاص شدند و فدای مردم گردید کله و فدا شونده اش می نامیدند.

( زردشت ) قانون گذار فرستاده شد برای استخلاص مردم از راههای بد و هنوز هم امتان و تبعه او باقی هستند و میخوانند زردشت را حی مبارک مولود از عذر آء یکانه جاوید و مانند این ها از لقبها و معتقدند که چون زردشت بدینا آمد خانه که در آنجا متولد شده بود روشن گردید و برای مادرش زمان ولادتش خنده کرد و مینامیدند او را نور درخشنده ظاهر از درخت معرفتی که او بخت بر درخت بود.

( اریان ) در کتاب تاریخش از اسکندر می نویسد که در بیرقهای لشکرهای بورس صورت انسانی که بدار شده نقش بود.

« هیجین » « ۱ » میگوید که این صورت تمثال « اما او سترویات » یا « سیلفاها نا » است برای آنکه این دو ظاهر میشوند برای ناظر گویا دو صورت انسانند و حمل میکردند آن صورتهای رومانی ها بر بیرقهای خودشان و این قضیه شبیه بارمن کبوتری است که آشوری ها بر بالای بیرقهای خودشان وضع می نمودند و لابد این همان صورت ابن الله مصلوب است.

مگر نیکی ها عبادت مینمایند خدائی را که بدار شده



و مینامند او را نجات دهنده و فدا شونده و آن پسر خدا را بزبان خودشان « باکوب » و « اوبوکو » مینامند

اگر اهالی اسپانیول کتاب خانه مکزیك و پرو را نمیسوزانیدند و خراب نمی کردند بتخانه های ایشان را و محو نمی نمودند صور و نقشه های آنها را البته بر معلومات مازیدتر از این افزوده میشد اگر این مقدار قلیل از دست اهالی اسپانیول سلامت نمانده بود نمیدانستیم که مکزیکی پرستش میکردند خدائی را که برای فدیة از گناه بدار زده شده بود و آنکه آنها آن خدا را پسر خدا فداشونده مینامیدند.

« سکنه » یوکاتان « عبادت میکردند خدائی را که برای فدیة از گناهان بدار زده شده بود و او را پسر خدا مینامیدند و صلیب هائی یافت میشد که در آن صورت آن خدا نقش بود.

« نیت » « ۱ » میگوید که بت پرستها آپولو را حافظ نیکو کار میخواندند و همچنین عطارد را حافظ و نیکو کار می نامیدند.

و کرشنا نجات دهنده هنود را نگهبان ملوکانی نیکوکار می گفتند و از باب اختصار اکتفای باین مقدار گردید

✽ دار زدن بعقیده نصاری ✽

مصلوب شدن مسیح و عقیده فدا سرمایه ایمان است در نزد نصاری.

حکایت دار وارد است در انجیل متی باب « ۲۷ » و در انجیل مرقس باب « ۵ » و در انجیل لوقا باب [ ۲۳ ] و انجیل یوحنا باب [ ۱۹ ] این ابواب بواسطه شهرتش محتاج بذکر نیست ولی برای مثال از کلیه چیزهائی که در انجیلها میرساند دار زدن مسیح را فقط يك آیه ذکر می نمائیم.

رساله بولس بفلاطیان باب ( ۳ ) شماره ( ۱۳ ) ( مسیح ما را از لعنت شریعت فدا کرد چونکه در راه ما لعنت شد چنانکه مکتوب است ملعون است هر که بدار آویخته شد ) و این قضیه دار در جمیع رساله ها مذکور است و تصویر مینمایند مسیح را بر روی دار مثل صورت کرشنا در حال صلیب

## فصل سیم

✽ تاریکی که پیدا شد زمان مرك یکی ✽

✽ از نجات دهندگان جهان ✽

✽ عقیده بت پرستان ✽

هندوها میگویند که چون کرشنه نجات دهنده بروی دار مرد در عالم مصیبتهای بسیار و علامات گوناگونی واقع شد و احاطه کرد بماء دائره سیاهی و آفتاب در وقت ظهر تاریك شد و آسمان آتش و خاکستر بارید و شیاطین در زمین فساد کردند در وقت طلوع و غروب آفتاب صورتها و تمثالهای



در هوا دیده میشد که با یکدیگر جنگ مینمودند از تمام اطراف .

( وادیدس ) ( ۱ ) مینویسد که هندوها میگویند چون بین بودا نجات دهنده عالم و فرمانده شیاطین جنگ شروع گردید هزارها نیازك هولناك سقوط کرد تاریکی طولانی شد و ابرها مجتمع شدند اندازه که گویا این جهان با دریاها و کوهها بلرزه آمد مثل شخص صاحب ادراك دریاها از سختی لرزهها بجنبش آمدند و آبهای جویها بسوی چشمها برگردید و آواز بادها در همه جا سخت و شدید شد و صدای فروریختن اجسام و خوردن یکدیگر هولناك گردید و آفتاب در تاریکی بسیار سیاهی پوشیده شد و هوا پر شد از تیرهای فرود آینده ( هیجین ) ( ۲ ) مینویسد که پرستش کنندگان

بروسیوس نجات دهنده قائلند که چون بروسیوس در کوه قفقاز بدار زده شد کلیه ممکنات تکان خورد و زمین بلرزه آمد صدای رعد و درخشندگی برق فوق العاده گردید و بادهای سخت آنچه را که در هوا بود پاره کرد و موجهای هولناك بجنبش آمد چنان وانمود شد گویا عالم روی بفتا و زوال نهاده

( کنون فارار ) ( ۳ ) میگوید که قدمای رومانی و یونانی معتقد بودند که زمان ولادت یا وفات یکی از بزرگان

« ۱ » وادیدس در کتاب بودائی صفحه ۳۶ « ۲ » هیجین در کتاب انیکلوساکسون جلد اول صفحه ۶۱۶ « ۳ » فارار در کتاب حیات مسیح صفحه ۵۲

حادثه های آسمانی بظهور میرسد که کاشف از آن ولادت یا فوت است .

و گفتند که زمان فوت رومولس که مؤسس رومیه باشد آفتاب سیاه شد و تاریکی عالمرا مدت شش ساعت فرا گرفت .

( زینون ) ( ۱ ) میگوید شعراء تیبیلوس و افد ولوسیوس و مورخین بلینی و ابیان و دیون کاسیوس ژولیوس میگویند چونکه اسکولابیوس نجات دهنده کشته شد آفتاب تاریك گشت و مرغها در آشیانها پنهان شدند و درختها سرهای خود را از تحسّر بزرگ انداختند و مردم دل شکسته شدند برای آنکه شافی امراض و درد های ایشان از دنیا رفته بود

( دوان ) ( ۲ ) مینویسد که بت پرستها معتقدند و میگویند چونکه هیرکلوس بحال احتضار شد بضعیفه امینه که از او تا آخر درجه تبعیت کرده و اسمش یول بود گفت گریه نکن که تمام شد زحمات و عملیات و حالیه وقت راحت و غنودن است و می بینم بهمین زودی تو را در زمین نورانی و چون آن خدای نجات بخش فوت نمود در زمین حادث گردید ظلمت ها و تاریکی هائی و زوس رب الارباب آمد و حمل کرد پسر خود هیرکلوس را و بیابانهای لیمبوس را برای ملاقات پهلوان نور پیمود و از رنجهای سخت راحت گردید و او در آنجا فعلا

« ۱ » تاریخ زینون جلد اول صفحه ۱۵۹ و ۵۹۰ « ۲ » در کتاب



بلباس سفید پوشیده شده و بر سرش تاج است  
و نیز میگویند بت پرستها چونکه عازم گردید بیوس بر  
مفارقت این دنیائی که عالم درد ها و اندوهها است به انتیکون  
گفت خدا حافظ ای پسر من میروم خانه ام و خوشوقتم از  
فروریختن بار غم و غصه ام چونکه عالم اخره و مرکش رسید علامات  
هولناکی در زمین و آسمان پیدا شد و کره زمین بارزه آمد و  
اواز رعد ها در هوا بلند شد.

رومانی ها (کیرینیوس) را خدا مینامیدند که بعقیده  
آنها از آفتاب جدا شد و بافتاب باز گشت کرد بواسطه حلول  
کردن رب النوع قشون بر عذراء متولد شد و در نزد شبانان  
تریت گردید و گرفتار کرد او را اولیوس جبار و چون فوت  
کرد پاردپاره اش کردند.

(کینگسبرو) (۱) مینویسد که قدمای از مکزیکي ها  
را عقیده این بود که چون (کوئز لکوتل) نجات بخش مصلوب  
شده فوت نمود آفتاب تاریک گردید.

### \* عقیده نصاری در باب صلب \*

شرح دادیم مذاهب پرستندگان خدای موسوم بکرشنه و  
خدای موسوم به بودا و خدای موسوم به اندرا و غیر آنها را  
در باب تاریکی واقعه وقت فوت یکی ازخدایان چه بدار زده  
شده باشند یا کشته گردیده باشند نصاری هم عقیده دارند که  
زمانیکه عیسی بدار زده شد این گونه وقایع فاجعه حادث گردید

«۱» کینگسبرو در کتاب آثار قدیم مکزیك جلد ششم صفحه ۶

(انجیل متی) باب (۲۷) شماره (۴۵) (و از ساعت ششم  
گرفت ظلمت بر کل زمین تا ساعت نهم)  
(انجیل مرقس) باب (۱۵) شماره (۳۳)  
در (انجیل لوقا) باب (۲۳) شماره (۴۴)

## فصل چهارم

ولادت یکی از خدایانی که تقدیم کردند انفس خود

را برای فدا شدن بمردم

عقیده بت پرستان

(دوان) (۱) مینویسد - از جمله عقیده های بت پرستان قدیمه قول  
آنها است بتجسم یکی از خدایان - و فرود آمدن و مسکن نمودنش  
با ایشان و این قضیه را باقسام بسیاری از تصورات و اخبار  
مشرقی هانقل میکنند - و همیشه کرشنه نزد زنهای هنود -  
خداوند محبوب بود - و هنوز هم باقی هستند - و عده که کرشنه را  
احترام بسیار میکردند - و دوستی داشتند به پرستش او - و ادله  
رواج داده بودند و بان استدلال قطعی مینمودند - دلیلشان  
این است که کرشنه مخالف است با خدایانی که مجسم شدند  
و مزیت دارد از ایشان - برای آنکه نیست در آن خدایان  
مگر جزئی از خدائی - ولی کرشنه نفس خدا ویشنو است



که در عالم سفلی ظاهر شده

(الن) (۱) میگوید - اما کرشنه پس او بزرگتر است از تمام خدایانی که مجسم شدند - و بسیار امتیاز و فضیلت دارد از آنها - برای آنکه در آنها نیست مگر مقدار کمی از خدائی اما کرشنه پس خدا ویشنواست که در عالم سفلی ظاهر شده [توماموریس] [۲] مینویسد که هندوها تقدیس میکنند شهرهای خودشان را برای آنکه در مملکت ایشان متولد شد خدا ویشنو در عالم ناسوت [ف]

[دوان] [۳] مینویسد - که هنوز قائلند - که کرشنه پسر عذراء پاك و پاکیزه موسوم به (دیفای) است - و مادر خدایش میخوانند

در کتاب هندی موسوم به (کافات بورون) مزبور است که کرشنه گفت بزودی مجسم میشوم در خانه پنهانی و تولید میشوم از رحم دیفای و میمیرم - و رسیده است وقتی که اظهار کنم قوه و اقتدارم را و زمین را از سنگینی بارش وارهانم (ف)

در کتاب مقدس هنوز که موسوم است به (ویشنو بورانا) ذکر شده که خدایان تمجید کردند دیفای را که حامله گردید بخداوندیکه صاحب دو چشم زرگی بود - که نجات

[۱] آلن در کتاب هند صفحه ۳۹۷ [۲] توماموریس در کتاب

آثار قدیم هند جلد سیم صفحه ۴۵ [۳] دوان در کتاب مذکور

دهنده عالم است و کسی قدرت نداشت که نظر بر روی دیفای نماید بواسطه اشعه نوری که از صورتش ظاهر بود - و هر که نگاه میکرد بنورش مختل میگردد شعورش

و خدایانی که دیده نمیشوند تمجید کردند دیفای را در ابتداء حلول ویشنو بدیفای - پس خدا ویشنو اصل درخت عمومی است که درك نمیکند او را افهام خدایان و نه جن و نه مردم حاضر و نه در آینده چنانکه در گذشته درك نکردند او را - و معبود بر همه و عموم خدایانی که از برای آنها ابتداء و انتهای نیست شرافت یافتند بواسطه نجات دادن زمین را از بارگراش که از باب رحمت ویشنو را برحم دیفای فرستادند و تولید شدن ویشنو از دیفای در حقیقت تولید شدن از بر همه است و پوشانید ویشنو را لباس کرشنه که او نفس بر همه است و این سر عجیبی است که چگونه خدا متجسد میشود بجسد انسان و ایضا کرشنه گفت من یکتای بزرگی که ثابت مینمایم هستی خود را بقدرت خود - و هر وقت که فضایل کم و اعمال قبیحه زیاد میشود ظاهر میشوم در هر قرن برای محافظت نیکوکاران و هلاک بدکاران و بر گردانیدن اعمال حسنه را در عالم

(در کتاب) (بهقیقات ژیتا) مینویسد که خدا کرشنه بشاگردش (ارجون) گفت - (ای ارجون دعوی میکنم پرهیز کاریت را که اقرار داری بخدائی و ولادتم - منضم شو بامن و داخل شو در من) - و نیز گفت اشخاص جاهل اقرار ندارند به لاهوتیت من و باینکه پروردگار همه چیزم و پست



میشمارند مرا بواسطه ظهور در ناسوت - واعتماد دارند به بدیها و خباثات و مکرهائی که در طبیعت ایشان هست پس آرزو ها و حکمت ها و فکر ها و طبیعت های ایشان تماماً فاسد است اما مرد هائی که دارای عقول کامله اند مطابق طبع لاهوتی خود سخن میگویند و میدانند که من همیشه و لازماً و پیش از هر چیزم و میپرستند مرا بقلوبی که مایل بخدایان دیگر نیست .

( دوان ) ( ۱ ) میگوید در باره خدا بودا که متولد از عذراء ( مایا ) است و میپرستند او را بودائی های هندو غیره گفته میشود که او وا گذاشت بهشت فردوس را و نازل شد در زمین و ظاهر شد در ناسوت برای رفت بمردم تا آنکه وارهاوند ایشانرا از گناهان و راه نمائی کند ایشانرا براه راست و گناهانشانرا متحمل شود و فدای آنها گردد .

در کتاب چینی موسوم به ( فوتیهینگ ) مینویسد چون عازم شد خدا بودا که از آسمان بزمین فرود آید تا در آنجا تولد یابد ندا کرد فرشتگان آسمان و اهل زمین را که ای مردگان آرایش کنید زمین خودتانرا برای آنکه « بوژیشو مهتو » بزرگ عنقریب نازل میشود از توسیا و در میان شما متولد میشود پس مهیا سازید دو کاسه را برای زمان ظهورش .

و نیز میگویند رحیمکه خدا بودا برای مجسم شدن در آن رحم حلول کرده بود مانند ظرفی که بودا در آن بطور ذخیره

[۱] دوان در صفحه ۱۱۵

گذاشته شده بود و هیچ فردی از افراد انسان حملش مثل حمل بودا نیست برای آنکه بودا واقع در رحم شد بدون جماع ( هوک ) ( ۱ ) مینویسد که یکی از مبشرین فرانسه در باره بودا سخن میراند و چنین می گفت بودائی ها بودا را خدای مجسم میشمارند که در عالم ناسوت ظاهر شد و باین جهان آمد تا تعلیم کند جهانیرا و راه نمائی کند ایشانرا و خدا دهد ایشانرا ایجاد کند برای آنها راه سلامت را و نزد بودائی ها اعتقاد بقربانی توسط خدائی که ظاهر در ناسوت میشود عمومی است و بت پرستان در باره خدائی از خدایان که برای نجات مردم مجسم شد میگویند که او خدای خدایان است - و خدای جهان است - توانای دانای حکیم است فدائی تمام کائنات است . ( ۲ )

( مستربنسون ) ( ۳ ) مینویسد که خدای یگانه را - منزله - آفریننده سعادت - مالک کل - پروردگار - توانای ازل صاحب مجد - موجود بزرگ ابدی - مینامند و اوست خداوندی که لازم است بر مردم پرستش کنند او را ) و نیز در مناجاتی که ( عمودای ) عابد برای بودا خدای مجسم میکرد مندرج است ( تو سزاوار تعظیمی ای کسیکه ظاهر شدی بشکل بودای مجسم ای پروردگار زمین برای تو است بزرگی ای خدای مجسم همیشه تو شایسته احترامی ای پروردگار هویدا و ای پروردگار

[۱] هوک در کتاب سابق مذکور جلد اول صفحه ۳۲۶ و ۳۲۷

[۲] در کتاب دیانات شرقیه صفحه ۶۰۴ [۳] بنسون در کتاب



مهربان ای افریننده درد ها و اندوهها ای خدای هر چیز  
ای حافظ موجودات ای دانای رحمت و رمز آن ای فدا شونده  
( بنسون ) ( ۱ ) مینویسد که بودائی ها ولادت بودا را  
باین طور قائلند که چون ( کوتا ما بودا ) مجسم گردید نازل  
شد قوه خداوندی که موسوم است به ( روح القدس ) بر عذراء  
( مایا ) و نزولش بشکل فیل سفید بود و تیکاسیون از بودائی  
می گویند که مقصود از فیل سفید حکمت و قوه است  
( دوان ) ( ۲ ) مینویسد که بودائی های مقیم هند  
علیا قائلند که نزول ملکی که مجسم بشکل بودا شد از باب  
رحمت بود و آن فرشته که بصورت فیل نازل شد کنایه از  
قوه و حکمت است و میگویند که بودا واسطه و آلت قوه  
و حکمت خداوندی است و قائلند از بودا در ( تکاس ) که  
او فرود آمد از آسمان در محلی که عذرا مایا در آنجا بود  
بصورت فیل .

اما بودائی های چین قائلند در کتب خودشان که  
روح القدس که ( چنک چین ) بوده باشد نزول کرد بر  
عذرا مایا .

در کتاب چین که موسوم به ( فوننهنگ ) است ذکر  
شد که مادر در خوابگاه خود خواب دید که فیل سفید وارد  
شد از پهلوی راستش آنوقت زائید پسری را که بزرك جهان

[۱] بنسون در کتاب مذکور صفحه ۱۰ و ۵۲ و ۶ [۲] دوان

در کتاب مذکور صفحه ۱۱۷

میشود و او بودا است و بهره مند میشود از او هر صاحب  
جسمی و او توانائی دارد بر نجات مردمان از دریا های سختی  
ها و غصه ها .

( فرکوصون ) ( ۱ ) میگوید که بودائی ها صورت  
بودا را نقش می نمایند در حالیکه خوابیده است و خواب  
می بیند که فیل سفید آمد و داخل در پهلوی راستش گردید  
و میخواندند بر عذرا مایا اورادی را که مایا پر شده است  
از رحمت و آنکه او ملکه آسمان است و برطرف کننده اندوه  
ها است و آنکه پسرش بودا زنده کننده مردگان است و محل  
امید امت ها است و ناشر سلامت است و ملکه مایا بزودی  
میزاید پسری منزله و حکیم را و استفاده میکند از او هر صاحب  
جسمی و حکومت می کند بر جهان ( اسبنس هردی ) ( ۲ ) میگوید  
که جسم ملکه مایا بطوری شفاف گردید مانند شیشه که  
بآسانی بچه دیده میشد گویا غیب گوئی است که مستقیماً بر  
تختی نشسته و برکت بخشی مینماید و یا مثل مجسمه از طلا در  
ظرفی از بلور که نموش روز بروز محسوس باشد عقیده بودائی  
ها تماماً همین طور است و نیز اسبنس هردی در صفحه ۸۵  
مینویسد که خلیفه بودا در زمین موسوم است به ( دلی لاما )  
یا - آلامای بزرك .

سکنه ( سیام ) عقیده دارند بخدائی که متولد شد از  
دختر بکر و او را خدای نجات دهنده میخواندند و بزبان

[۱] در کتاب درخت واقعی [۲] هردی از کتاب بودائی صفحه ۱۴۴



اهل سیام اسم آن خدا (کودم) است و مادرش دختر بکر خوش منظری بود و از جانب خدا بان دختر وحی شد و بیرون رفت از میان مردم در تنگه های پر درخت که عبور مردم در آنجا کمتر میشد و منتظر بود که آبستن گردید بخدا بطوری که باو وحی شده بود و در یکی از ایام در حال نماز از شعاع آفتابی که براو تابیده بود آبستن گردید زمانی که حمل را احساس کرد از آن مکان رفت کنار دریاچه که بین سیام و کبودیا واقع است و در آنجا زائید پسر آسمانی را و چون بسرحد جوانی رسید مثال و منبع حکمت و کارهای غریب گردید (دوان) (۱) مینویسد اروپائیهائی که رفته بودند بدماغه (کرن) که در طرف جنوب هند است از دیدن سکنه آنجا مضطرب و ترسناک شدند و ان اهالی پرستش میکردند خدای نجات دهنده موسوم به (سلیفا هانا) را واسم پدرش (تدچاکا) بود و آن پسر خدائی متولد شده از عذراء بود و خودویشنو بزرگ مجسم بود و چینی ها معتقدند بخدا هائی که مجسم از آنها (فوهی رستین نونک) و (هوانکتی) و غیر ایشان است و کسا کیون از چینی ها قائلند که (مایا عذرا) حامله شد به بودا در خواب و زائید او را از پهلویش بواسطه پاکی نه مثل زائیدن سایر زنهای اولادهای خود را و از ولادت لاوکیون حکایات عجیبه نقل میکنند و این ولادت در عصر امپراطور (تونکونک) ۶۰۴ سال قبل از مسیح علیه السلام بود

میگویند که بودا از ازل بود و فرود آمد بزمین و متولد شد از عذراء سیاه چهره و لکن عذراء خوش منظر بود برای پرستش بودا بتخانهای بسیاری بنا کردند و پرستش میکردند او را بعقیده آنکه او خدای مجسم است و شاگردهایش را معلم آسمانی میگفتند و کهنه معتقد بودند که بودا بزرگترین واسطه ها است برای نعمتهای پاکیزه عمومی و نجات تضرع میکردند باو مثل خالق و مصور آسمان ها و زمین و از جمله معتقدات ایشان این بود که مادرش او را در زیر درختی از پهلویش زائید

اما از ولادت (هاؤکی) اینطور نقل مینمایند که مادرش عقیم بود و پروردگار قربانی تقدیم کرد که نازائی از او برطرف شود پس از آن بر اثر قدمهای پروردگار مشی کرد (یعنی بندگی کرد) و رسید بمرتبه بزرگی و حمل برداشت به (هاؤکی) و پس از حمل از مردم کناره جست و هاؤکی را مثل بره زائید و هاؤکی نامیدش و در وقت زائیدن احساس درد نکرد و این قضایا میرساند غرابت ایجادش را و تسلیت داد او را پروردگارش و قبول کرد قربانیش را و پسرش را باسانی زائید و هر که از عذراء (یعنی دختر بکر) متولد شود او را پسر آسمانی مینامند و در لغت چینی ها (تیانش)

و مصریها قائلند که (هورس) نجات دهنده زائیده شد از عذراء (ایسیس) و آنکه اوست متولد دوم از عامون و پسر مولودش میگویند و صورتش را در دست مادرش نقش می نمایند



یا در دامن مادرش

(شمپلیون) (۱) عبارت ذیل را از خط هیروگیلیفی ترجمه کرده است (توتی خدای دادستان و پسر خدا توتی (هورس) انتقام کشنده توتی که آشکار شد از تو (اوسیریس) توتی مولود از خدای موسوم به ایسیس) و اهل مصر میگویند که خداوند (دا) متولد شد از پهلوی مادرش نه بطوری که مردم میزایند و بر دیوار یکی از بتخانهای (تب) یافت میشود تمثال خداوند موسوم به (توت) فرستاده خدا و همچنین قائلند که عذراء ملکه موتس بزودی میزاید پسری را که منسوب بخداست و آن پسر ملك امونوتوف میشود و پادشاهان را خدایان مینامند کما اینکه بسیاری از پادشاهان آنها دعوی خدائی کردند

در باب زردشت که صاحب شریعت آتش پرستان است میگویند که او زائیده شد از نور خدا ولی نه مثل مخلوق شدن مردم بلکه آفریده شد بی آرایش یعنی بامادرش مردی نزدیکی نکرده بود

بلاطومی گوید آتش پرستان او را پسر خدا میدانند از امور عجیبه است که در قرنهای گذشته پهلوانان خود را خدا میخواندند و اولاد خدایان میدانستند که ظاهر در عالم سفلی شدند و بعد از مرگشان منضم بخدایان میشوند و تقرّب می جستند بسوی ایشان بتوسط قربانیها و بندگی ها و غیر آنها و از جمله پسران خدایان هر قل پسر خدای موسوم بمشتری بود که متولد

[۱]. شمپلیون دقت در هیروگیلیفی مصری قدیم

از مادریکه مشتریه و موسوم به (کمین) ملکه تبس است (زوس) خدای خدایان هرقل را پسر خودش خوانده و گفت در این ایام برای ما پسری متولد میشود از سبط برسیوت و بهمین زودی قوی ترین اولاد انسان میگردد

و معتقدند که باخوص پسر خدای موسوم بمشتری متولد شد از مادر بشریه که اسمش سمیل دختر پادشاه کدموس است باخوص گفت که منم بوخص پسر خدا (زوس) که زائیده است مرا سمیل دختر کدموس و بجانب شهرهای تبس آمدم و از نور برق آفریده شدم جسم خدائی را تبدیل بحجم آدمی نمودم و واصل شدم بچشمه های وروس و آبهای اسمینوس و مثل اوست (امفیون) پسر خدای موسوم به مشتری و مادرش بشریه موسوم به (انیثوب) دختر پادشاه (نیستوس) پادشاه بواتیا

و مدعی هستند که (برومسیوس) (این اسم مشتق است از کلمه یونانیه و معنایش بصیرت و عنایت خداوندی است) خدائی است که لاهوتش بنا سوتش متحد شده پس او صاحب دو نشئه است نشئه خدائی و نشئه جسمی در جسم واحد و برومسیوس انسان و خدای حقیقی است در یک زمان

و (پیریسیوس) پسر خدا (مشتری) از دختری است مسماه به (دانیه) دختر اگریسیوس پادشاه ارغوس پرستش میکردند او را و در باره اش گفتند که خداست و برای او در آتن بتخانه بنا کردند و در آنجا او را پرستش میکردند



و میگویند که عطارد پسر مشتری است از مادر بشری (اطلس) و میگویند محل ولادت و تربیتش در سیلین واقع بود و برای پرستش او در سیلین بتخانه بزرگی بنا کردند و عقیده دارند که (یولوس) ملك جزیره لیسباری (سیسل) پسر خدا (مشتری) است از مادر بشری (افاسطا) و عقیده دارند که بولو پسر خدا (مشتری) از مادر بشریه (لاتونا) است - و افسیون میگویند که او متولد شد در زیر درختی چنانکه بودائی ها از برای بوداولا و کیون نقل می کنند - از اینکه مادرش لاتو در زیر سایه درخت زیتونی او را زائید و از تولدش تمام خدا ها در اولیمپوس مسرور شدند و آسمان خندانشد (ارتوس) پسر مشتری را از مادر بشری میدانستند

(اورکلوس) پسر مشتری را از مادر بشری میدانستند و غیر از اینها بسیاری از اشخاص را - پسر های مشتری از مادر های بشری میدانستند که ما محض اختصار از ذکر آنها صرف نظر کردیم - پوشیده نماند که یونانی ها و رومی ها میپرستیدند خدایان و پسر خدایان را

(اورقیوس) متوسل میشد مشتری باین طور - (توئی) توانا - و آغاز - و انجام - و سر - و واسطه - توئی - خدا مشتری که بخشنده هر چیزی - و برپا نماینده زمین و آسمان صاحب ستاره ها هستی (دوان) (۱) مینویسد که رومانی ها پادشاهان

[۱] دوان در کتاب مذکور صفحه ۱۲۵

خود را بخدائی قبول می کردند و پرستش می کردند و پیا می کردند برای ایشان تمثالهایی - اسامی بعضی از پادشاهانی که رومانی ها خدائی آنها را معتقد بودند - این است رومیلوس که مؤسس رومیه - و او را پسر خدا مینامیدند و زائیده شده از عذراء (راسیلفیا) میدانستند

و در باره (یولیوس) قیصر می گفتند که او پسر خداست و نیز می گفتند که (اوگسطوس) قیصر انسان و خدا است و ذکر خدا بودنش در شعر ویرژیل وارد است - در بیتی که میگوید که او پسر ژوف است (یعنی مشتری) و برایش بتخانهای ساختند که او را در آنجا عبادت می کردند - و برای آن بت خانه کهنه و رؤسائی معین کرده بودند که در آنجا به پرستش او قیام نمایند

و (کلوریوس) را خدا می دانستند - و پادشاهان رومیه باین اسمها و لقب ها موسوم بودند - پروردگار ما - آقای ما - خدای ما -

و در باره اسکندر مقدونی که ۳۵۶ سال پیش از مسیح متولد شده بود می گفتند که او خدای زمین است و او پسر مشتری از مادر بشری است که موسوم به (اولمپاس) است و یکمرتبه زیارت کرده بود بت خانه عمون را که در صحراء لیبیان محکم ساخته شده بود و در آنجا آوازی را شنید که باو میگفت توئی پسر خدا و از آن زمان نافذ گردید امرها و حکمهایش



همچنین اسکندر پسر مشتری عمون و كذلك سقراط در شعرش اسکندر را یاد کرد که او خدا و پسر مشتری است و گاهی بطليموس را که یکی از سرکرده هائی است که با اسکندر مقدونی بود خدا قرار میدادند و بطليموس بعد از فوت اسکندر پادشاه مصر شد و رعایایش او را بطليموس نجات دهنده مینامیدند و معنای کلمه صوتر که بطليموس را بان متصف مینمودند نجات دهنده است

و از سیروس - پادشاه فرس میگویند که او ماده خدائی است و او را مسیح و خداوند مسموح مینامیدند

و در باره بلاتومی گویند که او پسر خداست و ولادتش در آن ۴۲۹ سال پیش از عیسی علیه السلام بود - و معتقدند که او زائیده شد از دختر باك و پاکیزه

و در باره ایریس گفته میشود که پدر بلاتواست در عالم خواب خبر شد بآنکه مقاربت نکند با آن دختر و دست به طرفش دراز نکند تا آنکه بگذارد بار حملش را بواسطه آنکه او آبستن است از خدا (ایولو) و مادر ایولو (نیوس) میگوید که در خواب یکی از خدایان باو گفت که بزودی ایولو از تو متولد میشود و پس از چند روزی زائید ایولو را و چون بزرگ شد از معلمین بزرگ گردید و کارهای عجیب و معجزات از او ظاهر شد و تاریخ او ۴۰ سال قبل از مسیح است در باره فیثاغورس میگویند که او خدا است و آنکه مادرش باو حامل شد از طیف که بر او ظاهر شد (وطیف

روح القدس است) چه شوهر مادرش پس از آن فقط طیف نامیده میشد و در خواب باو گفتند که زوجه اش پسری میزاید که بهره مند میکند مردم را

و معتقدند که (اسکولابیوس) که صاحب قوه ها و معجزات عجیب بود پسر خدا متولد شده از مادر بشری موسوم بکوروئیس است و سؤال کردند اهالی میسین کهنه را از زمان ولادتش و از محلی که در آنجا متولد میشود و از اسم پدرش جواب دادند که پدرش خداست و اسم مادرش بشری کوروئیس و اسم موضعی که در آنجا متولد میشود شهر ابیدوس است

و سکنه رومیه معتقدند بخدائی سمعان سامری که ملقب است به ماغوس یا (ساحر) و معاصر با مسیح علیه السلام بود و میگفتند که معجزات و کارهای غریبی از او بظهور رسید و تصویرش را با تصاویر خدایان موضوعه در آن شهر منظم کردند یوسبیوس مورخ نقل کرد از ثوستین شهید که رومان ها معتقد بودند بخدائی سمعان ساحر و این عبارت بر پل فوق نهر تبیس منقوش است (هر اینه سمعان خداوند منزّه است)

سکنه شمالی اروپا مانند سوئد و نروژ و هلند و غیر ایشان متصف میکنند پهلوان های خودشانرا بخدائی و میگویند که آنها اولادهای خدا (اودین) میباشند

و شعرا را نیز متصف بخدائی مینمایند و میگویند که (تورهو) اول مولودی است که زائیده شد از خدا (اودین)



در باره (بلدور) عقیده دادند که او صالح و نجات دهنده و پسر خدا (اودین) است و مادرش خدا (فریجا) است و سکنه مکزیك پیش از رقتن (کریستف کلپ) بسوی آنها با اصناف بسیاری پرستش میکردند خدای نجات دهنده را که اسمش کوتزلکوتل بود زائیده شد از دختر بکر که عادت زنانه نداشت و با کیزه بود و قائلند که رسولی از طرف آسمان آمد و مادرش را بشارت بچملش داد بی هم خوابی مردی و مادرش عذرا حویشیکرال ملکه آسمان بود و میگویند که مادرش او را در بلاد نولا (یعنی تملوبلان) زائید (مایایوکا تان) در امریکا معتقد است که خداوند (زاما) همان خدا (کنیشاهان است) اهالی (کلومی) عقیده داشتند بخدائی که اسمش (بوشیکا) مولود است از پدر بزرگ و برای سکنه (نیکازاکا) خدائی است که صوماتویو خوانده میشد و قائلند که او پسرش را بدینا فرستاد و اسم آن پسر (ئیوتبلاهی) است که تعلیم کند اهل دنیا را و راهنمایی کند ایشانرا و سکنه پرو پرستش مینمودند آفتاب را و میگفتند که او چون سختی حال مردم را دید پسرش مالکورا فرستاد تا تعلیمات دهد و ارشاد کند ایشانرا براه راست (اودسیوکالی فرنی) میگویند که خلاق بزرگ (نیارا کا) پسر (کواکاک) را فرستاد و آمد بزمین تا راهنمایی کند هنود را و آنها را دین بیاموزد بالاخره دشمنانش او را کشتند و میپرستند

او را برای آنکه او سزاوار پرستش و تعظیم است و اینده واسطه بین خدا (نیارا کا) و اهل زمین است. (ایرو کویسیون) پرستش مینمایند خدائی را که از یکجهت انسان و از جهت دیگر خدا میشارند که مجسم و ظاهر در عالم ناسوت شده در نزد ایشان موسوم است به (انار نیکواکانا) و ایشانرا قوانین تعلیم کرد و برای آنها تأسیس حکومت نمود و ایشان قائلند که او روح بزرگست اجبوايو از هنود امریکا نیز معتقدند بخدائی که در ناسوت ظاهر شده و او را میشابویخ مینامند و او متولد شد از بکر خدای آسمان «منیو تاغا» و او متولد شده از مادر بشریه و بسیار احترام میکنند از این خدای مجسم و میگویند که او نجات دهنده مردم است بت پرستها غیر از این خداهای مذکوره خدایان بسیاری قائلند و هر که مایل است باطلاع از آنها رجوع کند بکتابی که اعتماد نمودیم بان کتابها در این تالیف و اسامی آن کتب در اول کتاب مذکور است.

### مریم عذراء مادر خداوند (عیسی مسیح)

اما قول نصاری در باره مریم عذراء که او مادر خداست مثل مادر خدایان نزد بت پرستان جای انکار نیست و از روشنائی آتش در بالای منار واضح تر است باندازه که انشاء اشعار برای تعظیم مریم می کنند و زاری مینمایند بطرفش در روزهای



معینی که آن روزها را « ایام المریمه » میگویند و مریم را ملقب مینمایند به ملکه آسمان و آنچه از این قبیل است از اوصافی که دلالت بر بزرگی و خدائی دارد

انجیل لوقا « طبع یسوعیه » باب اول شماره ۲۸

« پس فرشته نزد او داخل شد و گفت سلام بر تو ای نعمت رسیده خداوند باتو است و تودر میان مردم مبارك هستی » و قول باین که مریم مادر خداست در مجمع افسوس سنه ۴۳۱ بعد از مسیح ثابت شده .

دوان « ۱ » مینویسد بطوریکه نزد بت پرستان برای خدایان ما در هائی است که احترام می کنند آنها را والقباب داله بر تمجید برای آنها ثابت میکنند همانطور نزد نصاری از برای خدا مادری است که تعظیم مینمایند او را و از برای او القابی قائل میشوند که بت پرستها برای مادر خدایان خود قائل هستند و تاکید میکند این مطلب را نقشهائی که تصویر میکنند مریم را بانصورت که در دامن گرفته است پسرش مسیح را مثل نقشهائی که تصویر می کنند بت پرستها مادر های خدایان خود را .

دیگر آنکه چینی ها صورت خدا « شینمو » را از بین خدایانشان در بهترین محل از خانه میگذارند و تجلیل مینمایند او را بپارچه از حریر بطوری که بیشتر نصاری بصورت مریم عذرا تجلیل مینمایند و بت پرستها باسم مادر خدا بتخانهای

(۱) دوان از کتاب مذکور سابقش صفحه - ۳۲۶ ۳۲۸

می ساختند مانند بتخانه مادر خدا « متسوبو » بطوری که نصاری کنیسه ها را باسم و لقب مریم مثل کنیسه سیده و کنیسه العذراء ساخته اند قدامآ از اهل مصر مادر خدا « ایسیس » و مادر نجات دهنده « هورس » را با اسمهای متعدده و القاب مختلفه میخواندند که از جمله آنها است سیده ملکه آسمان ستاره دریا - مادر خدا شفاعت کننده - عذراء - و غیر ذالک و تصویر میکردند مادر « هورس » را که نشسته بر ماه نو و اطرافش ده ستاره است بطوریکه تصویر مینمایند نصاری مریم عذرا را که نشسته بر ماه نو و اطرافش دوازده ستاره است چیزی که هست نقشهائی ما در خدای بت پرستها سبقت دارد بر نقش مادر خدای نصاری بقرنهای بسیاری « قدیس ابیفانوس » در باب عبادت مصری ها بعذراء مذکوره مادر خدا میگوید .

( شبهه نیست که در باب عذراء و آستن شدنش از قدیم بایشان وحی آمد .

« بونویك » « ۱ » میگوید در کتاب عهد قدیم نصاری که اسمش سفر اخبار اسکندریه است وارد است «

» که ملاحظه کنید چگونه نقش کردند اهالی مصر ولادت عذراء پس ولادت پسرش را « و این عین همان چیز است که نصاری در خصوص ولادت مسیح میگویند با آنکه مابین این دو قصه زمان طولانی فاصله شد .

(۱) بونویك در کتاب دین مصرها صفحه ۱۴۳



عید دخول مسیح در بتخانه و پاك نمودنش عذرآء را که این عید در دوم ماه شباط رومی واقع میشود ماخوذ از قانون مصری است برای آنکه مصریها از جهة اجلال و تعظیم عذرآء « نایث » در همین روز دوم شباط عید میگرفتند اهالی بابل و آشور پرستش کردند عذرآء را بگمان آنکه او مادر خداست و تصویر کردند این عذرآء را که پسرش « خدا » در دستش بود چنانکه این حال نصاری است تماماً و اسم این عذرآء « میلینا » است و اسم پسر نجات دهنده اش « تموز » و ملقب است بواسطه و نجات دهنده در جزیره قبرص بتخانه ایست که اسم آن بتخانه عذرآء میلینا است و آن بزرگترین بتخانه ایست که در زمان یونانی ها بود و مشعر است بر بزرگی ایشان

یهود نیز در لجه های دریاهاى بت پرستی شدند بدرجه که آفتاب و ماه و ستاره ها را پرستش میکردند و از انسان قربانی باین خدایان تقدیم می نمودند از جمله معبود ایشان دختری بود که او را ملکه آسمان مینامیدند همانطوری در سفر ارمیا است باب ۴۴ از شماره ۱۶ - ۲۲ « یهود در جواب ارمیا گفتند ما ترا در این کلامیکه باسم خداوند بما گفتی گواه نخواهیم گرفت بلکه بهر چیزیکه از دهان ما صادر شود البته عمل خواهیم کرد و برای ملکه آسمان بخور سوزانیده هدیه ریختنی بجهت او خواهیم ریخت چنانکه برای خود ما و پدران ما و پادشاهان و سروران در شهر های



یهودا و کوچه های اورشلیم میکردیم زیرا که در آزمان از نان سیر شده سعادت مند میبودیم و بلارا نمی دیدیم اما زمانی که بخور سوزانیدن را برای ملکه آسمان و ریختن هدایای ریختنی را بجهت او ترك نمودیم همه چیز شدیم و بشمشیر و قحط هلاک گردیدیم و چون بجهت ملکه آسمان بخور میسوزانیدیم و هدیه های ریختنی برای او میریختیم آیا بی اطلاع شوهران خویش قرصها جهت او می پختیم و هدیه ریختنی بجهت او میریختیم (

و چیزیکه در باب ولادت (مرها) مادر خدا (باخوص) نزد رومانی ها شهرت دارد شباهت تام و تمامی دارد بچیزی را که در انجیل متی باب اول شماره ۱۸ تا شماره ۲۰ وارد شده است قدیس ژیروم اسم مرها را بمریم تفسیر کرد مرها ملقب بود به خداوند دریا مریم حالیه ملقب است به ستاره دریا یونانیها مینامند مادر خداوندی را که دختر و موسومه به \* اژنو \* بود ملکه آسمان و پرستش میکردند او را و اعتقاد داشتند که او حافظ زنها است از گهواره تا قبر همانطوریکه حالیه همین عقیده را نصاری در حق مریم عذرا دارند

## فصل پنجم

ستاره هائیکه وقت ولادت یکی از خدایان

در مشرق ظاهر شدند

و استدلال محوس و حکما بر محل ولادتشان بواسطه یکی



از انستاره ها و آمدنشان برای سجده کردن آنخدایانی که در ناسوت ظاهر شدند از عذرانی که پر شده از نعمت بود (عقیده بت پرستها)

(بنسون) (۱) میگوید در کتب مقدسه بودائی ها مسطور است که آسمانها وقت ولادت بودا بشارت داده شدند بستاره درخشنده که درافق ظاهر میشود و آن ستاره را در آن کتب مقدسه ستاره مسیح مینامند

(بیال) (۲) مینویسد که فونیهنگ گفت زمان تجسم بودا ستاره (لوی) با آفتاب در حال مقارنه واقتران بود و حکما را در کتب خودشان (قدسین رشی) میخواندند و این مردهای حکیم اشخاصی بودند که بعلامات آسمانی عالم بولادت مسیح (بودا) بودند و در کتب مقدسه نزد هنود که (رمیانا) نامیده میشود وارد است که ولادت (راما) در نهم ماه (اکتبر) بود و در وقت ولادتش مشتری در برج سرطان بود و (راما) ویشنو است در عالم سفلی

چون کرشنه متولد شد ستاره هایش در آسمان ظاهر شدند و آن ستاره ها را پیغمبر ستاره شناس موسوم به نارید بزرگ معلوم کرد و تمامی خدایانی که ظاهر در ناسوت شدند دلالت کرد بولادتشان ستارهائی که برای آن ولادت تکوین شدند (ثورتن) (۳) میگوید که اهالی چین معتقدند که

(۱) بنسون در کتاب مسیح فرشته ۲۲ و ۲۳ و ۳۳ (۲) بیال در کتاب تاریخ بودائی صفحه ۲۳ و ۳۳ (۳) ثورتن در کتاب تاریخ چینها جلد اول صفحه ۱۷۳

هنگام ولادت (یو) که زائیده شده از عذراء است کوکی ظاهر شد و دلالت بر آن ولادت نمود (یو) کسی است که تأسیس کرد دولت اولی حکومت چین را

و میگویند وقت ولادت حکیم لاوتر در آسمان ظاهر شد ستاره که دال بر ولادت او بود

ورومانی ها قائل بودند که در هنگام ولادت هر يك از قیصره کوکی در آسمان ظاهر میشد و مثل این عقیده را یونانی ها داشتند و قائل بودند که وقت وفات یکی از قیصرها یکی از آن کوکیها مختفی میشد تستیوس مورخ یونانی مینویسد که در زمان اتصال تیرین ستاره دنباله داری ظاهر شد و این دلالت دارد بر آنچه را که بین مردم مشهور است بر تبدیل حکام و خلع پادشاهان و کوکی ظاهر گردید و دانستند مردم که بر اثر ظهور آن کوکب خلع (نیرو) بطور یقین واقع میشود و از همدیگر سؤال از خلیفه و جانشین او میکردند

(امبرلی) (۱) میگوید در زمان امپراطور هدریان مرد یهودی ظاهر شد بعد از مسیح علیه السلام بیکصد سال و دعوی کرد که او پسر مسیح است و قوم خود را تحریک و جمع کرد و رئیس لشکر ایشان گردید و بیادشاه رومان حمله کردند و این دعوی گناه بزرگ بود و خود را پسر ستاره نامید و شبهه نیست که این اشاره نجمیه منجر بامریکا گردید زیرا که این اشاره نجمیه رمز گردید برای نجات دهنده

(۱) امبرلی در کتاب تجزیه ایمان صفحه ۲۲۷



(کوژلکوتلی) که متولد شده از عذرا بود

(قس دکتر ژیکس) (۱) مینویسد که شایع گردید عقیده ها در حادثه های خارق العاده خصوصاً در وقت تولد باوفات یکی از اشخاص بزرگ و اشاره بود باین وفات یا تولد ظهور کوكي یا ذوقنی یا اتصالات اجرام آسمانی در کلام (زردشت) وارد است که در ایام اخیره حامل میشود عذرا پسری را در زمان وضع حملش از آن پسر کوكي در وقت ظهر ظاهر میشود و این ظهورش در وقت ظهر برای کثرت وقوت نورش است

کوكي در وقت تولد مسیح از مشرق ظاهر شد

از کلمات گذشته ظهور کوكي در شرق بعقیده بت پرستها که آگاه میکرد حکماء را بر محل ولادت پسر خدا یا نشان معلوم گردید و همین طور است استدلال کردن مجوس بر محل ولادت عیسی مسیح بکوكي که دعوی میکردند این ستاره برای ایشان در وقت تولد مسیح ظاهر شد الا آنکه معلوم نیست که این ستاره عیناً همان ستاره ایست که حکماء استدلال میکردند بر آن ستاره بتولد پسران خدا یا نشان یا غیر آن ستاره است و همچنین معلوم نیست که این ستاره از همین ستاره موجوده پراکنده در فضا هست که این ستارگان میلیون میلیون میلها از ما دورند و هر يك از آنها میلیون میلیون مرتبه از

(۱) ژیکس در کتاب حیات المسیح جلد اول صفحه ۱۴۴

زمین بزرگترند یا آنکه نازگی بواسطه دلالت بر زمان ولادت بالخصوص ایجاد شدند و معلوم نیست که بعد مابین این ستاره و زمین چقدر است و معلوم نیست که چرا بواسطه ایجاد این ستاره خللی در ناموس جاذبه پیدا نشد نهایت چیزیکه برای ما معلوم است این است که بت پرستها آزادی نامی داشتند در پذیرفتن آنچه را که نزد ایشان پسندیده است از اقوال و اعتقادات واهی باطله

در انجیل متی باب دوم شماره اول و دوم (چون عیسی در ایام هیزدوس پادشاه در بیت لحم یهودیه تولد یافت ناگاه مجوسی چند از مشرق باورشلیم آمدند گفتند کجا است آن مولود که پادشاه یهود است زیرا که ستاره او را در مشرق دیده ایم و برای پرستش او آمده ایم)

## فصل ششم

ظهور جنود آسمانی که تسبیح و تقدیس میکردند زمان تولد یکی از خدایانی که در ناسوت ظاهر شدند

عقیده بت پرستها

در کتاب ویشنو پورانا ذکر شده (عذراء دیفا کی حامل شد بزمامدار عالم تمجید کردند عذرا دیفا کی را خدایان روز ولادتش مسرت تمام عالم را فرا گرفت و تمامی کاینات منور گردید خدایان آسمان سرود خواندند و ارواح تغنی مینمودند



بکلمات شیرین چون آن معاون موجودات متولد شد ابرها  
آوازهای خوب خواندند و گل باریدند)

و در زمان تولد بودا همین طور قائلند و آنکه سکنه  
زمین نغمه های موسیقی طرب انگیز شنیدند و آسمان عطریات  
و گل بارید و نسیم خوش وزید و زمین را نور غریبی روشن ساخت  
(فوننهک) میگوید ارواحیکه احاطه بعدرا مایا و پسرش  
نموده بودند شروع به تسبیح و تبریک خدای یگانه کردند  
(برای تو است بزرگواری ای ملکه مایا پس خوش باش و تهلیل  
گوی برای آنکه فرزندی را که زائیدی پاکیزه است)

وریشی و دیفاس که ساکن در زمین هستند با خوشحالی  
بزرگ آواز کردند

(در امروز متولد گردید بودا برای خیر مردم و زایل  
کردن جهل ایشان)

و پادشاهان چهار گانه آسمان ندا کردند (الان متولد  
گردید بودا بخشاینده خوشحالی ها و خوش وقتیهای عالم)  
پس جمع شدندخدایان آسمان و بکلام فصیح خواندند (امروز  
متولد شد بودا در زمین تا مردم را خیر و سلامت بخشد و  
مکانهای تاریک را روشن نماید و کوران را بینائی عطا کند  
(سوژون فرنسیس داویس) (۱) مینویسد که چینی ها قائلند  
که پیش از ولادت کونفوسیوس فیلسوف چینی در وقت شامی  
که متولد میشد علامات آسمانی ظاهر گردید مادرش بگوش

(۱) داویس در کتاب مذکور سابقش

خود شنید آوازهای موسیقی آسمانی را چون متولد شد این  
نوشته بر سینه اش ظاهر شد (موجد شریعتی که مصالح عالم است)  
(پریچارد) « ۱ » میگوید که چون (اوسیریس نجات  
دهنده) متولد گردید صدائی شنیده شد « که زائیده شد  
فرمانده زمین »

« بونویک » (۲) مینویسد که مصریهای قدیم میگویند زمان  
ولادت « اوسیریس » شنیده شد منادی می گفت متولد شد  
پروردگاری برای ما که نامش اوسیریس است و بعضی از ایشان  
قائلند که در شهر تبس در بتخانه عمون وقتی زنی میرفت که  
آب برای بتخانه بیاورد این صدا را شنید و مامور شد که اعلام  
کند که « بزودی متولد می شود خدا » سیروس

و چون متولد گردید « اپولونیوس » مولود آسمانی خوشحالی  
و خوشوقتی های بزرگی در عالم ظاهر شد « فلافیوس فیلو  
ستراتس » مورخ زندگی اپولو نیوس مینویسد که در اطراف  
مادرش دسته از مرغابیان حلقه زدند و پر افشانی کرده بال  
میزدند و بصوت محزون واحدی نغمه سرائی مینمودند

چون در جزیره ویلوس اپولو از عذرا \* لاتونا \* متولد  
گردید خدایان زنده در اولیمپوس مسرور شدند و زمین متبسم  
و آسمان خندان گردید

و زمانی که متولد شد هرقل پسر نجات دهنده پدرش

(۱) پریچارد در کتاب خرافات مصریها صفحه ۵۶ (۲) بونویک در

کتاب اعتقاد مصریها صفحه ۳۲۵



خدای خدایان ، \* زوس \* از آسمان آواز داد و گفت در امروز متولد میشود از سبط برسیوس والته قوی ترین مردمان خواهد بود .

در زمان طفولیت اسکو لابیوس چون اراده کشتنش را کردند از خداوند \* اپول \* آوازی را شنیدند که میگفت این پسر و مادرش را نکشید برای آنکه این پسر برای بجا آوردن اشیاء بزرگ زائیده شد و او را نزد حکیم سنطور شیرون ببریدش و امرش کنید تا آنکه تربیت و تهذیب کند این پسر را بحکمت ایشان و تعلیم دهد او را کار های شجاعانه برای آنکه مردمانیکه در قرون آینده اند از اسم این پسر تمجید نمایند جنود آسمانی که هنگام ولادت عیسی مسیح

ظاهر شدند

معتقدات فرقه هالکه قرون ماضیه بت پرستان در باب ظهور جنود آسمانی هنگام ولادت یکی از خدایان ایشان معلوم گردید و نصاری هم عیناً همین عقیده را دارند در وقت تولد مسیح الا آنکه بما معلوم نیست که لشکر آسمانی وقت ولادت پسران خدایان بت پرستان بیشتر بودند یا وقت تولد خدای نصاری و یا آنکه در تمام جهات مساوی بودند برای آنکه تمام مولود ها بگمان ایشان پسران خدایانی هستند که آمدند که بخون خودشان از مردم فداکاری نمایند و متعرض این مساوات و اختلاف نشدند بر حسب اطلاعات ما و شاید در زمان آتیه

دائره این مذاکره وسعت پیدا کرده تساوی و اختلاف معلوم شود .

انجیل لوقا باب دوم شماره ۱۳ و ۱۴ \* در همانحال فوجی از لشکر آسمانی بافرشته حاضر شده خدا را تسبیح کنان می گفتند خدا را در اعلا علین جلال و بر زمین سلامتی و در میان مردم رضامندی باد

## فصل هفتم

استدلال بر طفل الهی و اکرامش به هدیه ها

عقیده بت پرستها

از جمله قصه های کرشناویه این است که این بچه خدائی در بین شبانان در گهواره گذاشته شد و انشبانان اول کسی بودند که دانستند بزرگی و جلالتش را که می رسانید خدائی او را و شناخته بودند که اوست نجات دهنده که وعده باوشده بودند و اول کسی که شناخت او را از آن شبانان شخصی بود موسوم به شبان ( نندا ) پس از او رفقاییش و تمامی سجده کردند او را و این خبر بسمع نبی هندی ( نارید ) رسید رفت در شهر کوکول - و زیارت کرد پدر و مادرش را - و پس از جستجو کردن در قواعد نجومی ثابت کرد که او از اصل خداوند است شبانان برای کرشنا چوب صندل و بوی خوش تقدیم کردند و در قضیه طفل الهی بودا - قائلند که در زمان



ولادتش زیارت کردند او را مردمان حکیم و علامات لاهوتیه اش را شناختند و او را خدای خدایان نامیدند - و میگویند که قدیسی که موی سرش سفید شده و اسمش (اسیتا) بود باغریا برای دیدن طفل الهی آمد و این قدیس (اسیتا) صداها را زمینی را نمی شنید ولی صداها را آسمانی را می شنید و او در حال نمازش در زیر درختی آواز (ریفاس) را از ولادت بوداشنید (فیکونت امبرلی) میگوید که بت پرستها قائلند که اسیتا که یکی از بزرگان ریشی (یعنی زهاد) است زیارت کرد بودارا و از عظمت و جلالش در آینده مطلع شد و گریه کرد برای آنکه او پیر بود - و امید نداشت که باقی بماند تا به بیند روزی را که تعلیم بگیرد ناموس نجات را بطوریکه آن بچه الهی تعلیم خواهد نمود و گریه کرد برای آنکه او کهن سال بود و امیدوار نبود دیدن چیزهایی را که در آتیه حادث میشد و برای آنکه (بهاکامن) (یعنی خداوند قادر) (بودا) در جهان آمده برای نجات و برای تعلیم دادن مردم و شفا دادن پیران و بیماران و صاحبان درد - و مرده ها و برای نجات مردمیکه در قفس فساد طبیعت بودند و از برای گشودن چشم روحی اشخاصیکه کور کرد آنها را تاریکی جهالت و از برای حمل کردن صد هزار ملیونها از مردم را براه راست و از برای نفع آنها بواسطه زندگی همیشگی - و اینکه این زاهد گریه کرد و غمگین شد بجهت زیادی گمان به ندیدن بودای کامل بود و پس از زیارت برگشت بخانه که در کوه بود با خوشحالی برای متمکن گردیدنش

از زیارت ان مولود نجات دهنده در حال طفولیتش و صورتهائی که در غار - اژدانتا یافت میشود مثل کردند اسیتا را که در دستش بچه خدائی (بودا) است - و این زاهد میگوید جنبه لاهوتی او را بعلامات فوق العاده شناختم تمجید کردند بودا را زهاد قدیمی که شناخته بودند او را و بواسطه دیدن و شناختن بودا واصل برحمت شدند و از مادرهای این خدایان میگویند که در وقت زائیدن این خدایان احساس درد و المی نکردند - و این کاشف است که این مولود شخص عجیبی خواهد شد

(مترا) نجات دهنده عجم و واسطه بین خدا و مردم زمانی که متولد شد زیارت کردند او را حکمای مجوس و پیش کش کردند او را هدیهها از طلا و بوی خوش و گیاه تلخ بر حسب روایت بلاطو چون متولد شد سقراط پیش از مسیح به ۴۶۹ سال سه مرد از مجوس از طرف مشرق آمدند در محل ولادتش و هدیههایی از طلا و بوی خوش و خوردنی تلخ باو تقدیم کردند

نجات دهنده (اسکولابیوس) که متولد از عذرا گردید گوسفند او را از ناملايمات حفظ نمود زیرا گوسفند زمانی که دید آن مولود را دانست که او خداست و خبر ولادت عجیبش انتشار یافت و برای دیدنش مردم از اطراف آمده او را سجده کردند بسیار از آنهایکه در نزد رومانی ها و یونانی ها متصف بودند به صفت خدائی تربیت کردند ایشان را شبانان و سجده کردند



یکی از آنها (ورد مولوس) است که شبانان او را در کنار  
نهر (تیر) یافتند و (بارمی) پسر بریان او را شبانان تربیت  
کردند و (اوژیوس) را مادرش بدور انداخت و شبانان او را  
یافته تربیت کردند

و مانند اوست (اسکولاییوس) و غیر این اشخاص از  
آنهاست که تاریخ اسامی ایشانرا ضبط کرده است

### نزد نصاری

چنانچه استدلال میکردند بر مولودهای خدائی مثل بودا  
و کرشنه و غیرشان و پیشکشی هدیه های گران بها برای ایشان  
از اشخاصی که شناختند ایشان را از شبانان یا مجوس یا ستاره  
شناسها همینطور استدلال مینمایند از مسیح  
انجیل متی باب دوم شماره اول تایازده

(چون عیسی در زمان هیرودیس پادشاه در بیت لحم  
یهودیه تولد یافت ناگاه مجوسی چند از مشرق باورشلیم آمده  
گفتند کجا است آن مولود که پادشاه یهود است زیرا که ستاره  
او را در مشرق دیده ایم و برای پرستش او آمده ایم . . .  
و بخانه درآمده طفل را بامادرش مریم یافتند و بروی  
در افتادند او را پرستش کردند ذخایر خود را گشوده هدایای  
طلا و کندر و مرّ بوی گذرانیدند)

و مثل این در انجیل لوقا باب دوم مذکور است  
مگر آنکه مینویسد اشخاصی که او را دیدند شبانان بودند و

و مجوس نبودند و همینطور انجیل مصریین می نویسد اشخاصی  
که برای دیدنش آمده بودند و هدیه تقدیم کرده بودند شبانان  
بودند و مجوس نبودند

## فصل هشتم

(محل ولادت بعضی از خدایانی که در ناسوت ظاهر شدند)

### (نزد بت پرستها)

کرشنه در غاری متولد شد و بعد از تولدش در قرق گاه  
گوسفند گذاشته شد و تربیت کرد او را یکی از شبانان امین  
(هوتسی) پسر آسمانی است نزد چینی ها و او را مادرش  
در حال کوچکی وا گذاشت و گاو و گوسفند باو متوجه شده  
و با اتمام تمام محافظتش کردند

(باخوص) متولد شده از عذرا (سمیل) او را مادرش  
در غاری زائید و میگویند که در جای دیگر زائید و بعد از  
آن او را در آن غار برد .

(فیلوستراس) که خطیب یونانی سفسطی است مینویسد  
که اهل هند میگویند که بوخص متولد شد در (بنیس) و  
تربیت شد در غار کوه مروس

و (سکولاییوس) پسر خدا مولود از عذرا (کوردر  
نیس) پس از وضع حمل مادرش در کوه وا گذاشت او را و  
یافت او را چوپانی و تربیتش کرد و اهتمام باو نمود .



(روبولس) پسر خدا مولود از عذراء (ریاسلفیا) وا گذاشت او را مادرش در کنار نهر (تیر) و دریافتند او را شبانان و تربیتش کردند و اهتمام نمودند باو (ادونی) پروردگار نجات دهنده گذاشته شد در غاری بعد از ولادتش باندگ زمان و (آپولو) پسر (زوس خدای قادر متولد شد) در غاری هنگام صبح (متراس) نجات دهنده عجم او نیز در غاری وقت صبح متولد گردید

(وهروس) پسر خدا متولد شد از عذرا (مایا) هنگام صبح در غار کوه کیلمان (اتیس) خدای فریجین هم در غاری متولد شد

هنود میگویند چون کرشنه متولد شد شکل مادرش تغییر کرد صاحب يك جمال و بهائی گردید که مثل و مانند نداشت و نور آسمانی ظاهر شد و آن غار را روشن نمود و از صورت پدر و مادرش شعاع های نورانی پیدا بود

و میگویند که چون بودا نجات دهنده جهان متولد گردید نور آسمانی بچسبش احاطه نمود که بان نور بودای يکاه مبارك ممتاز شد و همچنین بدنیا آمد با همان نوری که بی نظیر بود (باخوص) بعد از تولدش بکھواره اش دایره از نور احاطه کرد و شست شو دادند لشکر آسمانی او را باب صاف و کمر بندی از طلا بکمرش بستند

(اسکولابیوس) بعد از ولادتش صورتش مانند آفتاب منور شد و اشعه آتشی باو احاطه کرد

درباره (زردشت) قائلند که بی آلاش متولد شد (یعنی بدون پهلوی خوابی مردی بمادرش) بلکه مادرش از شعاع نور خدا حامله شد و چون متولد شد ظاهر شد از جسمش نوری که از آن نور غرقه روشن شد و برای مادرش خندید

و نیز هنود قائلند که چون نزدیک گردید ولادت کرشنه (ناندا) رفته بود برای دادن مالی که از پادشاه مکوسا بر دمه اش بود و مادر کرشنه در حال حمل او به همراهش بود در بین راه مادر کرشنه را درد زائیدن گرفت و کرشنه را در زیر درختی زائید در روایت دیگر آنکه او را در کاروانسرائی زائید

(لاوتسر) حکیم چینی او را مادرش در حالیکه از خانه اش دور بود در زیر درختی زائید

(فیثاغورس) که ۵۷۰ سال قبل از عیسی مسیح (ع) بود مادرش باو آبستن گردید از روح القدس و درسفر زائید او را با پدرش سامو وقتی که بجانب صیدا برای تجارت رفته بود

### محل ولادت عیسی مسیح

ذکر کردیم آنچه را که بت یرستها قائلند از امکنه که متولد شد در آنجا خدایا نشان مثل کرشنا و بودا و غیر آنها و حالیه ذکر میکنیم آنچه را که در باب مکان تولد عیسی مسیح خدای مبشرین کرام وارد شده شاید ایشان از مزاحمت دین اسلام دست بردارند و بر تأمل در عقاید



خودشان واقف شوند و برای اخذ چیزی را که بهتر است قبول دار شوند و عاقبت بخیر گردند اگر چه بنادانی گذشت سابقه ایشان

انجیل لوقا باب ۲ شماره ۱۵ - ۱۶ - ۱۷ ( چون فرشتگان از نزد ایشان باسمان رفتند شبانان با یکدیگر گفتند الان به بیت لحم برویم و این چیزی را که واقع شده و خداوند آنرا بما خبر داده به بینیم پس بشتاب رفته مریم و یوسف و آن طفل را در آخور خوابیده یافتند چون این را دیدند آن سخنی را که در باره طفل بدیشان گفته شده بود شهرت دادند

و این سه شماره کفایت میکند ما را از ذکر شماره های دیگر که در خصوص ولادت مسیح در آخور وارد شده بطوریکه خدایان رومانی و یونانی ها متولد شدند و از نزد آن خدا ها انجیل های متعدده وارد شده و بطوریکه خدایان بودائی ها و براهمه و غیر آنها متولد شدند همانطور خدای مبشرین یعنی عیسی مسیح متولد شد عجب قول و مقابله ایست ( یعنی بین بت پرستها و نصاری ) فانها لاتعمی الابصار ولكن تعمی القلوب التي فی الصدور )

## فصل نهم

( قول از خدایان مجسم شده که آنها از نسل پادشاهانند )

هنود معتقدند که کرشنه نجات دهنده ایشان از نسل

پادشاهان است و او بحال خضوع و شکسته نفسی متولد گردید و اجداد مادریش در نزد آنها معین و معدود است اما از طرف پدری پس پدرش زندگی کرد در حالیکه پسر خدا بود در قرون بسیاری در باره بودا قائلند که از نسل شاهانست و از خانواده ( سقیا ) است و آن خانواده نامی تر و مشهور ترین اولاد براهمه اند که در شهر های هند حکومت کردند و عقیده دارند که جد اولش ( سمانا ) اول کسی است که پادشاهی برهند و بر دنیا کرده است .

( رامنا ) ویشنو است که در دور هفتم از ظهورش در ناسوت مجسم گردیده و از خانواده سلطنت بود .

\* فوچی \* پسر آسمانی متولد شده از عذراء و از خانواده سلطنتی است که در چین حکومت کرده بودند - کنفوسیوس اهالی چین در باره او میگویند که او از خانواده سلطنتی است و اجدادش را تعداد میکنند بطوریکه اجداد پادشاه \* هواتسکی \* را شماره می نمایند و او سنطنت بر چین داشت مقدار دوهزار سال .

\* هورس \* نجات دهنده متولد شده از عذرا از نسل سلطنتی بود و او را شبان صالح میدانند

\* هرکلوس \* از خانواده سلطنتی بود ( باخوص ) پسر خدا از خانواده سلطنتی بود .

\* بوسیوس \* پسر عذرا ( دانیال ) از خانواده سلطنتی بود .

\* اسکولایوس \* پسر خدا صاحب ایات و عجایب از

تاج پادشاهی بود و غیر اینها بسیارند که بت پرستها در باره آنها



قائلند که ایشان خدایان و پسر خدایان و تمام آنها از نسل سلطنتی بودند و آنچه ذکر شد برای اثبات مدعی کفایت از باقی مینمایند .  
 عقیده نصاری باینکه مسیح خدا و از نسل سلطانست .  
 چنانچه بت پرستان قائلند که پسران خدایانشان از سلاله ملوکانی هستند بطوریکه قبلا ذکر شد همان طور نصاری در باره عیسی مسیح میگویند که از نسل ملوکانی است و متصل می کنند نسبش را بدادود ملك چنانچه در انجیل متی در باب اول و انجیل لوقا در باب سیم مذکور است و این غیر از شمارهای بسیاری است که در انجیلها موجود است و در آن انجیلها پسر داود خوانده شد حتی آنکه شیاطین نزد آنها می که عیسی را از جنس مردم نمیدانستند او را پسر داود مینامیدند انجیل متی باب ۲۲ شماره ۶۱ - ۶۲ و چون فریسیان جمع بودند عیسی از ایشان پرسیده گفت در باره مسیح چه گمان میبرید او پسر کیست بدو گفتند پسر داود

## فصل دهم

❖ عقیده بت پرستان در باب طلب پادشاهان جابر ❖

❖ و کشتن خدایان متجسم را ❖

❖ و چگونگی خلاصی ایشان از دست آنها ❖

❖ عقیده بت پرستان ❖

( زکوت اشوندرا کانگولی ) ( ۱ ) ( و او یکی از بت

( ۱ ) اشوندرا کانگولی در کتاب زندگانی هنود و دیاناتشان صفحه ۱۳۴

پرستهای مسیحی شده هند است ) میگوید بت پرستان هنود قائلند که چون کرشنه متولد گردید منادی از آسمان ندا کرده بپرستارش می گفت بر خیز و فرار کن و عبور کن از نهر جومتا و پرستار اطاعت امر کرد زیرا پادشاه ( قانص ) قصد هلاک آن طفل نجات دهنده را داشت و آن پادشاه عده را از مملکت خود فرستاده بود که هر پسرئی متولد بشود او را بکشند

(هیچین) میگوید که بت پرستهای هند معتقدند که چون کرشنه متولد شد شبانه او را گرفته فرار کردند بشهر هائی که دور از محل ولادتش بود از جهت ترس از پادشاه جباری که باو گفته بودند که کرشنه بعد از آنکه بحد رشد رسد باعث هلاکش میگردد و برای این آن پادشاه امر بکشتن تمامی اطفالی که در آن مملکت متولد شده بودند کرده بود و مثل این قضیه را (سرولیم ژونس) و غیره نقل کردند و در دیوانی که در ۲۰۰۰ سال منظوم شده حکایتی مسطور است از تجسم خدا ( کرشنه ) که متولد شد از عذرا و قصه فرار مریش را با او از دست پادشاهی که امر بقتل اطفال نموده بود و در غار بتخانه موجوده در (الفانتا) صورتهای اطفالی را که بامر آن پادشاه کشته شده بودند موجود است و آن صورتهای و تماها بطور قطع قدیمی است و می بینیم در آن غار که نقش است صورت مردی و در دستش شمشیر برهنه ایست و مباشر قتل اطفال است و می بینم صورت مردی



و زنهایی را که دست ها بدامن آنمرد انداخته اند برای  
بقاء اطفالشان

و درباره (سلفاها) که نجات دهنده و متولد از عذراست  
میگویند (که او را اهالی دماغه (کرن) در هند پرستش  
میکردند) همانطوری را که درباره کرشنه میگفتند از فرار  
مریش با او و از آنکه چون بزرگ شد کشت پادشاهی را  
که اراده قتلش را در طفولیت داشت

و هنوز قائلند که بودا در حال طفولیت خطرات زیادی  
داشت و در جنوب شهر ولادت بودا پادشاه جباری بود  
موسوم به (بمارسا) و این پادشاه از خوف قیام کسی که  
سلطنت او را غصب کند با وزراء خود مشورت کرد برای  
مقدمات حفظ سلطنت از چیزی که از آن میترسید جواب  
دادند که در شمال قبیله بزرگی است موسوم به (سقیما) برای  
آنها پسری متولد شد که مادرش دختر بکر است و اسم آن  
پسر بودا است و ممکن است که از آن پسر برای تو شر بزرگی  
حاصل شود صلاح دیدند که لشگری تهیه کرده اعزام بان  
سمت نمایند شاید آن پسر کشته شود و نزد بودائی های مغولستان  
قصه ایست شبیه همین قصه

و چینی ها هم از (هاؤکی) پهلوان میگویند مثل آنچه را  
که هنوز از بودا میگویند

و مصری ها در باره (هورس) نقل میکنند که متولد  
گردید در موسم زمستان و از ترس از (تیفون) که اراده کشتنش

را داشت در پنهانی تربیت شد

و قصه (سیروس) پادشاه فرس که ۶۰۰ سال پیش از  
مسیح بود در معنی شباهت دارد بحکایات گذشته و هم میگویند  
پدر سیروس خوابی دید و پیش مجوس ذکر کرد خواب خود را  
تعبیر کردند که بزودی از دخترت (فندان) پسری بوجود میاید  
که باعث میشود که سلطنت از تو خارج شود و چون پسر  
متولد گردید او را به (هرباغوس) داد که بقتلش برساند هر باغوس  
آن پسر را بشبانی داد که او را بکشد پس آن شبان او را  
گرفت و پسر خود خواند و او را تربیت کرد چون آن  
پسر به سر حد جوانی رسید بر جدش (استیاخیس)  
قیام کرد و سلطنت را از او گرفت بطوریکه مجوس خبر داده  
بودند و هیردت یونانی این قضیه را باخوابی که مجوس تعبیر  
کرده بودند ذکر نموده است

درباره (زردشت) مؤسس دیانت مجوس میگویند که  
حیوتش در زمان بچه گی در مخاطره بود و از این حقه با مادرش  
بجانب مملکت فرس فراری شد

و مادرش در خواب دید روحی را که باو گفت نترس از  
چیزی که خداوند حافظ این بچه است زیرا که او فرستاده ایست  
که عالم انتظار او را دارند

زندگی (برسیوس) پسر عذراء (دانا) در حال طفولیت  
خطرناک بود برای آنکه (گرسوز) خبر داده بود پادشاه  
(ارغوس) را که بزودی از دختر بکرش پسری متولد میشود



که پس از رشد قاتل او ( یعنی جدش ) خواهد بود پس ارغوس دختر خود را در برجی حبس کرد تا آنکه احدی از مرد ها را باو دست رس نباشد برای حفظ زندگی خود از چیزهائی که مجوس باو خبر داده بودند و در یکی از روزها آن دختر را خدا ( مشتری ) ملاقات کرد و آبتن گردید و پسری زائید موسوم به ( برسیوس ) چون پدرش از زائیدن دخترش آگاه گردید امر کرد که آن پسر و مادر را در صندوقی گذاشته بدربار انداختند مردی موسوم به ویکتیس ایشان را یافت و از دریا نجات داد اسکولابیوس در زمان طفولیتش در کوه الاس لیموت گذاشته شد و او را شبانان یافته تربیت نمودند

( هر قس ) متولد از عذرا ( لیتو ) در صحراء لیموت نهاده شد و او را دختری دریافت و تربیتش کرد ( ادبوس ) مادرش او را بر کوه کسیون انداخت و شبانان او را یافته تربیتش کردند

( تلفوس ) و ( تراجان ) و ( یاموس ) و ( اپولو ) و غیر ایشان بسیارند از اولاد خداها یا نصف خداها که پادشاهان زمانشان کشتن آنها را اراده کرده بودند برای خوف از ایشان و بتوسط امر آسمانی از مزاحمین خود نجات یافتند و از باب اختصار از ذکر آنها صرف نظر نمودیم

( اعتقاد نصاری بانکه هیردوس اراده داشت کشتن

مسیح را و کیفیت خلاصش )

دانستیم عقیده امم هالکة بت پرستهارا در خصوص طلب

پادشاهان حبابره اعدام پسران خدایان مجسمه متولد شدگان از عذرا را و می بینیم اقوال نصاری را از عیسی که مثل اقوال بت پرستان است از خدایانشان

انجیل متی باب ۲ شماره ۱۳ ( بعد از آنکه برکشتند ( یعنی مجوس ) آنگاه فرشتگان پروردگار ظاهر شدند برای یوسف در خواب و باو گفتند که برخیز و بردار کودک و مادرش را و فرار کن بجانب مصر در آنجا باش تا آنکه بتو بگوئیم هیردیس طفل را جستجو خواهد کرد تا او را هلاک کند

## فصل یازدهم

امتحان شیطان پسران خدایان مذکور را

و روزه گرفتن ایشان در مدت چهل روز

نزد بت پرستها

در کتاب ( جیوة بوظا الصیامیه ) از مؤلفات مونکیور کونوی چینی (۱) صفحه ۴۴ و ۱۷۲ و ۱۷۳ مسطور است موجود بزرگ ( بودا ) حاضر کرد نفس خود را برای زهد باندازه که از خوردن دست کشید یعنی روزه گرفت و ترك نمود نفس کشیدن را پس امیرمارا ( یعنی امیر شیاطین ) به نزد او آمد و قصد کرد امتحان بودا را در چندین مرتبه پس از اظهار مهربانی و تملق

[۱] در مجموعه از اشعار کلاسیکی منتشر شده است و همچنین در

کتاب فونهنک که بیان آنرا بزبان انگلیسی ترجمه کرده



باو گفت - (اگاه باش ای بزرگ - که احوالت مجزون می کند هر کسی که ترا به بیند و ضعیف گردیدی بدرجه که وصفش ممکن نیست زیرا که بیهوده ممارست و معاینه مینمائی مذلت را و همچو می بینم که بسیاری در دنیا زیست نمائی و زندگی را به ذلت نگذران بلکه برکرد بسطنت خود در مدت هفت روز خا کم میشوی بر چهار قاره - پس جوابداد او را بودا اگاه باش ای مارا سرکرده شیاطین من میدانم که در هفت روز نفع می بخشم کلیه کائنات را - ولی دوست ندارم ملکی را که این دنیا باشد زیرا که تمسک به دین بهتر است از سلطنت تمام عالم - تو برای شهوات شریره خود خیال داری که مرا اجبار نمائی که واگذارم مردم را بدون رهنا - تا آنکه از مکرها و زیر کیهایت راه گریزی و محل امنی نداشته باشند پس دور شو از من پس بودا سوار شد و رفت و اصرار داشت بر قصد نیکش - و آسمان گل بارید و هوا نسیم عطر آمیز ظاهر ساخت که آن بوهای خوش بسیار تازگی داشت

امتحان کرد شیطان زردشت مؤسس دیانت مجوس را و بچیزهائی بزرگ وعده اش کرد بشرط اطاعت و اطمینان داد بشرط خود - ولی امتحانش هدر رفت - و نزد ایشان حکایات واهی و قصه هائیکست غیر مفیده که بناء آن حکایات و قصص بر امتحان شیطان است زردشت را

و نیز امتحان کرد شیطان کوتزلکوئل را که متولد شد از عنذرا و نجات دهنده برزلی ها است و چهل روز هم

روزه گرفته بود

یونانی ها هر وقت میخواستند که سری از اسرار پنهان را کشف نمایند روزه می گرفتند و خود را از خوردن غذای خوب باز میداشتند و بر متکا های سخت و درشت میخواستند و بعد از آنکه سه یا چهار روز روزه می گرفتند غذای مقدس میخوردند (یعنی غذائی که کهنه ایشان انرا مبارك میکردند) اکوستا و غیره میگویند - که کهنه مکزیك و پرو روزه های خطرناك می گرفتند زیرا که خود را باز میداشتند از خوردن و آشامیدن در مدت ۵ یا ۱۰ روز متوالی پیش از عید های بزرگشن - در شبها کم میخواستند و خود را در مواقع خطرناك می انداختند برای فرار از شیطان - و برای آنکه مشهور شوند بآنکه ایشان روزه گیرانند و توبه کنندگانند و در باره کوتزلکوئل نجات دهنده خودشان می گفتند که بعد از آنکه در معرض امتحان شیطان واقع شد چهل روز روزه گرفت

### امتحان شیطان عیسی را

الان شرح دادیم آنچه را که عقیده بت پرستها است از امتحان شیطان پسران خدایان آنها را - و حالیه میگوئیم بعضی از آنچه را که در انجیل وارد شده از امتحان شیطان عیسی را - انجیل متی باب ۴ از شماره اول تا یازدهم آنگاه عیسی بدست روح به بیابان برده شد تا ابلیس



او را تجربه نماید چون چهل شبانه روز روزه داشت آخر  
گرسنه شد پس تجربه کننده نزد او آمده گفت اگر پسر خدائی  
بگو تا این سنگها نان شود گفت مکتوب است انسان نه محض  
نان زیست میکند بلکه بهر کلمه که از دهان خدا صادر گردد  
آنگاه ابلیس او را بشهر مقدس برد و بر کنگره هیکل بازداشت  
بوی گفت اگر پسر خدائی خود را زیر انداز زیرا مکتوب  
است که فرشتگان خود را در باره تو فرمان دهد تا ترا بدستهای  
خود بگیرند مبادا بایت بسنکی خورد - عیسی وی را گفت  
و نیز مکتوب خداوند خدای خود را تجربه مکن - پس ابلیس  
او را بکوه بسیار بلند برده و همه ممالک جهان و جلال او را نشان  
داده بوی گفت اگر افتاده مرا سجده کنی همانا این همه  
را بتو بخشم پس آنکه عیسی ویرا گفت دور شو ای شیطان  
زیرا مکتوب است خداوند خدای خود را سجده کن و  
او را فقط عبادت نما در ساعت او را رها کرد آنگاه فرشتگان  
آمده او را پرستاری مینمودند

## فصل دوازدهم

نازل شدن پسران خداهای مجسم شده برای رهانیدن

مردگان در جهنم

بت پرست ها را اعتقاد آنستکه خدایان ایشان بعد از  
کشته شدن یا بعد از آنکه بدار زده شدند وارد جهنم شدند

برای خلاصی اموات  
کرشنه نجات دهنده هنوز پیش از رفتنش با آسمان وارد  
جهنم شد برای خلاصی مردگان اودنیس نجات دهنده  
متولد شده از عذرا وارد دوزخ گردید برای رهانیدن  
مردگان

باخوص نجات دهنده متولد شده از عذراء وارد جهنم  
شد برای رهانیدن مردگان

هرقل نجات دهنده متولد شده از عذراء بجهنم واصل شد  
برای رهانیدن مردگان

بالدور خدای سکنه اسکندیناوی پس از کشته شدنش  
وارد جهنم شد برای نجات مردگان

عطارد کله وارد جهنم شد تا آنکه خلاص کند  
مردگان را

کوترل کوتل نجات دهنده مکزیکی ها وارد جهنم گردید  
برای نجات مردگان

و بر همین رویه بت پرستها در باره تمام خدایان خودشان  
قائلند که ظاهر در ناسوت شدند یا بواسطه دار یا بسبب  
قتل وفات کردند برای فدیة از گناهان

ورود عیسی مسیح بسوی جهنم برای نجات آنانیکه

در آنجا معذب هستند

بطوریکه بت پرستان قائل بودند بورود خدا زادهایشان



بجهنم برای نجات معذبها در آنجا همان نحو نصاری قائلند  
بنازل شدن عیسی بسوی جهنم برای رهایی اشخاصی که در  
آنجا معذبند

در دستور مسیحی وارد است که مسیح وارد جهنم  
گردید و آنکه مسیح در روز دوم از میان مردگان بر باشد  
قدیس کریستوم در ۳۴۷ سال بعد از مسیح میگوید که  
انکار نمی کند ورود مسیح را در جهنم مگر کافر

قدیس کلیمندوس اسکندری که در اوائل قرن سیم  
بعد از مسیح بود میگوید که بشارت داد مسیح در انجیل  
اهل جهنم را بطوریکه خود بشارت یافته بود و اعلان کرد  
اهل زمین را تا آنکه ایمان آورند و نجات یابند در هر مکانی  
که باشند و زمانی که مطابق بشارت انجیل پروردگار نازل جهنم  
شد آیا نزولش برای خاطر جمیع است یا برای خاطر  
یهود فقط پس اگر برای خاطر جمیع باشد هر که باو  
ایمان آورده نجات یافت و اگر برای امت هائی است که از  
دیر زمانی بود که تصدیق او را نمودند بان چیز انوقت بلیه  
بر غیر آنها وارد است و موافقت کرده است کلیمندوس را  
در این رای قدیس اوریزن و قائل است ب ورودش در جهنم  
قدیس نیکو دیموس وارد شدن مسیح را در جهنم در انجیلش  
نقل میکنند و ذکر می کند خبری را که بین مسیح و بین  
رئیس شیاطین واقع شد در باب ۱۵ و ۱۷ که اهل جهنم  
نجات می یابند هر که باشد از زنها و مرد ها و اطفال

در اعمال رسولان باب ۲ شماره ۳۱ ( در باره قیامت مسیح  
پیش دیده گفت که نفس او در عالم اموات گذاشته نشود و  
جسد او فساد را نبیند )

در رساله پطرس باب سیم شماره ۱۷ و ۱۸ و ۱۹  
زیرا اگر اراده خدا چنین است نیکوکار بودن و زحمت  
کشیدن بهتر است از بدکردار بودن زیرا که مسیح نیز برای  
گناهان زحمت کشید یعنی عادل برای ظالمان تا ما را نزد خدا  
بیاورد در حالیکه بحسب جسم مرد لیکن بحسب روح زنده  
گشت و بان روح نیز رفت و موعظه کرد بار و احیکه در زندان بودند

## فصل سیزدهم

بر خاستن خدایان از بین اموات

نزد بت پرستها

بت پرستان هند معتقدند به برپاشدن کرشنه از بین  
مردگان و صعودش بجانب آسمان با جسمش و باینکه در زمان  
صعودش نوری ظاهر گردید که آسمان و زمین را روشن کرد  
و اطرافش ارواح آسمانی احاطه کرده بودند و نور آن شی را  
که از بین اموات قیام نموده بود مثل نور روز و لادتش بود  
در خانه « فسودینا » و همه مردم دیدند که آن نور باو توام بود  
تا بهشت و گفتند همه مردم « آن کرشنه است که بالا میرود  
بجانب وطنش « آسمانها »



و «راما» که عین ویشنو است در یکی از ادواز ظهورش در ناسوت پس از اتمام عملیات خود در زمین صعود با آسمان کرد و باز گشت کرد بجنبه لاهوتیتش و به برکت اسم راها و ایمان باو گناهان آمرزیده میشود

وقصه قیام بودا از بین اموات شبیه حکایت فوق‌الذکر است و مینامندش «کمید یو» «وکاما» «وکام» در باره او می‌گفتند که چون فوت کرد اشکها بر او ریزش کرد و اهل زمین و آسمانها بر او محزون شدند برای محرومی ایشان از خدای مهربان حتی آنکه مهادیو [یعنی خدای بزرگ] محزون شد و صدا کرد «برخیز ای دوست پاکیزه» چون بر خاست کاما «یعنی بودا» در حالیکه زنده بود و تبدیل کرد غمها و غصه‌ها را بخوش وقتی‌ها و آسمان بحرکت آمده بخوش وقتی‌ها آواز داد خدائی که گمان میرفت که مرده است و مفقود شده برگشت و خوف جهنم بزرگ شد و آسمان اظهار تعجب کرد و کفن از بودا جدا شد و قبر شکافته گردید بقدرت خداوندی و با همان جسم پس از اتمام کار صعود با آسمان نمود والی کنون تابعیتش در کوهی که از آنجا با آسمان صعود کرده آثار قدمش را نمایش میدهند و تبعه بودا معتقدند که برای طلب کردنشان رحمت را برای بودا بملکوت آسمانها اتصال می‌یابند و با او متحد میشوند چنانچه بودا بامنبع نور یکی است

چینی‌ها میگویند که چون لاو کیون متولد شده از عذرا عملیات خیریه خود را در زمین با تمام رسانید با جسمش بسوی

بهشت صعود کرد و او را خدا مینامند و بنام او و برای او بتخانهای مهمه عالیله بنا کردند

مجوس معتقدند بخدائی زردشت و میگویند که او فرستاده شد تا آنکه فدای مردم شود و نجات دهد ایشان را از راههای بد و آنکه او پس از تمامیت شغلش در زمین صعود با آسمان کرد و متابعینش الی کنون از او با احترام و اجلال یاد می‌نمایند زردشت را زنده و مبارك و ستاره روشن و به چیزهاییکه شبیه این کلمات است از اسامی و القاب میخوانند

«پسر خدا نجات دهنده» اسکولابیوس «بعد از آنکه کشته شد از بین اموات قیام کرد و قصه تاریخ برپاشدنش از بین مردگان در شعری مذکور است که ثابت مینماید پسر خدا زنده است و اعمالی دارد «مضمون آن شعر»

پسر خدا میگوید «معاینه کرد عذرا خدائی را که روشنائی بخش بود و حکایت کرد عذرا قصه پیغمبریش را و گفت عذرا درود بر تو باد ای طیب عالم بزرگ تمام سلام بر تو باد ای طفلی که توانائی داری بر شفا دادن امت‌ها در سالهای آینده و زمانی که بر انگیزته میشوند آنانی که در قبرها هستند و تعالی تو در نجات دادن محدود نیست زود است که زیاد میکنی عظمت ممالك را و عده مردم را و بقدرت زنده می گردند مردگان و بر حسب امر تو صاعقه‌ها بگناه کاران میرسد و هلاک میشوند و تو از محل تاریک بر پا میشوی بافتح و فیروزی و خدا میشوی



و نجات دهنده ادونی ( تموز هم خوانده میشود )  
پس از آنکه کشته شد از بین مردکان قیام نمود و قصه  
مردن و قیامش را جولئوس قرسیوس حکایت کرد و این  
راوی باقسطنطین هم عصر بود و میگوید در شب معینی وقتی  
که فواره عظمت ادونی جاری بود تمثالی آوردند و در گهواره  
نهادند شروع کردند بگریه کردن و خواندن خطابه‌های حزن  
انگیز پس از آن کاهن آمده و دهن‌های خوانندگان را با  
روغن زیتون دست مالید و میگفت آرام گیرید ای قدسین  
بواسطه برگشتن خدای خودتان و اعتماد کنید به پروردکاری  
که برپا گردید از بین مردکان و بواسطه تحمل کردنش درد  
ها را برای ما نجات حاصل شد.

دوینس « ۱ » مینویسد که اهالی اسکندریه صورت  
جنازه هائی را ترتیب میدادند با کمال اهت و احترام محض  
یاد آوری موت ادونی و حمل میکردند تمثالش را بجانب قبری که  
برای این کار تهیه شده بود و آن تمثال را در آن قبر می گذاشتند  
در نهایت اجلال و پیش از خواندن خطابهائی که دلالت  
مینمود برگشتنش و برای یاد آوری موتش اشیاء و اسبابی را  
آماده مینمودند که حزن و اندوه را مجسم می کرد و آن  
زخمی را که باورسیده بود به يك ضربه حربه مثل مینمودند  
پس از این کار مشغول مسرت و خوشوقتی میشدند و او را  
بر میگردانیدند و این عید روز ۲۵ از آذرماه رومی بود

(۱) دوینس در کتاب مذکور سابقش

دکتر بریچارد (۱) میگوید که اهالی سوریا برای ادونی در  
فصل بهار عید می گرفتند باین کیفیت که اولاً برای فوتش با  
يك حزن بسیاری گریه میکردند پس از آن بايك مسرتی قیامش  
را از بین اموات ذکر میکردند.

( کلت ) ( ۲ ) در خصوص برپا شدن ادونی از مردکان  
مینویسد که پس از گریه و اظهار حسرت نمودن بر ادونی  
اعلان مینمایند که او برپا شد و زنده از میان مردکان برگشت  
و علامت قیامش از بین اموات داخل کردن آنهاست روشنائی  
را در محلی که مدفون شده و کاهن جمیع مردم را مخاطب  
ساخته میگوید تعزیت بدهید خود را و تسلیت بگوئید شما  
مردمی هستید که فایز باسرار خدائی شدید و آن خدا محفوظ  
شد برای شما و همه بایستی خوشحال باشیم بواسطه راحت شدن  
ما از زحمات پس از آن میگفت .

( آسوده شدی از بلیات بزرگ و بهره من فعلاً خوب  
است ) پس از ختم این کلام مردم می گفتند ( درود بر کبوتر  
عود دهنده نور )

اسکندر موری (۳) مینویسد یونانی های قدیم احترام  
میکردند و بسیار بزرگ میشمردند عیدی را که ادونی از بین  
مردکان برپا شده بود و صورت بتی را بتصویر آنکه این ادونی  
است می آوردند و عمله جات موتی بر آن تلاوت می کردند

(۱) بریچارد در کتاب خرافات مصرها (۲) کلت کتاب قاموس التوراة

(۲) موری کتاب خرافة مذکورش



و آنها گریه میکردند اول خطابه‌های حزن آور میخواندند و بعد از آن صدهای خوشحالی را بلند می نمودند و می گفتند اودنی بر باشد و زنده برگشت.

و اسیروس نجات دهنده متولد شده از عذرا - بعد از مرگش قیام و مصری ها او را یگانه مبعوث میخواندند

مهامی - میگوید اساس دستور دینی نزد بت پرستان مصر در قرنهای گذشته تصدیق به قیام خداوندی است از بین مردگان که واسطه و ظاهر در ناسوت و متولد شده از عذرا باشد و همیشه دارای مملکت آسمانها باشد - وعید فصح را که موسم بهار است عید می گرفتند محض یاد اوری برپا شدن خداوند نجات دهنده از بین اموات و مسرات زیادی میکردند و از روی تحیر اختلاف می کردند - و معتقدند که اودنی خود را بعنوان قربانی محض فداکاری مردم پیش کش نمود و اودنی رحمت و زنده گی بخش و گشاینده حق است

(بونویك) (۱) مینویسد از جمله عجایب هولناك این است که مدت پنجهزار سال است که امت ما اعتماد دارند به اسیریس نجات دهنده که از بین مردگان قیام نمود - و یکی آنکه عقیده داشتن ایشان بآنکه او نجات دهنده ایشان است و ایشان هم مثل او البته زنده عود مینمایند - و اسیروس مشهور ترین خدایان ایشان است و بسیار دوست میدارند او را و او را یگانه نیکو میخوانند - و دوست ایشان در حیوة

(۱) بونویك در کتاب اعتقاد مصریها که سابقاً ذکر شد

ومات است (علماء لاهوت منع مینمایند قصه ولادت و موت و قیام و صعود او سیریس را) - و برای حب بخیرات متحمل گناهان مردم گردید و برای این مغلوب و مقتول و مدفون گردید - و قبرش در مصر مبارکترین بقعهها بود - و زیارت مینمودند آن بقعه را زوآر و چندین هزار سال برای حال بر قرار بود و چراغها بر سر قبرش روشن می نمودند و خطابه های حزن انگیز برایش میخواندند - و هیرودتس سرود های آن خطابه ها را ذکر نموده و سه روز قبل از عید محزون میشدند و آنسه روز را بگریه وزاری بسر میبردند پس ازان بامسرت ها مشغول میشدند بگرفتن عیدی که از بین اموات قیام کرده بود واقع گردید برخدا (هورس) پسر عذراء (ایسیس) آنچه را که به او سیریس رسید از کشته شدن پس بر خاستن از بین اموات و اشخاصی که معتقدند بهورس کارهایی می کنند در باره او مثل کارهای آنها می که در باره او سیریس میکردند از حزن و گریه پس خوشوقتی و خوشحالی در روزی که عود از مرگ نمود میکردند

اتیس نجات دهنده فریجین و خدای ایشان مقتول شد ظمناً پس از بین مردگان برخاست ولادت و قیامش را بروایات مختلفه حکایت می کنند لیکن موضوعش یکی است فدائی یگانه اش مینامند و او کسی است که بزندگی عود کرد در تاریخ ۲۵ آذر و این روز ۲۵ را (هیلاریا) مینامند

ومتوات نجات دهنده فرس - و واسطه است بین خدا



و مردم و پرستش او در شهرهای فرس و ارمنستان و آسیای صغری  
شیوع دارد - و او کشته شد پس برخاست از بین مردگان  
و روز عید قیامت که ۲۵ آذر است جوانی را میآورند که  
خود را شبیه میت مینماید و در يك محل تنك و کوتاهی مانند  
قبر قرارش میدهند پس از آن قیام مینماید مثل آنکه او زنده  
گردیده و برگشت و این عمل را برای ساختن شبیه موت و قیام  
مترات بجای می آورند و معتقدند که بواسطه متحمل شدنش  
صدمات را ایشان برستگاری فائز شدند - و او را نجات دهنده  
مینامند و در روز عید قیامت که فوقاً ذکر شد در محل عبادات  
خود صورت قبری درست می کنند و کهنه در بالای آن قبر  
در تاریکی شب می نشینند و گریه مینمایند پس ناگهانی چراغها را  
روشن نموده با آواز بلند میگویند - خوشحالی کنید و تهلیل  
گوئید - ای قدیسون صمیمی که برگشت پروردگار شما که  
بصدمات و دردها و موتش برستگاری رسیدیم

نجات دهنده باخوص پسر عذراء (سمیل) بعد از کشته شدنش  
از بین اموات برخاست و در روز عید قیامت میاورند مردی  
را بصورت میت و او را در گهواره میگذارند و بر مردن  
باخوص نجات دهنده گریه میکنند مثل باقی بت پرستانی  
که قبلاً ذکر شد و در صبح روز ۲۵ آذر ندا میکردند  
که او برخاست از مرك و اظهار مسرت مینمودند  
با اعتقاد آنکه مرگش برای انسان عاصی سبب نجات و  
خوشوقی است و قائلند که او بعد از قیامت صعود باسمان

کرد و معتقدند که نجات دهنده هرقل پسر خدا (زوس)  
مولود از مادر بشری کشته شد و بعد از بین مردگان برخاست  
و بتوسط يك پارچه ابری که دارای رعد بود صعود باسمان کرد  
و آنهائیکه معتقد بودند بخدائی او در مکانی که میکوبند  
از آنجا صعود کرد بتخانه ساختند

و نمون کشته شد پس از بین مردگان برخاست و مادرش  
(واکیوس) بر او محزون شد و گریه کرد

احفاریوس از بین مردگان قیام کرد و یونانی هائی که  
معتقد بخدائیش بودند نشان میدادند مردم را مکانی را که  
از آنجا باسمان صعود کرده بود

و یلدور خدای اسکندیناوی و نجات دهنده ایشان  
پس از مرك از بین مردگان برخاست و زنده همیشگی گردید  
میگویند (چون وارد کشت یلدور نیکوکار و خداوند مهربان  
در جهنم گفت هرمود که گریه کرده بود بر او و فداکاری  
نموده بود که ای هرمود بگو بهر کسیکه در جهان است از  
زنده و غیر زنده که گریه کنند بر من شاید که بر گردم  
به نزد خدایان و چون از هرمود این پیغام ابلاغ گردید در  
تمام اطراف عالم مبلغین فرستاده شد برای آنکه مردم گریه  
کنند تا یلدور از جهنم نجات یابد و مردم با تأسف گریه  
کردند و یلدور زنده عود نمود

و پرستش میکردند خدای دیگری را که اسمش فری  
بود و میگفتند که او کشته شد و از بین اموات قیام کرد



در ویدسیون قدماء که در بریطانیا بودند اعتقاد داشتند بموت باخوص و قیامش از موت و همه ساله محض یاد آوری مرگش در بتخانهای خودشان جنازه درست میکردند شبیه جنازه که رومانی ها و یونانی ها میساختند

کوتزلکوتل نجات دهنده مکزیکی ها بوسیله دار کشته شد و بر پا گشت از بین اموات و قصه قیامش بخط مکزیکی هیر و گیلیفی در (کودکس بورژیانوس) تا امروز معلوم است و اهل مصر و چین و فرس و غیر اینها تخم مرغهای برنکهای گوناگون رنگ میکردند و بیکدیگر هدیه میدادند و بعضی از ایشان تا سال آینده آن تخم مرغها نگاه میداشتند برای آن روزیکه یکی از خدایان مجسمه از بین اموات قیام کرد و این نگاهداشتن تخم مرغ کنایه است از برگرداندن زندگی است

(بر خاستن مسیح از بین اموات)

بطوریکه بت پرستان قائلند از قیام پسران خدایا نشان از بین مردکان همانطور نصاری دربار مسیح قائلند چگونه این عقیده را در باره مسیح نداشته باشند و حال آنکه مسیح یکی از پسران خدایانی است که بحسب اعتقاد آنها مجسم گردید

انجیل متی باب ۲۸ از شماره ۵ تا ۷

(اما فرشته بزنان متوجه شد گفت شما ترسان مباشید میدانم عیسی مصلوب را می طلبید در اینجا نیست زیرا که چنانکه گفته بود برخاسته است بیایید جائی که خداوند خفته بود ملاحظه کنید و بزودی رفته شاگردانش را خبر دهید که از بین

مردگان برخاسته است اینک پیش از شما بجیل میروید و در آنجا او را خواهید دید اینک شمارا گفتم) - و نیز وارد شده است بر خاستن عیسی از بین اموات در انجیل مرقس باب ۲۶ و در انجیل لوقا باب ۱۴ - و در انجیل یوحنا باب ۲۰ و با وجود اینها اناجیل متفق نیستند در کیفیت قیامش بلکه هر يك مخالف دیگری میباشد اگر این مبحث خارج از مقصود نبود هر آینه مواضع اختلافات را کاملاً بیان می کردیم

## فصل چهاردهم

آمدن خدایان مجسم شده که از بین اموات

بر خاستند بسوی این عالم

در مرتبه دوم برای مجازات

چینی ها عقیده دارند که نجات دهنده و یاور ایشان ویشنو - که ظاهر در ناسوت باسم کرشنه گردید البته در روز های آخر بر خواهد گشت

و کتب دینی هنود مینویسد هر زمانیکه ستاره های ثوابت برگشتند بمحلی که ابتدای دوره آنها از آنجا بود و برگردد هر چیز باوّل زمان خود - و آن در برج عقرب است آبائما ویشنو ظاهر میشود در میان مردم بهیئت سواره که آراسته باسلاحه باشد و سوار بر اسب اشهبی است که صاحب بالهاست و در دست راستش شمشیری دارد بر افروخته مانند ستاره



ذو ذنب مهلکی و هلاك ميكند بان شمشير اشرار را كه در  
روی زمین پیوسته اظهار حیوة و اقتدار میکردند - و در دست  
چپش انگشتر درخشنده که اشاره است از برای ابتدای (یا کوس)  
یعنی فرق عظیمه و بآمدن ایام آخرت میباشد - و زمان ظهورش  
ماه و اقیاب تاریك میشوند - زمین بلرزه می آید و ستاره ها  
ساقط میشوند

بودائی ها عقیده دارند که بودا چندین مرتبه در  
ناسوت ظاهر میشود تا آنکه تربیت کند ایشانرا و اعلام کند  
که ایشان با ذات محیطش متحدند و آنکه او در ایام آخرت  
نیز خواهد آمد و این قضیه معاودت در کتب مقدسه ایشان  
مذکور است و مقصود از آمدنش در این عالم عود دادن  
نظام نيك بختی است در دنیا

چینی ها را عقیده این است که در ایام آخرت که یکصد  
هزار سال بگذرد يك خدائی بصورت انسان در دنیا می آید  
که بر میگردداند بدنیا سلامت و سعادت را و کتب خمسۀ دینی  
ایشان پراست از ذکر يك عصر طلائی در آینده  
و مجوس قدیم اعتقاد دارند که هزار سال بر زمین  
میگذرد که در تمام این مدت مردم ایمان می آورند بدین زردشت  
(و مجوس امروزی بقیۀ همان مجوسهائی هستند که معتقدند  
بخدائی زردشت)

و میگویند که در زمین موجود میشود يك ذات مقدسه  
که موسوم است به (کائودر) و انتظار دارد امر (یزدان سیروس)

را و این شخص منتظر در بلاد فرس ظاهر خواهد گشت و بر  
میگرداند حکومت قدیمه را و انتشار میدهد دین زردشت را  
در دنیا و هر وقت که اراده نماید که مردم را مبعوث کند  
امر میکند زمین و دربارا به بر گردانیدن بقایای اموات  
و (اورمزد) آن مردگان را گوشت و خون میپوشاند - و آنانی که  
در روز آخر زنده اند آنها را میمیراند و پس از آن زنده  
می کند ایشانرا مثل باقی مردمان و پیش از وقوع این امر سه  
پیغمبر بزرگ ظاهر میشوند که آیات و عجایبی از ایشان  
بظهور میرسد و در آن وقت مرض وبا و جنگها و گرسنگی در  
زمین پیدا میشود و بعد از مبعوث شدن آن ذات مقدسه  
جزا داده میشود هر کسی بحسب کارش اگر خیر است پس جزایش  
خیر است اگر شر است پس جزایش شر و نیکانرا از بدان جدای  
کند و گناه کاران را بجهنم میبرد تا از گناه باك گردند - در مدت  
سه شبانه روز ایشانرا بتوسط آتشی که از فلز گداخته شده است  
باك میگردانند و بعد از این عذاب به بهشت جاوید میبرند  
و سلطنت اهریمن زایل میشود و زمین بواسطۀ سکونت نیکو  
کاران نورانی میشود و بر اهل زمین حکومت میکند  
اورمزد فقط

و تابعین بوخص انتظار دارند آمدنش را در مرتبه دوم  
تا حکومت نماید بر دنیا و مردم را بسعادت بر گرداند  
اهل آتن انتظار دارند آمدن پهلوانشان (کالویبوك) را  
در مرتبه دوم تا آنکه نجات دهد ایشانرا از ظلم آلبانی ها



و میگویند که کالویبوك فعلا ساكت است تا آنکه بلیه شایع شود وقت شیوع بلیه ظاهر میشود و نجات می دهد ایشان را از ظلم

سلط ها انتظار دارند بر گردیدن (بوربان بوروهم) را در مرتبه دوم بعد از گذشتن هزار سال و نیز میگویند که (ولکردنسیك) انتظار وقت معینی را میکشد تا آنکه از خوابش برخیزد و همراهی کند (دانس) را بر مقهور کردن (پروسی ها) دشمنان دانس

و اسکندیناوی های قدیم معتقدند که در آخر الزمان بمردم بلاها خواهد رسید و زمین بلرزه خواهد آمد و ستاره ها از آسمان ساقط میشود و پس از آن مار بزرگ بزنجیرها مقید میشود و بر تمام دنیا دین او بلند میشود

و اصحاب کوتزلکوتل نجات دهنده مکزیك انتظار دارند بر گشتن دوباره اش را و عقیده دارند که کوتزلکوتل پیش از مردنش سکنه (متشولا) را از آمدن دو باره اش و حکومت کردن بر ایشان خبر داده بود و در سال ۱۵۱۸ میلادی که کشتی های اسپانیولی بر کناره برزیل ظاهر شده بود گمان کردند آن کشتی ها را که بتخانه های کوتزلکوتل است که بر حسب وعده باهالی متشولا آمده است

آمدن مسیح دو باره باین عالم برای مجازات

اقوال بت پرستان را در خصوص آمدن پسران خدا بایشان

دو باره باین عالم شرح داده ایم و نصاری بایشان پیروی کرده قائل شدند بآمدن مسیح دوباره باین عالم و آنچه را که بت پرستان درباره خدا زادگان خود قائل بودند تمامت آنها را نصاری در باره مسیح علیه السلام قائل بگمان آنکه در این کار تعظیم و تجلیلی است برای عیسی ملاحظه کن آیاتی را که در کتب مقدسه ایشان از برای اشاره باین امر وارد شده انجیل متی باب ۲۴ شماره ۲۷

زیرا همچنانکه برق از مشرق ظاهر شده تا بمغرب ساطع میشود ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد بود

و در همین باب علامات و آیات و شرائطی که پیش از آمدنش واقع خواهد گشت مذکور است و از باب اختصار متعرض آنها نمیشویم

در رساله اعمال رسولان باب اول شماره ۱۰ و ۱۱ وارد شده

چون بسوی آسمان چشم دوخته بودند هنگامیکه او میرفت ناگاه دو مرد سفید پوشی نزد ایشان ایستاده گفتند ای مردان جلیلی چرا ایستاده بجانب آسمان نگرانید همین عیسی که از نزد شما باسمان بالا برده شد باز خواهد آمد بهمین طوریکه او را بسوی آسمان روانه دیدید

انجیل مرقس باب ۱۳ شماره ۲۶

آنگاه پسر انسان را به بینید که با قوت و جلال عظیم برابرهای آید



و بهمین مضمون است سایر آیاتی که دلالت دارد بر آمدن عیسی در مرتبه ثانیه و همینطور است تصریحات قدسین و مفسرین و ما بهمین قدر اکتفا می نمائیم

## فصل پانزدهم

اعتقاد بانکه این آفریننده و صورت بخش

موجودات است

عقیده بت پرستها

دستوراتی که در کتب دینی هنود است - تصریح می کند که کرشنه پسر خداست از عذراء (دیفاکی) و او اقنوم دوم از سه کانه مقدسه است - و خالق آسمانها و زمین است با آنچه در آنها است - و کرشنه بمذهب ایشان اول و آخر است و او همه اشیاء است و خالق موجودات است کلاً در کتاب (بهکوات ژیتا) که از کتب مقدسه هنود است مینویسد - که کرشنه بشاکرد محبوبش (ارجون) گفت - منم پروردگار همه موجودات و افریدگار آنها و انسانرا بر چهار قسم متخالف در نژاد و صورت آفریدم پس بشناس مرا منم صورت بخش - و منم آفریننده - و معدوم نخواهم گردید و در موعظه هفتم که (قوای طبیعت) و روح ریاست نامیده میشود میگوید - (منم خالق و مهلك و منم بزرگی که تکیه دارد بمن همه چیز)

و در موعظه ۹ موسوم است به (اسرار رئیسه و علوم اولیه) منم گستردم در پرده عالم را بشکل خودش - منم حافظ موجودات - و منم پدر و مادر این دنیا - منم حافظ بزرگ منم منزهی که لازم است شناسائیم - و منم رمز مخفی الف و یا منم راه راست - و منم تسلی دهنده و خلق کننده و شاهد و دوست و بسوی من است برگشت

و در موعظه ۱۰ موسوم به (تنوعات لاهوتی طبیعت) منم ایجاد کننده و مصدر هر چیز - آنانیکه بانها حکمت روحی انعام نمودم بایستی تصدیق نمایند و باید دلهایشان وابسته بمن باشد - و مرا پرستش کنند - و بنام من تهلیل گویند و تعلیم دهند دستورات مرا بعضی به بعض دیگر تا عمومیت پیدا کند مسرت در بین ایشان

تمام کتب مقدسه هنود مینویسد که کرشنه اصل وجود است اگر او نمیشد چیزی در این عالم وجود پیدا نمی کرد - چینیها معتقدند که خداوند پدر نیافریداست چیزی را بلکه پسر خالق موجودات است - بتنهائی را که بشکل پسر تراشیده شد (نیتکای) می نامیدند - و برای او نماز می کنند و از او مقاصدشانرا درخواست می نمایند

در باره (لانوئوا) متولد شده از عذراء پاك پا کیزه میگویند که او آفریننده هر چیز است - و دستورات دینی کلدانی تصریح مینماید که او پسر یگانه افریدگار هر چیز است تبعه خداوند پهلوان (تاو) دعوی دارند که او پسر خدا



و آفریننده هر چیز است

دستورات دینی قدیمه فرس صریحاً مینویسد که خدائی موجود است که دیده و درك نمیشود و مینامندش (زروانا عقارینا) و معنی این جمله - غیر محدود الوقت یعنی ازلی و ابدی است و از این خدا تولید گردید - او رمزد که مالک ثور است پسر بکر آفریننده که صدور یافت از او هر چیز و اوست ایجاد کننده

در کتاب مقدس فرس (زند اوستا) پراست از ادعیه و مناجات برای - پسر خدای بکر (او رمزد) و این عبارت نمونه ایست از ادعیه و تضرعاتشان

(باورمزد) تقدیم میداریم صلوات خود را - اوست همیشه آفریدگار هر چیز از اشیائی که هست و خواهد بود و ست حکیم توانا ایجاد کننده آسمان و آفتاب و ماه و ستاره گان و بادهای و ابرها و آب و زمین و آتش و درخت و چهارپایان و انسان - و اوست کسیکه سجده کرد بر او زردشت واضع شریعت در دنیا و شناخت او را بادراك طبیعی و تصدیق کرد بچیزهائی که از جانب او بود و چیزهائی که بعد از این خواهد بود و دانست علمها را و دانست کلمه بزرگی را که بسبب آن کلمه عبور می کنند نفوس از پل نورانی و قتیکه جدا میشوند از زمین مشقت بجانب نور در منازل پاکیزه که پراست از بوی خوش ای آفریدگار من من فرمانبردارم شریعتت را فکر مینمایم و سخن میگویم و عمل میکنم بر طبق فرمانهای تو و دور میشوم از هر گناهی بجای

آورم کار شایسته را پرستش میکنم ترا بادل صاف و قول صمیمی و فعل خیر و نیست بندگی من مگر برای او رمزد بازگشت من بکارهای خیر است زیرا که او رمزد نجات داد اشخاصی را که بفرمانهایش رفتار میکنند و امیدوار میشوند وصول بهشت را که وطن سعادت و نور و نیکوئی است

تعلیمات دینی آشوریها میگوید (زورک) پسر خداوند بکر و کلمه خدا است آفریده است آسمانها و زمین و چیزهائی را که روی زمین است اوست مهربان بخشنده زندگی

و اشخاصی که عقیده دارند بخدائی ادوئی نجات دهنده میگویند اوست کسیکه مردم را آفریده است البته ایشان را پس از مردن مبعوث خواهد کرد

در کتاب هنود که موسوم است به (اکیتا) وارد است که کرشنه گفت

(نیامده است زمانی که من در آن زمان نباشم من ساختم همه چیز را منم باقی و جاوید و موجد و ثابت قبل از هر چیز منم فرمانده با اقتدار بر عالم منم اول و وسط و آخر هر چیز) از جمله توسلات ارجون شاگرد کرشنه این است (توئی ثابت بزرگ که معرفت لازم است توئی گیرنده تمام موجودات و حافظ و موجد دین تقدیس میکنم ترا توئی خدای ثابت پیش از خدایان) و نیز گفته است (مرتور است بزرگواری از قبل و از بعد توئی همه در همه ای آنکه اقتدار و بزرگواریت درك نمیشود توئی محیط بهر چیز پس همه توئی



در کتاب مقدس (ویشنوپورانی) مسطور است که چون ویشنو ظاهر شد بصورت کرشنه و حلول کرد در عذرا دیفا کی و متولد گردید از او گفت

( منم بی ابتداء و بی انتهاء )

و بودا است الف ویا و نیست برای وجودش اولی و آخری و اوست پروردگار مالك با قدرت و جاوید و ثابت بزرگوار است (ولاژکیون) پسر خدای بکر متولد شده از عذرا نیست برای هستیش اولی البته

و از جمله خرافات بی اساس تبعه لاوتر در چین این است که در باره اش میگویند که اوست ثابت قبل از موجودات و اوست مجرد بزرگ جوهر پاکیزه و دمنده روح اولی و مصدر زمین و آسمان و خالق مخلوقات و تقدیر کننده نیستی است برای پیروی کردن آخر اول را تادوره هائی که آخری برای آنها نیست و اوست موجود قبل از کاینات و پیش از حرکت اولی در کتاب مجوس (زنداوستا) وارد است که اورمزد پسر خدای بکر ثابت بود در ابتدا و باقی است همیشه (اوزفینک) زوس مدعو به الف ویا را اینطور توصیف کرده است

زوس اول است و آخر است و محل صدور هر چیز است از موجودات

باخوص را توصیف میکنند بازی بودن و در یک خط قدیمی که منقوش در صفحه درهمی بود این جمله رقم گردیده

بود (منم) (باخوص) راهنما و حافظ و معین شما منم الف ویا)

عقیده نصاری بانکه پسر یعنی عیسی مسیح آفریننده و موجد و صورت بخشنده تمام

کاینات است

از مشروحات فوق معلوم گردید عقیده های فرق هالکه در باره پسران خدایان مجسمه آنها که خدا یا نشان آفریننده و ایجاد کننده و صورت بخش تمامی کایناتند و مثل این قول را نصاری در باره مسیح علیه السلام قائلند یعنی میگویند که او ایجاد کننده و صورت دهنده و اختراع کننده و انشاء کننده موجودات است .

انجیل یوحنا باب اول شماره ۳ و ۱۰

( همه چیز بواسطه او آفریده شد و بغیر از او چیزی از موجودات وجود نیافت او در جهان بود و بواسطه او آفریده شد جهان و جهان او را شناخت )

و در رساله پولس باهالی کولسیان باب اول شماره ۱۶ و ۱۷ ( زیرا که در او همه چیز افریده شد آنچه در آسمان و آنچه در زمین است از چیز های دیدنی و نادیدنی و تختها و سلطنت ها و ریاستها و قوتها همه بوسیله او برای او آفریده شد و قبل از همه است و روی همه چیز قیام دارد )

و در رساله عبرانی ها باب اول شماره دوم

در این ایام آخر بما بوساطت پسر خود متکلم شد - که



اورا وارث جميع موجودات قرارداد و بواسطه او عوالم را آفرید و باین رویه است باقی شماره های مذکوره در انجیل که اوست دارای ملك بزرگ موجودات و همینطور است کلمات و تصریحات قدیسین و مفسرین و از این کلمات جای تعجب نیست زیرا که ازمنه متدایه ایست که ایشان مسیح را پسر خدا می شمارند مثل بت پرستهایی که سبقت داشتند ایشان را در این عقیده در باره پسران خدایانشان

## فصل شانزدهم

بیان تعمید است برای برطرف کردن گناهان

عقیده بت پرستها

( امبرلی ) ( ۱ ) و ( بنسون ) ( ۲ ) و ( هجین ) ( ۳ ) و ( لیلی ) ( ۴ ) در کتب خود مینویسند که درهند و بت زمان تعمید دادن بچها شمعهها روشن می کردند و در قربان گاه بخور میسوختند و کهنه دعا های مخصوصی میخواندند پس از آن سه مرتبه بچه را در آب فرو میبردند و بعد از آن هر نامی را که اراده داشتند برای آن کودک وضع می کردند و نزد براهمه يك عادت دینی قدیمی است که شبیه است به عملیات فرس و مصریها و یونانیها و رومانی های قدیمه و

( ۱ ) امبرلی در کتاب تجزیه ایمان صفحه ۱۶ ( ۲ ) بنسون در کتاب

مسیح فرشته صفحه ۴۲ ( ۳ ) هجین از جلد دوم ۶۹ ( ۴ ) لیلی در

کتاب دیانت بودائی صفحه ۵۵ و ۱۳۴

آن عادت همین غسل تعمید دادن است بعینها

وزمان اجرای غسل تعمید دعا میخواندند و متوسل بافتاب میشدند و بعد از قسم دادن آن شخص را به قسمهای شدید که از کهنه کاملاً فرمان برداری نماید و اسرار ایشانرا محفوظ دارد و جسم خود را پاکیزه نگاه دارد اورا سه مرتبه آب میریزند و کلماتی که مناسب مقام اوست باو میگویند و این آب ریختن را ( ایجاد نو ) مینامند و اورا لباس مخصوصی میپوشند باتاجی و بر دو طرف صورتش خاجی را نقش مینمایند و بر سینه اش صلیبی را بشکل صلیب های ( تو ) ترسیم می کنند و سر را باو تسلیم مینمایند و آن سر کله ( ادم ) است ولی اگر تعمید یابنده طفل باشد کس کاهن برهنی که نامش ( کورو ) یعنی نگاهبان است آن پودک را گرفته به گل آلوده می کند بعد از آن آن طفل را سه مرتبه در آب فرو میبرد و میگوید ای پرودکار بزرگ این کودک گنه کار و آلوده بخطا است

مثل آلوده بودنش به گل این قنات همچنانکه آب پاکیزه می کند از گل پاکیزه کن اورا و نجاتش ده از گناهان و عقیده دارند که تعمید دادن بآب برطرف مینماید گناهان را هر مقداریکه باشد و آن کهنه را که در لب نهرها برای تعمید دادن می ایستد موسومند به پسران آفتاب

وتبعه زردشت تعمید میدهند اولاد خود را چه کودک باشند چه نزدیک به تمیز ( بواصر ) مینویسد که قدمای فرس



اولاد خودشانرا بعد از ولادتشان بفاصله چند روزی میبردند در بت خانها و بکاهنی که در پیش بت شمس است میدادند (و آتش کنایه از آفتاب است) و آن کاهن طفل را در ظرفی که پر از آب بود فرو میبرد و بعد از آن نامی برایش وضع میکردند بهر نامی که مایل بودند

دکتر امید میگوید که تعمید دادن نزد قدامت عبارت است از فرو بردن در آب یا ریختن آب و این تعمید را ولادت دوباره مینامیدند و اشخاصی که تعمید می یافتند آنها را پس از تعمید نفوس پاکیزه و باسعادت میشمردند و بعد از آن تعمید یافته را بهر اسمی که دوست داشتند اسم می گذاشتند

و مصری ها تعمید میدادند اطفال قریب به تمیز خود را و اسرار ابتدائی دینی خود را تسلیم او میکردند و برجین شخص تعمید یافته نشان خاج پاکیزه را نقش مینمودند

(والا بولیسو فدورا) مینویسد که در افریقا تعمید می میدادند بچه های خود را و در زمان اجرای تعمید دعا های مخصوصه میخواندند و اعتقاد میداشتند که تعمید دادن گناهان را برطرف می کند (دوان) (۱) مینویسد که بت پرستهای رومانی اولاد خودشان را بآب تعمید میدادند و عقیده داشتند که تعمید باعث برطرف شدن گناهان است

(دیوژنوس) مورخ میگوید که ایشان اولاد خود را غسل تعمید میدادند برای اسم گذاری و برکتش اما پسر ها را

(۱) دوان در کتاب مذکور سابقش صفحه ۲۲۰

در روز نهم تعمید میدادند و دخترها را در روز هشتم از ولادتشان و آب تعمید را آب مقدس میشمردند و بعد از تعمید پدر طفل بکاهن ورقه شهادتی میسپرد که بچه اش تعمید داده شد و مرتبه ثانیه آفریده شد و بعد از تعمید حق داشتند که آن بچه را جزو عائله محسوب دارند و آنروز را عید بزرگ بگیرند

و نیز تعمید میدادند کسانی را که تعلیمات سری (مشرای) را تسلیم میگرفتند

بت پرستان سوئد و نروژ و دانمارک تعمید میدادند بچه های خود را بر ریختن آب بر آنها و بعد از آن نام برایش معین میکردند (لایونی ها) اهمیت میدادند تعمید دادن را و آنرا رکن مهمی از اصول خودشان میدانستند و مثل ایشانند قدمای ژرمانی ها و وردی ها و سکنه زیلاندا و غیر آنها در هنگام تعمید بچه مقدم میداشتند ادعیه را برای نجاتش از گناهان و قدمای مکزیکی ها تعمید میدادند اولادشان را پس از از ولادت بفاصله اندکی و رفق در خانه پدر و مادر آن طفل جمع میشدند و وقت اشتغال به تعمید دایه بچه سر آن طفل را بدستش گرفته رویش را مقابل مشرق آفتاب می نمود پس برای نجات دهنده کوتزلکوئل ادعیه تقدیم میکردند و همچنین برای خداوندان آب و کاهن انگشتان خود را بآب تر کرده بدهن و سینه بچه مالیده می گفت (تضرع میکنیم بآب که زایل کند گناهان منظم شده باین طفل را پیش از ایجاد جهان) و بعد از آن جسم بچه را بآب می شستند و آنچه را که باعتقادشان مضر



بطفل ميندانستند ذكر ميكردند كه زایل شود تا آنكه آن  
 بچه بواسطه زائیده شدن دوباره (یعنی تعمید) زنده بماند  
 بریسکویت (۱) مینویسد که مکزیکی ها لبهای بچه های خود  
 را بروغن و سینه بچه های خود را باب تعمید میدادند متوسل میشدند  
 بخدایان خودشان که از راه بخشش اجازه برای ریختن آب دهند  
 که بر طرف گردد از این بچه گناهانی که پیش از خلقت جهان  
 باو ملحق شده بود و بتوسط تعمید دوباره زائیده شود  
 و هنگام تعمید دعوت می نمودند دوستان خودشان و خویشاوندان  
 طفل را که در مجلس تعمید حاضر شوند

و (لندی) میگوید اگر تاریخ را جستجو نمائیم می بینیم  
 که اصل تعمید بسیار قدیم العهد است در آسیا و امریکا  
 شیوع داشت

و سکنه برزیل غسل تعمید میدادند اولاد خودشان را  
 از دختر و پسر در بت خانه که موسوم است به بتخانه (صلیب)  
 بتوسط ریختن آب از ابریق و آب تعمید را آب زائیدن  
 دوم مینامیدند

### نزد نصاری

شرح دادیم تعمید را به عقیده بت پرستان - و اکنون  
 ذکر می کنیم تعمید مذهب نصاری را - انجیل مرقس باب  
 اول شماره ۹

(۱) بریسکویت در کتاب فتح مکزیک

(و واقع شد در آن ایام که عیسی از ناصره جلیل آمد  
 در اردن از یحیی تعمید یافت و چون از آب برآمد در ساعت  
 اسما را شکافته دید و روح را دید که مانند کبوتری  
 بر وی نازل شد)

انجیل متی باب ۳ شماره ۱۱

(من «یوحنا» شما را باب توبه تعمید میدهم لیکن او  
 که بعد از من میآید از من توانا تر است که لایق برداشتن نعلین  
 او نیستم او شما را بروح القدس و آتش تعمید خواهد داد  
 انجیل مرقس باب ۱۶ شماره ۱۶

(هر که ایمان آورده تعمید یابد نجات یابد - و اما هر که  
 ایمان نیاورد بر او حکم خواهد شد)

و ذکر تعمید وارد است در انجیل لوقا و انجیل یوحنا  
 و در اعمال رسولان و در رساله کورنوس اولی - و در سفر رؤیا  
 و در رساله پولس بافسیسی ها و رساله پولس بعبانی ها و رساله  
 کورنوس دوم و غیر آنها و ما اکتفا کردیم باختصار

## فصل هفدهم

مقابله منصوصات صریحه بین کرشنه و عیسی

و آن عبارت است از مقایسه کردن آنچه را بت پرستان  
 از کرشنه میگویند با آنچه را که نصاری از عیسی مسیح علیه السلام  
 میگویند



اقوال بت پرستان هنود

در باره کرشنه پسر خدا  
کرشنه است نجات دهنده وفدا  
شونده و تسلی دهنده و نگهبان  
شایسته و واسطه و پسر خدا  
و اقنوم دوم از اقانیم مقدس  
واوست پدر و پسر و روح القدس  
(۱) متولد شد کرشنه از  
عذراء دیفا کی که اختیار کرد  
او را خدایتعالی برای مادر شدن  
پسرش همچنین بواسطه پاک  
بودنش و پاکی دامنش  
(۲) تقدیس کردند فرشتگان  
دیفا کی مادر کرشنه پسر خدا را  
و گفتند سزاوار است جهاز را که  
فخریه کند بواسطه پسر این زن  
پا کدامن  
(۳) شناختند مردم ولادت  
کرشنه را از ستاره اش که در آسمان  
ظاهر شد

[۱] دوان صفحه ۲۷۸ [۲] کتاب  
تاریخ هند جلد دوم صفحه ۲۲۹  
[۲] کتاب تاریخ هند جلد ۲ ص ۳۱۷  
و ۳۳۶  
[۱] انجیل مریم باب ۷ [۲] انجیل  
لوقا باب اول شماره ۲۸ و ۲۹ و  
انجیل مریم باب ۷  
[۲] انجیل متی باب ۲ شماره ۳

(۴) چون متولد شد کرشنه  
تسبیح نمود زمین و روشن کرد زمین  
را ماه بنورش و ارواح سرود  
خواندند و فرشته های آسمان متحیر  
شدند از مسرت و طرب و ابرها بالخان  
طرب انگیز نغمه سرائی نمودند  
(۵) کرشنه از سلاله پادشاهی  
بود ولیکن بحال مذلت و فقر در  
غار غاری متولد شد

(۶) چون متولد گردید  
عیسی روشن شد غار بنور تابنده  
که چشمهای قابله و چشم های  
نامزد مادرش یوسف نجار را  
خسته نمود

(۷) عیسی مادرش را در  
حال طفولیت گفت ای مریم منم  
عیسی پسر خدا و آمدم همان  
طوری که ترا جبرئیل خبر داد و  
جبرئیل را پدرم بسوی تو فرستاده  
بود آمدم که نجات دهم جهاز را  
مادرش را تسلیت داد

(۴) کتاب ویشنو پورانا ص ۵۰۲  
(۵) کتاب دوان ص ۲۸۹  
(۶) کتاب دوان ص ۲۷۹  
(۷) تاریخ هند جلد ۲ ص ۳۱۱  
(۴) انجیل لوقا باب ۲ شماره ۱۳  
(۵) دوان ص ۲۷۹  
(۶) انجیل ولادت عیسی مسیح باب ۲  
شماره ۱۳  
(۷) انجیل طفولیت باب اول شماره ۲ و ۳



(۸) گاو ماده شناخت که  
 کرشنه خدا است و سجده کرد  
 او را  
 (۹) مردم ایمان آوردند به  
 عیسی و قائل شدند بلاهوتیتش  
 و تقدیم نمودند باو هدیه ها از  
 بوی و مأكولات تلخ  
 (۱۰) چون در ایام پادشاه  
 هیردوس عیسی در بیت لحم یهود  
 متولد شد آنگاه مجوس از طرف  
 مشرق بمحانب اورشلیم آمدند و  
 می گفتند کجا است آن مولود که  
 پادشاه یهود است  
 (۱۱) چون متولد شد عیسی  
 نامزد مادرش و مادرش از خانه  
 غایب بودند و رفته بودند تا آنکه  
 (۸) دوان ص ۲۷۹  
 (۹) کتاب دیانات شرقیه ص ۵۰۰  
 و کتاب دیانات قدیمه جلد ۲ ص ۳۵۳  
 (۱۰) تاریخ هند جلد ۲ ص ۳۱۷  
 (۱۱) کتاب ویشنو پورانا فصل ۲ از  
 کتاب ۵  
 (۸) انجیل لوقا باب ۲ از شماره ۸ تا ۱۲  
 (۹) انجیل متی باب ۲ شماره اول تا ۱۲  
 (۱۰) انجیل متی باب ۲ شماره ۱ و ۲  
 (۱۱) انجیل لوقا باب ۲ از شماره  
 يك تا ۹  
 (۷)

غایب بودند از خانه زیرارفته بود  
 در شهر برای تسلیم مالیات بشاه  
 (۱۲) متولد شد کرشنه  
 در فقر با آنکه او از سلاله  
 ملوکانی بود  
 (۱۳) ناندا نامزد دیفا کی  
 مادر کرشنه ندائی از آسمان  
 شنید که برخیز بچه و مادرش  
 را برداشته و فرار کن بمحانب  
 کوکول و عبور کن از نهر جهنه  
 زیرا که پادشاه قصد دارد  
 اعدامش را  
 (۱۴) حاکم شهر از ولادت  
 طفل الهی (کرشنه) آگاهی  
 یافت و قصد نمود کشتنش را  
 و برای رسیدن بمقصود امر کرد  
 بکشتن تمام اولاد ذکوری را  
 که در آنشب ولادت متولد شده  
 بودند  
 اسم خود را در دفتر سلطنتی  
 ثبت کنند  
 (۱۲) متولد گردید عیسی  
 بحال مذلت و فقر با آنکه او از  
 نسل سلطنتی بود  
 (۱۳) یوسف نجار نامزد  
 مریم مادر عیسی در عالم خواب  
 خبر شد که بکیرد کودک و مادرش  
 را و بمحانب مصر فرار کند  
 زیرا که پادشاه قصد هلاکش  
 را دارد  
 (۱۴) آگاه شد حکومت  
 بلاد بتولد شدن کودک الهی  
 (عیسی) و قصد کشتنش را  
 کرد و در آن شبی که عیسی  
 مسیح متولد گردید برای  
 رسیدن بمقصود امر کرد که  
 تمام اطفالی را که در آن شب  
 متولد شده بود کشتند

[۱۲] حفاری آسیائی جلد اول صفحه  
 ۲۵۹ و تاریخ هند جلد ۲ ص ۳۱۰  
 [۱۳] کتاب ویشنو پورا فصل ۳  
 [۱۴] دوان صفحه ۲۸۰  
 [۱۲] ملاحظه کن نسب عیسی را در  
 انجیل متی و لوقا بچه نحو متولد شد  
 [۱۳] انجیل متی باب ۲ شماره ۱۳  
 [۱۴] انجیل متی باب ۲ شماره ۱۵ تا ۱۷



(۱۵) و نام شهری که  
کرشنه در آنجا متولد شد مطرا  
بود و در آنجا معجزات عجیبی  
ظاهر کرد و همیشه مورد تعظیم  
و احترام بود و بت پرستان هنود  
قائل بودند که کرشنه پسر خدا  
و خود خدا است تا امروز

(۱۶) ولادت قدیس را  
ما قبل از ظهور کرشنه در ناسوت  
بود بزمان کمی و همت کرد  
قانس پادشاه بلاد در هلاک قدیس  
راما و کشتن کرشنه

(۱۷) کرشنه در بین  
شبانان تربیت شد وقتی که  
وارد مطرا گردید بسیار حاجت  
به تعلیم داشت برایش معلم  
دانائی آوردند و در اندک زمانی  
بر استادش فائق آمد در علوم

[۱۵] تاریخ هند جلد ۲ صفحه ۷۳۱  
حکاری آسیائی جلد اول صفحه ۲۵۹  
[۱۶] تاریخ هند جلد ۲ صفحه ۳۱۶  
[۱۷] دوان صفحه ۲۸ و تاریخ هند  
جلد ۲ صفحه ۳۲۱

[۱۵] در مقدمه بر انجیل طفولیت تألیف  
هچین و همچنین کتاب سفاری موسوم به  
رحلات مصر به جلد اول ص ۱۳۶ [۱۶]  
انجیل تاریخ ولادت عیسی مسیح باب ۶  
[۱۷] انجیل طفولیت باب ۲۰ از شماره  
یک تا هشت

و عاجز کرد استاد را در مسائل  
دقیقه سنسکریتی

خواهم گفت و معلم تهدید نمود  
عیسی را بزدن پس عیسی ایستاد و بیان  
کرد معنای الف و بارها و خبر داد  
معلم را از حرف راست و حرف  
کج و حروف سه نقطه و حروفی  
را که دارای يك نقطه و حرکات  
هستند و حروفی که نقطه ندارند  
و بیان کرد که چرا باین ترتیب  
وضع شدند یعنی بعضی قبل از دیگری  
هستند و شروع کرد بخر دادن از  
چیزهایی که معلم نشنیده بود از  
پیش و نخوانده بود آردار کتابی

(۱۸) در يك روزی کرشنه  
بادسته از گاو سیر میکرد پس  
برگزیدند او را برای پادشاهی  
آن گاوها و هر گاوی رفت در  
محلی که این سلطان برایش معین  
کرده بود

[۱۸] تاریخ هند جلد دوم ص ۳۲۱  
[۱۸] انجیل طفولیت باب ۱۸ شماره  
يك تا ۳



(۱۹) دریکی از ایام بعضی از رفقای کرشنه را که باوی بازی میکردند مار گزید و مردند و کرشنه بر آنها برای مرگ نا کهانی ایشان شفقت نمود و بچشم خداوند بآمردگان نگاه کرد فوری بر خاستند و زنده شدند (۲۰) اصحاب کرشنه و گوساله های آنها را دزد برد و پنهان کرد در غاری پس آفرید کرشنه اصحابی و گوسالهائی را مثل آنها در شکل و صورت (۲۱) اول معجزه و کار عجیبی که کرشنه کرد شفا دادن ابرص بود (۲۲) زن بیچاره زمین گیری نزد کرشنه آمد و با آن زن

(۱۹) در زمانی را که عیسی بازی میکرد یکی از بچهائی را که با او بازی میکردند مار گزید پس دستش را بآن کودک مالید فوری خوب شد

(۲۰) بچهائی که با عیسی بازی میکردند وقتی خود را در محل طبع نان پنهان کردند بصورت بزغالها گشتند پس آواز داد ایشان را عیسی که ای بچهها بیائید بازی کنیم پس آن بزغالها بصورت اوئی که بچهها بودند برگردیدند

(۲۱) اول، معجزه که از عیسی بظهور رسید شفای ابرص بود

(۲۲) و هنگامی که عیسی در بیت عینا در خانه شمعون

- |  |                                   |
|--|-----------------------------------|
| [۱۹] تاریخ هند جلد ۲ ص ۲۴۳                                   | [۱۹] انجیل طفولیت باب ۱۸          |
| [۲۰] تاریخ هند جلد ۲ ص ۱۴ و کتاب خرافات آیینها جلد دوم ص ۱۳۶ | [۲۰] انجیل طفولیت باب ۱۸          |
| [۲۱] تاریخ هند جلد ۲ ص ۲۱۹                                   | [۲۱] انجیل متی باب ۸ شماره ۲      |
| [۲۲] تاریخ هند جلد ۲ ص ۳۲۰                                   | [۲۲] انجیل متی باب ۳۶ شماره ۶ و ۷ |

ظرفی بود که در آن ظرف بوی خوش و صندل و زیتون و زعفران و غیر اینها از اقسام بوی خوش بود و از آن بعلامت مخصوصی برجبین کرشنه مالید و باقی را بر سرش ریخت

(۲۳) کرشنه بدار زده شد و بر روی دار مرد (۲۳) عیسی بدار زده شد بر روی دار مرد

(۲۴) چونکه کرشنه مرد مصیبات و علامات شرعی عظیمی واقع شد و بماء دائره سیاهی احاطه کرد و آفتاب در وقت ظهر تاریک شد و آسمان آتش و خاکستر بارید و شعله های آتش گرم زبانها زد و شیاطین فساد میکردند در زمین و مردم دیدند هزارها از ارواح را که در فضای آسمان در صبح و شام جنگ مینمودند و ظهور آن در تمامی امکنه بود

(۲۵) سوراخ شده بود پهلوی (۲۵) سوراخ شده بود پهلوی

- |                               |  |
|-------------------------------|--|
| [۲۴] کتاب تصورات دینه جلد اول | [۲۴] انجیل متی باب ۲۷ و انجیل لوقا نیز - |
| [۲۵] دوان ص ۲۸۲               | [۲۵] دوان ص ۲۸۲                          |



عیسی بتوسط حربه	کرشنه بتوسط حربه
(۲۶) و عیسی بیکی از دزد هائی که باتفاق او بدار زده شده بود گفت حق را میگویم برای تو تو امروز بامن در بهشت می باشی	(۲۶) کرشنه گفت صیادی را که باو تیر زده بود در حال دارش برو ای صیاد در حالیکه محفوفی بر حمت من بسوی آسمان منزل خدایان
(۲۷) عیسی مرد پس بر خاست از بین مردگان	(۲۷) مرد کرشنه پس برخاست ازین مردگان
(۲۸) نازل شد عیسی بسوی جهنم	(۲۸) وارد شد کرشنه بجهنم
(۲۹) بالا رفت عیسی با جسمش بآسمان و بسیاری مشاهده کردند او را در حالیکه بالا میرفت و نازل خواهد شد	(۲۹) بالا رفت کرشنه با جسمش بآسمان و بسیاری دیدند او را که بالا میرفت
(۳۰) هر آینه بزودی عیسی خواهد آمد در آخر الزمان با قوت و جلال عظیم و سوار بر ابرها و در زمان آمدنش آفتاب و ماه	(۳۰) هر آینه به زودی کرشنه در آخر الزمان خواهد آمد و ظاهر میشود مانند سواری آراسته با سلاحه و سوار است بر اسب اشهب نجیبی و در وقت آمدنش
(۲۶) انجیل لوقا باب ۲۳ شماره ۴۳	(۲۶) ویشنو پورانا ص ۶۱۲
(۲۷) انجیل متی باب ۲۸	(۲۷) دوان ص ۲۸۲
(۲۸) دوان ص ۲۸۲ و همینطور ایمان مسیحین و غیره	(۲۸) دوان ص ۲۸۲
(۲۹) انجیل متی باب ۲۴ شماره ۳۰	(۲۹) دوان ص ۲۸۲
(۳۰) انجیل متی باب ۲۴	(۳۰) دوان ص ۲۸۲

آفتاب و ماه تاریک میشوند و زمین بلرزه و حرکت میآید و ستاره ها از آسمان ساقط میشوند	تاریک میشود و زمین بلرزه و حرکت میآید و ستاره ها از آسمان ساقط میشوند
(۳۱) کرشنه در آخر الزمان جزا میدهد مرد گنرا	(۳۱) عیسی در آخر الزمان جزا میدهد مرد گنرا
(۳۲) در باره کرشنه می گویند که او آفریدگار هر چیز است اگر او نبود هیچ چیز از بودنی ها نبود پس کرشنه آفریننده همیشه است	(۳۲) در باره عیسی قائلند که اوست آفریدگار همه چیز و اگر او نبود هیچ چیز از بودنی ها نبود پس اوست افریدگار همیشه
(۳۳) کرشنه الف و باء است و اوست اول و وسط و آخر هر چیز	(۳۳) عیسی است الف و یا و وسط و آخر همه چیز
(۳۴) کرشنه محاربه کرد با ارواح شریره و باکی نداشت از خطر هائی که باو احاطه داشت	(۳۴) عیسی در روی زمین جنگ کرد با مردمان شریر و از مخاطرات محیطه بخود پروائی
(۳۱) دوان ص ۲۸۲	[۳۱] در رساله رومانیین باب ۱۴ شماره ۱۰
(۳۲) دوان ص ۲۸۲	[۳۲] انجیل یوحنا باب اول از شماره يك تا سه و رساله کورنوس اول باب ۸
(۳۴) دوان ص ۲۸۳	شماره ۶ رساله افسس باب ۳ شماره ۹ [۳۳] مکاشفه یوحنا باب اول شماره ۸ و باب ۲۲ شماره ۶
	[۳۴] ملاحظه کن انجیلها و رساله ها را می بینی بیشتر از مذکورات را



و دستورات خود را توسط اعمال عجیبه و معجزات مثل زنده کردن اموات و شفای ابرص و کروکور و اعاده مخلوع و یاری کردن ضعیف را بر قوی و مظلوم را بر ظالم انتشار داد و این امور وقتی بود که می پرستیدند او را و ازدحام می کردند بر او و خدایش میدانستند

(۳۵) کرشنه دوست میداشت شاگردش ارجون را بیشتر از سایر شاگردانش

(۳۶) در حضور ارجون هیئت کرشنه تبدیل شد و نورانی شد صورتش مثل آفتاب و جمع گردید در کرشنه خدائی خداها و بزرگواری عالی پس ارجون سرش را خم کرده از روی مذلت و از روی هیبت و دست بر سینه نهاد از روی خضوع و احترام عرض کرد

[۳۵] کتاب بها کافات کینا [۳۶] کتاب مورس و لیمس [دین الهنود] صفحه ۲۱۵  
[۳۵] انجیل یوحنا [۳۶] انجیل متی باب ۱۷ از شماره يك تا ۹

الان حقیقت تو را با آنطوریکه هستی دیدم و امیدوار شدم از رحمت ای پروردگار پروردکاران پس عود کن و ظاهر شو دوباره بر من از جنبه ناسوت خود توئی احاطه دارنده به تمام مملکت

(۳۷) و چون کرشنه از حیث خلق و خلق و تعلیم دادن با خلاص بهترین مردمان بود شست پاهای همه را و از باب رحمت و فروتنی تنزل نمود اوست پاك آبرو خواه در لباس انسانی و اوست عالم بمغیبات بزرگ و اوست عزیز (برهما) که در ناسوت ظاهر شد

(۳۸) کرشنه برهمنای بزرگ قدوس است و ظهورش در ناسوت برای سرری است از اسرار عجیبه خدائی

گرديد در هنگامی که مشغول سخن گفتن بود پارچه ابر سفید ظاهر و ایشان را سایه انداخت و از آن ابر صدائی بلند شد که این پسر من و دوست من است که بواسطه او مسرورم و چون شاگردان این آوازا شنیدند فوری تماماً بروی در افتادند و بسیار ترسیدند

(۳۷) عیسی بهترین مردمان بود از حیث اخلاق و عفت که برای تکمیل انسانیت و رأفت تکبر و بزرگی در خود قائل نشد و پاهای شاگردانش را می شست و اوست عالم بمغیبات بزرگواری که در ناسوت تجلی کرد

(۳۸) عیسی بهوه بزرگ قدوس است و برای سرری از اسرار خداوندیش ظهور در ناسوت کرد

[۳۷] کتاب مورس و لیمس [دین الهنود] صفحه ۲۱۵  
[۳۸] و یشنو پورانا صفحه ۴۹۲ شرح حاشیه شماره ۳

[۳۷] انجیل یوحنا باب ۱۳ [۳۸] رساله تیموثاوس اولی باب سم شماره ۱۶



(۳۹) کرشنه نزد بت پرستان  
هنود که قائلند بخداوندیش اقنوم  
دوم است از سه کانه مقدسه  
(۴۰) فرمان داد کرشنه  
که هر که در تصدیق باو صمیمی  
است از ملک خود و کلیه مشتهیات  
محبوب خود که باعث بزرگواری  
دنیا است دست بردارد و برود  
در جائی که از مردم خالی باشد و  
قرار دهد تصورات خود را فقط  
در خدا  
(۴۱) کرشنه گفت بشاگرد  
محبوبش از چون هر زمان خواستی  
عملی نمائی و یا بفقری چیزی  
بدهی و یا غذائی بخوری و یا  
قربانی نمائی و هر فعل خیری  
را خواستی بجا آوری پس باید

[۳۹] مورس و لیمس در کتاب  
عتاید بت پرستی هندی صفحه ۱۰۰  
[۴۰] دیانت بت پرستی هنود ص ۲۱۱  
[۴۱] مورس و لیمس کتاب دیانت  
بت پرستی هندی ص ۲۱۲  
[۳۹] ملاحظه کن کتب دینی نصاری  
و انجیلا و رساله ها را  
[۴۰] انجیل متی باب ۶ شماره ۶  
[۴۱] رساله کورنوس اولی باب ۱۰  
شماره ۳۱

تمام آنها خالص برای من  
بوده باشد منم حکیم و علیم  
نیست بر ایم ابتدائی و منم حاکم  
عهده دارنده

(۴۲) کرشنه گفت منم  
علت وجود کائنات در من بود  
و در من حلول کرد کائنات و  
بر من آنچه در تمام جهانست  
تکیه دارند و بمن وابسته اند  
مثل لؤلؤئی که بطور انتظام  
کشیده در رشته باشد  
(۴۳) کرشنه گفت منم  
نور ثابت در آفتاب و ماه و منم  
ثابت در زبانه آتش منم نور هر  
روشنی دهنده و نور نورها و  
و تاریکی در من نیست  
(۴۴) کرشنه گفت منم حافظ  
جهان و پروردگارش و راهش

[۴۲] انجیل یوحنا باب اول از شماره  
یک تا سه  
[۴۳] انجیل یوحنا باب ۸ شماره ۱۲  
[۴۴] انجیل یوحنا باب ۱۴ شماره ۶  
[۴۲] مورس و لیمس کتاب دیانت  
بت پرستی هندی ص ۲۱۱  
[۴۳] مورس و لیمس کتاب دیانت  
بت پرستی هندی ص ۲۱۳  
[۴۴] دوان ص ۲۸۳



(۴۵) گفت کرشنه منم  
صلاح شخص شایسته و منم  
ابتداء و وسط و آخر و جاوید  
و آفریدگار هر چیز و فنا نماینده  
و هلاك کننده

(۴۶) کرشنه گفت به  
شاگرد محبوبش غمگین مباش  
ای ارجون از بسیاری گناهانت  
فقط من ترا از آن گناهان  
نجات میدهم اعتماد کن بمن و  
توکل کن بر من و بندگی کن مرا و  
سجده کن بمن و تصور نکن احدی  
را غیر از من زیرا که تو همچنان  
میآئی بسوی من در منزل  
بزرگی که حاجت نیست در آنجا  
بروشی آفتاب و ماه زیرا که  
نور هر دو از من است -

[۴۵] موریس ویلمس دیانت بت پرستی  
هنود ص ۲۱۳  
[۴۶] موریس ویلمس دیانت بت پرستی  
هنود ص ۲۱۳  
[۴۵] مکاشفه یوحنا باب اول از  
شماره ۱۷ تا ۱۸  
[۴۶] سفر رؤیا باب ۱۲ شماره ۲۳  
و سفر امثال شماره ۲۶

و این مقدار قلیلی است از بسیار که اختصارا بآب  
اكتفاء شد

## فصل هیجدهم

مقابله منصوبات صریحه بین بودا و عیسی مسیح  
و آن عبارت است از مقابله نمودن آنچه را که بت  
پرستهای هنود در باره بودا قائلند با آنچه را که نصاری دربار  
عیسی قائلند

کلمات نصاری در حق پسر خدا	کلمات بت پرستان هنود در
حق پسر خدا (بودا)	حق پسر خدا (بودا)
(۱) متولد شد عیسی مسیح از	(۱) متولد شد بودا از
عذرا مریم بدون پهلو خوابی مردی	عذرا مایا بدون پهلو خوابی مردی
(۲) متجسم شدن عیسی	(۲) متجسم شدن بودا
بسبب حلول کردن روح القدس	بواسطه حلول کردن روح القدس
بود بر عذراء مریم	بر عذرا مایا بود
(۳) چون نازل گردید	(۳) چون بودا از محل عالی
عیسی از محل آسمانی و داخل	تنزل کرد و داخل در رحم عذرا

[۱] انجیل متی باب اول	[۱] لیمس دیانت بت پرستی هنود ص ۸۲
[۲] انجیل متی باب اول	و ۱۰۸
[۲] دوان ص ۲۹۰ بنسون ص ۲۰	[۲] کتاب دوان ص ۲۸۹ و کتاب
کتاب کونت امبرلی تجزیه عقاید دینی	بنسون مسیح فرشته ص ۱۰ و ۲۵
ص ۴۲۴	[۲] بنسون ص ۲۰ دوان ص ۲۹۰



مایا گردید رحم عذرا مایا مثل  
بلور درخشنده شد بطوری که  
بودا از آنجا مثل بشکوفه نیکو  
ظاهر بود

( ۴ ) دلالت کرد بر تولد  
بودا ستاره که در افق آسمان  
ظاهر شد و آنرا ستاره بودا  
مینامند

( ۵ ) متولد شد بودا پسر  
عذرا مایا که حلول نمود در او  
روح القدس در روز عید میلاد  
یعنی ۲۵ کانون اول

( ۶ ) چون متولد شد بودا  
جنود آسمانی مسرور شدند و  
فرشته ها برای آن مولود مبارك  
خطابه های داله بر بزرگواری  
خواندند و میگفتند متولد شد  
بودا در زمین تا آنکه عطا کند  
مردم را خوشوقتی ها و رحمتها

[ ۴ ] دوان ص ۲۹۰  
[ ۵ ] بنسون مسیح فرشته ص ۱۰  
[ ۶ ] دوان ص ۲۹۰  
[ ۴ ] انجیل متی باب ۲ شماره ۱  
[ ۵ ] دوان ص ۲۹۰  
[ ۶ ] انجیل لوقا باب ۲ شماره ۱۴ و ۱۳

و برساند نور را بجای تاریک و  
کوران را چشم عطا کند

( ۷ ) شناختند حکماء بودا  
را و درك کردند اسرار لاهوتش  
را و نگذشت یکروز از ولادتش  
مگر آنکه مردم تحیت گفتند  
اورا خدای خدایانش نامیدند

( ۸ ) هدیه دادند بودا را  
وقت طفولیت از جواهرات و  
غیر ها از اشیاء گران بها  
( ۹ ) بودا در هنگام بچه گی به

مادرش گفت منم بزرگتر از همه مردم  
( ۱۰ ) تولد یافت بودا در

پنهانی و همت کرد پادشاه  
( بمبارا ) بکشتنش برای آنکه  
خبر داده بودند باو که این پسر  
البته اگر زنده بماند ملک را  
از دستش خواهد گرفت

( ۷ ) زیارت کردند عیسی  
را حکماء و اسرار لاهوتش را  
درك کردند و نگذشت روزی از  
تولدش تا آنکه نامیدند او را  
خدای خدایان

( ۸ ) هدیه دادند عیسی را  
زمان طفولیت هدیه هایی از طلا  
و بوی خوش و ما کولات تلخ  
( ۹ ) عیسی در زمان طفولیت

بمادرش گفت منم پسر خدا  
( ۱۰ ) عیسی متولد شد در  
پنهانی و پادشاه هیردوس سعی  
در قتلش کرد تا آنکه نگیرد  
سلطنت را از او

[ ۷ ] انجیل متی باب ۲ از شماره ۱ تا ۱۱  
[ ۸ ] انجیل متی باب ۲ شماره ۱۱  
[ ۹ ] انجیل طفولیت باب اول شماره ۳  
[ ۱۰ ] انجیل متی باب ۲ شماره اول

[ ۷ ] دوان ص ۲۹۰  
[ ۸ ] دوان ص ۲۹۰  
[ ۹ ] کتاب هردی عقاید بودائی ص  
۱۴۵ و ۱۴۶  
[ ۱۰ ] کتاب ییل تاریخ بودائی ص  
۱۰۳ و ۱۰۴



(۱۱) چون بودا در مدرسه فرستاده شد در حال طفولیت مضطرب ساخت استاد را با آنکه قبلاً درسی نخوانده بود و فایق شد بر تمام در خط و ریاضیات و علوم عقلیه و هندسه و نجوم و کفایت و عرافت

(۱۲) چون بودا بدو از ده سال رسید و آرد یکی از بتخانها گردید و اهل علم از او مسائل مشكله سؤال میکردند و توضیح میداد برای ایشان بدرجه که غلبه کرد بر تمام آنها که با او بحث علمی داشتند

(۱۳) بودا وقتی داخل یکی از بتخانها گردید پس بتها

[۱۱] کتاب هردی و کتاب بنسون و کتاب پیل  
[۱۲] بنسون مسیح فرشته ص ۳۷ و پیل تاریخ بودائی ص ۱۶۷ تا ۱۶۹  
[۱۳] بنسون ص ۳۷ و پیل تاریخ بودائی صفحه ۱۶۷ تا ۱۶۹

[۱۳] نیکودیموس باب اول شماره ۲

بر خاستند از جای خود و پیش پای او محض سجده او افتادند (۱۴) نسب کوتا ما بودا را از

طرف پدرش (صدودانا) متصل بمردی مینمودند که تمامشان از نسل شاهان بودند تابه (ماها سماطا) و این ماها سماطا اول کسی بود که پادشاه گردید در دنیا و قایع و نسبهای که در کتاب (بیورازا) برهمی ذکر شد موجود است در انساب بودا الا آنکه ثبوت آن وقایع با بعضی از انساب بودا مجتمع نمیشود و باعث این آنست که مورخین بودائی بخيال زیادی رتبه بودا علاوه بر خدائی این انساب را برای بودا قائل شده و نامهایی برایش ثابت کردند

(۱۵) چون بودا عازم گردش شد (مارا) یعنی شیطان برای تجربه اش بر او ظاهر شد

[۱۴] دوان صفحه ۲۹۱  
[۱۵] دوان صفحه ۲۹۲  
[۱۴] دوان صفحه ۲۹۱  
[۱۵] انجیل متی باب ۴ از شماره يك تا ۱۷



(۱۶) ما را ببودا گفت  
ای بودا زندگی خود را صرف  
در اعمال دینی نکن تا مدت ۷  
روز مالك تمام دنیا شوی  
(۱۷) اعتنا نکرد بودا ما  
را و گفت دور شو از من  
(۱۸) چون ترك کرد  
ما را امتحان بودا را آسمان گل  
بارید و هوا از بوی خوش پر  
گردید

(۱۹) بودا روزه گرفت  
در مدت بسیار طولانی  
(۲۰) غسل تعمید یافت  
بودای نجات دهنده و وقت  
تعمیدش باب حاضر بود روح  
خدا و بودا خدای بزرگ فقط  
نبود بلکه با روح القدس بود

[۱۶] دوان ص ۲۹۲  
[۱۷] دوان ص ۲۹۲  
[۱۸] دوان ص ۲۹۲  
[۱۹] دوان ص ۲۹۲  
[۲۰] بنسئون کتاب مسیح فرشته ص ۴۵  
[۱۶] انجیل متی باب ۴ از شماره يك تا ۱۱  
[۱۷] انجیل لوقا باب ۴ شماره ۸  
[۱۸] انجیل متی باب ۴ شماره ۸  
[۱۹] انجیل متی باب ۴ شماره ۳  
[۲۰] انجیل متی باب ۳ شماره ۱۳ تا ۱۷

که بواسطه حلول روح القدس  
بر عذرا مایا کوتاما بودا متجسم  
گردید

(۲۱) چون که بودا در  
روی زمین بود تبدیل کرد  
صورتش را و او در آن زمان  
بالای کوه (بنسدافا) بود یعنی  
کوه زرد سفید در (سیلان) ناگهان  
نوری احاطه کرد بر سرش مانند  
تاجی و میگویند که جسمش  
نورانی شد بنور بزرگی و مانند  
محسمه از طلای براق گردید و  
روشن شد مثل آفتاب یا ماه  
سفید گردید

و بسه جانب روشنی بخش گردید  
وحضار پس از دیدن این هیئت  
گفتند این بشر نیست و نیست  
او مگر خدای بزرگ

(۲۲) بودا کارهای عجیب  
و معجزات محیر العقول را برای  
عجایب محیر العقول را برای

[۲۱] بنسئون ص ۴۵ و کتاب بیل تاریخ  
بودائی ص ۱۷۷ و دوان ص ۲۹۳  
[۲۲] دوان ص ۲۹۳  
[۲۱] انجیل متی باب ۱۷ شماره يك تا ۲  
[۲۲] انجیل متی باب ۸ از شماره ۲۸ تا ۳۴ و غیرش از امثال آن



بهترین مردم بجا آورد و تمام حکایات مخصوصه باو دارای عجایب بزرگ است باندازه که ممکن باشد تصورش

(۲۳) در نمازشان برای بودا دخول بهشت را تمنا میکردند اشخاصیکه ایمان باو داشتند

(۲۴) چون بودا مرد دفن گردید کفن هایش باز شد و پرده تابوت بقوه غیر طبیعی یعنی قوه الهی شکافته گردید

(۲۵) بودا پس از تکمیل کارش در زمین با جسمش بجانب آسمان صعود کرد.

(۲۶) بودا مرتبه دوم در زمین خواهد آمد و بر میگردد و سلامت و برکت را در زمین

بهترین مردم بجا آورد و تمام قصه های مختصه باو دارای ذکر عجایب بزرگی است از چیزهایی که ممکن تصور باشد

(۲۳) مؤمنین بخدائی عیسی در نمازشان برای عیسی آرزوی دخول بهشت مینمودند

(۲۴) چون عیسی وفات کرد و مدفون شد کفن باز شد و قبر شکافته گردید بقوه خدائی غیر عادی

(۲۵) عیسی با جسمش بجانب آسمان صعود کرد پس از اتمام عملیاتش در زمین و بدار زدنش

(۲۶) عیسی برای برگردانیدن رحمت و سلامت باهل زمین در مرتبه ثانیه باز گشت خواهد کرد

- [۲۳] دوان ص ۲۹۳
- [۲۴] بنسوان کتاب مسیح فرشته ص ۴۹
- [۲۵] دوان ص ۲۹۳
- [۲۶] دوان ص ۲۹۳
- [۲۳] دوان ص ۲۹۳
- [۲۴] انجیل متی باب ۲۸ و انجیل یوحنا باب ۲۰
- [۲۵] اعمال رسولان باب اول از شماره ۱ تا ۱۲
- [۲۶] اعمال رسولان باب اول

(۲۷) بودا جزای دهد مردگان را

(۲۸) بودا الف و یاء است و نیست برایش ابتدا و انتهائی اوست ثابت بزرگ و جاوید یکنه

(۲۹) بودا گفته است گناهانی را که مردم در این دنیا مرتکب شدند بعهده من است که خلاص شوند مردم از گناهان

(۳۰) بودا گفته است پنهان بدارید اعمال خوب خود را و اقرار نمائید به گناهان خود آشکارا

(۲۷) خواهد جزا داد عیسی مردگان را

(۲۸) عیسی است الف و یاء و نیست برایش ابتداء و انتهائی و اوست ثابت بزرگ و جاوید یکتا

(۲۹) عیسی نجات دهنده جهان است و تمام گناهانی که واقع در جهان شد بدمه او واقع میشود عوض اشخاصی که مرتکب آن گناهان شدند و نجات میدهد عالم را

(۳۰) عیسی فرموده است مخفی بدارید اعمال خوب خود تا را و اقرار کنید به گناهان خود آشکارا

- [۲۷] دوان ص ۲۹۳
- [۲۸] دوان ص ۲۹۳
- [۲۹] کتاب تاریخ آداب سنسکریتی ص ۸۰
- [۳۰] مولر در کتاب علوم دینی ص ۲۸
- [۲۷] انجیل یوحنا باب ۵ شماره ۲۲
- [۲۸] انجیل یوحنا باب اول شماره اول و سفر رؤیا باب اول و غیر اینها
- [۲۹] دوان ص ۲۹۳ و همچنین تعلیم مسیحی
- [۳۰] انجیل متی باب ۶ شماره ۱



( ۳۱ ) توصیف میکنند  
بودا را که اوست ذاتی  
از نور غیر طبیعی و شیطان  
شریر را (شیطان را مار نیز مینامند)  
که ذاتی است غیر طبیعی  
قدیمی است

( ۳۲ ) در یکی از روزها  
اناندا شاگرد در اوقاتی که  
سیر شهرها می کرد بر خورد  
بزنی موسومۀ به ( متانجی ) و  
آن زن از نبیره ( الکندلاس )  
از طبقات پست بود در نزدیکی  
چاه آبی و قدری آب از  
آزن خواست و آزن در جواب

گفت که من نبیره کندلسم  
صحیح نیست مثل تو شخصی  
از مثل من که از طبقات پست می  
باشم آب نخواهی اناندا گفت

[ ۳۱ ] بنسون ص ۳۹ دوان ص ۲۹۴  
[ ۳۲ ] موار در کتاب علوم دینی ص ۴۰  
[ ۳۱ ] انجیل یوحنا باب ۱ شماره ۸  
انجیل لوقا باب ۴ شماره ۶ انجیل مرقس  
باب اول شماره ۱۳  
[ ۳۲ ] انجیل یوحنا باب ۴ از شماره  
یک تا ۱۱

اینخواهر من من از تو آب خواستم  
نپرسیدم که سبط کیستی و از کدام  
طایفه هستی و از آن زمان آن  
زن شاگرد بودا گردید.

( ۳۳ ) بودا گفت که  
نیامدم تا آنکه بشکنم ناموس  
را حاشا بلکه آمدم برای  
تکمیلش و مسرور میگشت از  
آنکه او را در ردیف معلمین یا  
حکما بشمارند

( ۳۴ ) بر حسب دستور  
بودا واجب است که تمام اعمال  
ما و اعمال عیالات و همسایگان  
ما از روی نیکوئی و دوستی باشد

( ۳۵ ) در اوایل روزگار  
بودا که تعلیم و بشارت میداد  
در آن اوقات در شهر بنارس  
رفته بود و در آنجا تعلیم میداد

[ ۳۳ ] بنسون صفحه ۴۷ و ۴۸ و  
امبرلی در تجزیه ایمان صفحه ۲۸۵  
[ ۳۴ ] موار در علوم دینی ص ۲۴۹  
[ ۳۵ ] کتاب مونا شیزم شرقی تألیف  
هاردی [ صفحه ۶  
[ ۳۳ ] انجیل متی باب ۵ شماره ۱۷  
[ ۳۴ ] انجیل متی باب ۵ شماره ۴۴  
[ ۳۵ ] انجیل متی باب ۴ از شماره  
۱۳ تا ۲۵



پس متابعت کرد او را کوندینا پس از آن گرویدند باو چهار مرد دیگر و تمام شاگردش شدند و از آن زمان هر جا تعلیم میداد و نصیحت میکرد پیروی میکردند او را مردها و زنهای بسیاری و از تبعه و شاگردانش می شدند

(۳۶) بودا بشاگردانش گفت که ترك نمایند دنیا و دارائی خودشانرا و بخواهند زندگی فقر و فاقه را

(۳۷) در کتب مقدسه قانونی بودائی وارد است که جمع کثیری از بودا معجزه را درخواست کردند تا آنکه باو ایمان آورند

(۳۸) چون رحلت بودا

[۲۶] هاردی در کتاب رهبانیه الشرق صفحه ۶ و ۶۲  
[۳۷] کتاب علم الادیان تألیف مولر صفحه ۲۷  
[۲۸] کتاب موناشریم المشرقیه تألیف هاردی صفحه ۲۳

[۳۶] باب ۱۶ از شماره ۲۵ تا ۲۸  
[۲۷] انجیل متی باب ۱۲ شماره ۳۸  
[۳۸] انجیل متی باب ۲۴ و انجیل مرقس باب ۸ شماره ۳۱ و انجیل متی باب ۲۸ شماره ۱۹ و ۲۰

از زمین نزدیک شد و میدانست حوادث آتی را که البته واقع میشد گفت بشاگردش اناندا که ای اناندا هر زمان که رفتم خیال نکنی وجودی برای بودا باقی نمی ماند (خیر) سخنی که گفتم از او واجبانی که واجب کردم آنها را جانشین من میباشد و این خلیفه برای تو مثل من است

(۳۹) در دستورات بودائی مستور است که اتفاق مال از بزرگترین مشکلات است اتفاق مال مثل اتفاق جان است زیرا که نفس بخل میکند بمال و متمسك میشود بآن و اما اگر اتفاق کرد مال را پس گویا کم نمود حیاتش را محض شفقت و میل برای بهره مردم پس برای چه تمسك کنیم بثروت منفوره و چون بودا خود را از دوستی و

(۳۹) مولر در کتاب علوم دینی ص ۲۴۴

(۳۹) انجیل متی باب ۶ شماره ۱۹ و ۲۰



و لذات دنیویّه رها کرد و اصل  
بمعرفت خدائی شد و رئیس گردید  
پس مرد حکیم تارك لذات دنیا  
باید بجا آورد نیکوئی را با هر  
کسی باندازه که فدا کند جان  
خود را برای مردم آن زمان  
و اصل بمعرفت حقیقی خواهد شد

(۴۰) مقصود بود استحكام

مملکت دینی یعنی مملکت آسمانی بود

(۴۰) و از این زمان شروع

کرد عیسی که نصیحت کند مردم

را و میگفت باز گشت کنید زیرا

که نزدیک شد ملکوت آسمانها

(۴۱) پس از امتحان ابلیس

عیسی را شروع کرد عیسی به

تأسیس سلطنت دینی و برای این

مقصود بطرف شهر کفر ناحوم

رفت و از آن زمان شروع کرد

بموعظه و میفرمود توبه کنید

زیرا که نزدیک شد ملکوت

خداوند و گروهی که در تاریکی

(۴۱) گفت بودا که الان دوست

دارم که چرخ شریعت را اداره

نمایم و برای این کار بجانب شهر

بنارس میروم تا آنکه نور بخشی

نمایم باشخاصی که در تاریکی

سرگشته اند و باز کنم درب

زندگی را برای انسانیت

(۴۰) بیل تاریخ بودائی ص ۱۰

(۴۱) بیل تاریخ بودائی ص ۲۴۴

(۴۰) انجیل متی باب ۴ شماره ۱۷

(۴۱) انجیل متی باب ۴ از شماره ۱۲

تا ۱۷

نشسته بودند درك کردند نور  
بزرگی را و فرقه که در شهر مرك  
و سایه موت نشسته بودند بر آنها  
نور تابید

(۴۲) شریعت بخشیده شد

بموسی و اما نعمت و حق پس

بعیسی منتقل گردید حق را

میگویم بشما آسمان و زمین زایل

میشوند ولیکن کلام من زایل

نمیشود

(۴۳) شنیدید که بسابقین

گفته شد که زنی نکنید ولی

من میگویم شما را هر که نگاه

نماید بزنی از روی شهوت پس

بتحقیق که زنی کرد بآن زن

در دلش

(۴۲) بودا بشما کرد محبوبش

اناندا گفت ای اناندا بدرستی که

سخنم حق است شکی در آن

نیست پس ابدأ برطرف نمیشود

سخنم اگرچه آسمانها بر زمین

واقع شود و جهان بلعیده شود

و دریاها خشك گردد و مندرك

شود کوه سومر و قطعه قطعه شود

(۴۳) بودا گفت که یافت

نمیشود چیزی که قوی تر باشد

از حیث فعل در انسان از اشتها

و میل شهوانی و برای نیکوئی

بهره و سعادت یافت نمیشود مگر

اشتهای شهوانی واحد و اگر

موجود میشد اشتهای دیگر

(۴۲) بیل تاریخ بودائی ص ۱۱

(۴۳) کتاب تقدم الافکار الدینیه جلد

اول ص ۲۲۸

(۴۲) انجیل یوحنا باب اول شماره ۱۷

انجیل لوقا باب ۲۱ شماره ۳۲ و ۳۳

(۴۳) انجیل متی باب ۵ شماره ۲۷ و ۲۸



البته مردی نبود در روی زمین  
که پیروی کند حق را پس حفظ  
کنید خود را از نگاه برزنها  
و اگر اجتماع کنید با ایشان  
پس قرار دهید اجتماعتان مثل  
آنکه با ایشان حاضر نیستید  
و زمانی که با ایشان سخن میگوئید  
حفظ کنید دلهای خودتان را

( ۴۴ ) بودا گفت مرد  
عقل حکیم تزویج نمی کند  
هیچوقت و زندگی زوجیت را  
مثل آتش دانی می بیند که آتش  
آن زبانه زننده باشد و کسیکه  
قدرت بر زندگی را ماینت نداشته  
باشد واجب است بر او که دوری  
کند از زنی

( ۴۵ ) و از جمله دستورات  
بودائی قول آنها است که

[ ۴۴ ] ریس داویس در کتاب بودائی  
صفحه ۱۰۳

[ ۴۵ ] ریس داویس در کتاب بودائی  
صفحه ۱۳۰

[ ۴۴ ] رساله کوزنتوس اولی باب ۷  
از شماره يك تا ۹  
[ ۴۵ ] انجیل یوحنا باب ۹ شماره  
۱ و ۲

میگویند اگر برسد زمانی انسان را  
اندوهی و دردی و کسالتی و قطع  
امیدی پس آن میرساند که او  
مرتکب شده است معصیتهائی  
را و این ناملایم جزای آن  
معصیت است و اگر مرتکب  
نشده باشد چیزی از معصیتهای  
را در این دوره حاضر مسلمان  
در یکی از ادوار سابق بر ظهورش  
مرتکب شده است

( ۴۶ ) بودا زمانی که  
توجه میداد افکار خود را  
بجانب ضمایر مردم درك میکرد  
خیالات آنها را و قادر بود بر  
معرفت افکار کلیه مخلوقات

( ۴۷ ) در کتاب صوما  
دیفا حکایتی منسوب به یکی

[ ۴۶ ] هردی در کتاب خرافات بودائی  
صفحه ۱۸۱

[ ۴۷ ] موار در علوم الدینیه ص ۲۴۵

[ ۴۶ ] انجیل یوحنا باب ۴ سخنش با  
ضعیفه سامریه و انجیل متی باب ۹  
شماره ۲۰ سخنش با ضعیفه که شفا  
داد او را از نزع الدم  
[ ۴۷ ] انجیل متی باب ۵ شماره ۲۹



از قدسین نقل شده که بودا  
چشمش را کند و دور انداخت  
زیرا که آن چشم او را بشبهه  
انداخته بود

(۴۸) چون بودا عازم  
تنسک شد سوار بود بر اسب  
موسوم به کنستاکو و ملائکه  
راهش را به گل فرش میکردند

می اندازد پس بکن آنرا و از  
خود دورش کن

(۴۸) چون عیسی داخل

اورشلیم میشد و سوار بود بر خری  
جمع کثیری راه را با شاخهای  
درخت خرما فرش می کردند.

از جمله اسامی و القابی که بودا را بانها می نامیدند -  
اسامی و القاب ذیل است

(ساقیاً سنجاً - یعنی شیر سبط ساقیا - و ساقیا مونی  
یعنی حکیم ساقیا - و سوغاتا - یعنی یکانه نیک بخت - و سانا  
یعنی تعلیم دهنده - و جینات یعنی غلبه کننده - و بها کافادا  
یعنی یکانه ثابت - و لوکانا یعنی مربی جهانیان - و سرما جینا  
یعنی حاضر - ضرماراجا - یعنی شاه نیکو - ) بجا آورنده  
سعادت - خداوند همه - و بزرگ - و جاوید - و بر طرف  
نماینده دردها ورنجها - و حافظ عالم - و هیکل رحمت - و نجات  
دهنده مردم - و طیب بزرگ - و خداوند ما بین خدایان -  
و مسیح - و مولود یکانه - و راه زنده گی - و چیزهای دیگری  
که شبیه باین اسماء و القاب است

و میخوانند عیسی مسیح را بمثل این اسماء و القابی که  
برای بودا ذکر شد مقتضی است اعاده شود اسماء و القاب  
عیسی (شیر سبط یهودا) (۱) (نجات دهنده) (۲) (نخست زاده) (۳)  
(خداوند مبارک) (۴) (قدوس خدا) (۵) (خدای ثابت جاوید)  
(۶) (پروردگار پرورد کاران و شاه شاهان) (۷) (بره خدا)

- (۱) مکاشفه یوحنا باب ۵ شماره ۵ (۲) اعمال رسولان باب ۸ شماره ۳۵  
(۳) رساله بعبرائین باب اول شماره ۶ و ۵ (۴) رساله برومیان باب ۹  
شماره ۵ (۵) لوقا باب ۴ شماره ۳۴ و اعمال رسولان باب ۳ شماره ۴  
(۶) رساله برومیان باب ۹ شماره ۵ (۷) مکاشفه یوحنا باب ۱۷ شماره ۱۴

[۴۸] هردی در کتاب خرافات | [۴۸] انجیل متی باب ۲۱ شماره ۱  
بودائی صفحه ۲۳۴ تا ۹



- (۸) (پروردگار بزرگی) (۹) (پروردگار پروردکاران)  
(۱۰) (آفریننده همه چیز) (۱۱)

و بعضی از اسماء مشهوره فدا شوند - و نجات دهند -  
و واسطه - و کله - و بره خدا - پسر خدا مولود بکر -  
بردارنده گناهان و چیز هائی است که شبیه باینها باشد از  
اسماء و القاب

مؤلف

محمد طاهر التنیر بیروت

مترجم

حاج میرزا رضا دامغانی

ان الدين عند الله الاسلام



نسخه اصلی کتاب دارای کراور هائی بود که بواسطه عدم  
مساعدت اسباب در طهران از ترسیم آنها صرف نظر شد در  
طبع ثانی شاید انشاء الله موفق به ترسیم آنها بشویم  
رضا دامغانی

(۸) انجیل یوجنا باب اول شماره ۲۹ و ۳۶ [۹] رساله کورنثوس  
اولی باب ۲ شماره ۸ [۱۰] مکاشفه یوجنا باب ۱۷ شماره ۱۴ [۱۱] رساله  
به کولسیان باب اول شماره ۱۵ تا ۱۸

## فهرست

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
	مقدمه بقلم مترجم		
۱	مبلغین مسیحی در بلاد اسلام	۱	۵
۲	تقدیس مقام حضرت عیسی (ع)	۵	
۳	عدم اعتبار توریة کنونی	۵	۱۰
۴	عدم اعتبار انجیل فعلی	۱۰	۲۶
۵	عقیده تثلیث در مسیحین	۲۶	۳۰
۶	عقیده بصاب «	۳۰	۳۶
	کتاب مؤلف		
۷	مقدمه مؤلف در بیان علت تألیف	۳۸	۴۱
۸	اسامی کتب مرجع نقل و استناد مؤلف	۴۱	۴۵
	فصل اول		
۹	عقیده تثلیث نزد بت پرستها	۴۶	۶۰
۱۰	عقیده تثلیث نزد مسیحین	۶۰	۶۲
	فصل دوم		
۱۱	اعتقاد بصلب نزد بت پرستها	۶۲	۷۴
۱۲	اعتقاد بدار زدن نزد مسیحی ها	۷۴	۷۵
	فصل سوم		
۱۳	ظهور ظلمت در عالم بواسطه مرك		
	خدایان بعقیده بت پرستان	۷۵	۷۸



ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱۴	ظهور ظلمت در عالم در موقع صلب مسیح بعقیده مسیحیان	۷۸	۷۹
	فصل چهارم		
۱۵	ولادت یکی از خدایان که خود را برای مردم فدا کرد بعقیده بت پرستها	۷۹	۹۵
۱۶	ولادت عیسی مسیح ع باعتقاد مسیحین	۹۵	۹۹
	فصل پنجم		
۱۷	ظهور کواکب موقع تولد خدایان باعتقاد بت پرستان	۹۹	۱۰۲
۱۸	ظهور کوبی در مشرق وقت ولادت مسیح بعقیده مسیحی ها	۱۰۲	۱۰۳
	فصل ششم		
۱۹	ظهور جنود سماوی زمان تولد خدایان در نزد بت پرستان	۱۰۳	۱۰۶
۲۰	ظهور جنود آسمانی هنگام ولادت مسیح	۱۰۶	۱۰۷
	فصل هفتم		
۲۱	عقیده بت پرستان بشناسائی اشخاص خدایان آنها را در طفولیت آن خدایان	۱۰۷	۱۱۰

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۲۲	اعتقاد مسیحین بشناسائی مجوس عیسی مسیح را در حال طفولیت او	۱۱۰	۱۱۱
	فصل هشتم		
۲۳	محل ولادت خدایان بعقیده بت پرستان	۱۱۱	۱۱۳
۲۴	محل ولادت عیسی مسیح	۱۱۳	۱۱۴
	فصل نهم		
۲۵	بودن خدایان بت پرستان از نسل سلطنت	۱۱۴	۱۱۶
۲۶	بودن مسیح از نسل سلطنت	۱۱۶	
	فصل دهم		
۲۷	جستجوی سلاطین ظالم از خدایان بت پرستان برای کشتن و خلاصی آنها	۱۱۶	۱۲۰
۲۸	جستجوی هیردوس پادشاه عیسی را برای کشتن و خلاصی او	۱۲۰	۱۲۱
	فصل یازدهم		
۲۹	امتحان شیطان پسران خدایان را نزد بت پرستان	۱۲۱	۱۲۳
۳۰	امتحان شیطان عیسی را	۱۲۳	۱۲۴



ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
	فصل دوازدهم		
۳۱	رقیقن پسران خدایان در جهنم برای		
	خلاص کردن گناه کاران	۱۲۴	۱۲۵
۳۲	ورود عیسی بجهنم برای نجات		
	گناهکاران	۱۲۵	۱۲۷
	فصل سیزدهم		
۳۳	زنده شدن خدای بت پرستان پس از		
	کشته شدن	۱۲۷	۱۳۶
۳۴	زنده شدن عیسی بعد از کشته شدن	۱۳۶	۳۷۱
	فصل چهاردهم		
۳۵	رجعت خدایان در مرتبه ثانی	۱۳۷	۱۴۰
۳۶	رجعت عیسی	۱۴۰	۱۴۲
	فصل پانزدهم		
۳۷	عقیده بت پرستان باینکه خالق موجودات		
	پسر خدا است	۱۴۲	۱۴۷
۳۸	عقیده نصاری باینکه پسر خدا عیسی		
	خالق موجودات است	۱۴۷	۱۴۸

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
	فصل شانزدهم		
۳۹	غسل تعمید برای بر طرف کردن		
	گناهان نزد بت پرستان	۱۴۸	۱۵۲
۴۰	غسل تعمید نزد مسیحی ها	۱۵۲	۱۵۳
	فصل هفدهم		
۴۱	مقابله منصوبات کرشنه با منصوبات		
	انجیل	۱۵۳	۱۶۹
	فصل هیجدهم		
۴۲	مقابله منصوبات بودا با عیسی مسیح ع	۱۶۹	۱۸۸



غلط نامه

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱	۱۲	اشت	است
۴	۶	آغازائیمون	آغازائیمون
۲۲	۵	نیر	نیز
۳۵	۱۲	شادگرد	شاگردان
"	"	جسن	جسد
۳۹	۱۱	تری	تری
۷۳	۲۱	مگزیکى ها	مگزیکى ها
۷۸	۱۰	..	بر
۸۳	۶	خدا	جزا
"	۱۶	عمودای	عمورای
۱۱۵	۱۵	سطننت	سلطنت
۱۲۱	۱	جبارہ	جبارہ
۱۳۰	۹	پرردکار	پروردگار
۱۴۲	۵	این	این
۱۴۴	۱۳	وست	اوست
۱۴۹	۱۲	کس	.
۱۴۹	۱۳	پودك	كودك
۱۵۷	اول	رفته بود	رفته بودند
۱۵۸	۸	را	راما
۱۵۸	۹	ماقبل	قبل
۱۶۳	۱۳	رری	روی
۱۸۴	۱۴	رامباینت	رهبائیت



